

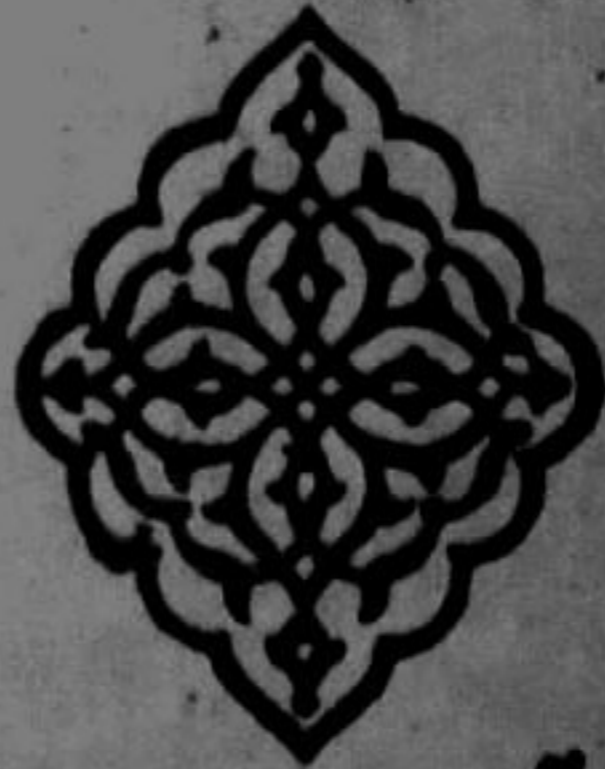
مقدمہ

جو عالم اولیٰ

از

آلتاد و کتہ غلام مسرور

نیس س سابق بخش فارسی دانشگاہ کراچی



انز امتیاد مرکز تحقیقات فارسی لہذا و پاکستا

اسلام آباد پاکستان

۱۳۹۶ ہجری

۲۵۳۵ شاہنشاہ

۱۹۷۷ میلاد

مقدمہ

جوالم الاولیاء

استاد و کرم غلام سرور

رئیس سابق بخش فارسی وانشگاہ کراچی

مدینتہ العلم دارالعلوم مجددیہ
نور آباد - فتح کڑہ - سیالکوٹ



وزارت مشاورت مرکز تحقیقات فارسی لیریز و پاکستان

اسلام آباد - پاکستان

۱۳۹۶ ہجری قمریہ

۲۵۳۵ شاہنشاہی

۱۹۷۶ میلادی



سخن پدید

به نام خدای بخشننده مهربان

فکر تاسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با اراده دانش پرور و فرهنگ گستر
 اعلی حضرت شاهنشاه آدیا مهرا ایران و حضرت رئیس جمهور پاکستان به صورت اعلامیه
 مشترک ۱۳ آبان ۲۵۲۸ شاهنشاهی برابر ۴ نوامبر ۱۹۶۹ میلادی پدیدار گردید و تهیه و تنظیم و اجرای طرح آن
 به وزارت فرهنگ و هنر ایران و وزارت آموزش و تحقیقات علمی پاکستان سپرده شد. حسن نیت و
 حسن تعاون مسئولان دو وزارتخانه ملی مذاکرات به اندازه نی بود که با مشخص گردیدن حدود طرح، مقدمات
 اجرای برنامه نیز فراهم شد و هسته مرکز به صورت اداره مرکزی در راولپنڈی به وجود آمد و آغاز به کار کرد و در
 تاریخ یکم آبان ۲۵۳۰ برابر ۲۳ اکتبر ۱۹۷۱ موافقتنامه مربوط با پیوست اسانامه در میان دو دولت
 ایران و پاکستان امضاء شد و مرکز تحقیق یافت.

موافقتنامه چنین شروع می شود :

«به منظور تشدید و ادامه همکاری فرهنگی و آموزشی و زبانی بین ایران و پاکستان و برای
 رسیدن به حد اعلای تفاهم بین دو کشور از طریق تعاون صادقانه و همبستگی دوستانه
 در این زمینه ها، دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان
 تصمیم گرفته اند که این موافقتنامه را برای همکاری در زمینه های فرهنگی و آموزشی
 منعقد سازند.»

و ہدف تاسیس مرکز در آغاز اسانامہ این گونہ آمدہ است :

پاکستان افتخار دارد کہ دارای یک میراث فرہنگی است کہ در طی قرون از زبان
و ادب و ہنر فارسی مایہ گرفتہ است. اینک بہ منظور حفظ و توسعہ و نشر و ترویج این
میراث فرہنگی، مؤسسہ فی بہ نام ہوکنو تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
با اشتراک مساعی وزارت فرہنگ و ہنر و دولت شاہنشاهی و وزارت آموزش
و تحقیقات علمی پاکستان بہ مدت نامحدودی در کشور پاکستان تاسیس می شود.
برای رسیدن بہ این ہدف یکی از گامہا چاپ کمن متون فارسی است کہ در پاکستان نوشتہ
و نگاشته شدہ است. اینک متنی دلچسب با تصحیح دقیق و مقدمہ استادانہ از استادان و کتر علام ہنر
تقدیم است.

امید وارم کہ این پیشکش ناچیز روشنگر گوشہ فی از جہان پناور و غنی فرہنگ پاکستان باشد
و وحدت و یگانگی میراث فرہنگی ایران و پاکستان را بیش از پیش آشکار گرداند.

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

علی اکبر جعفری

اسلام آباد (پاکستان)، ۱۵ تیر ۲۵۳۵ شاہنشاهی

مقدمہ

جواہرِ الاولیاء

از

استاد و کٹر غلام سرور

رئیس سابق بخش فارسی دانشگاہ کراچی



از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

اسلام آباد - پاکستان

۱۳۹۶ ہجری قمری

۲۵۳۵ شاہنشاہی

۱۹۷۶ میلادی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان



شماره ۱۵

گنجینه تصوف و عرفان

شماره ۳

مختصات این کتاب

نام کتاب	: مقدمه جواهر الاولیا.
مؤلف	: استاد دکتر غلام سرور، رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه کراچی.
سخن مدیر	: دکتر علی اکبر جعفری، مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد پاکستان.
چاپ	: ایس تی پرنٹرز، گوالمندی، راولپنڈی. تلفن: ۶۶۸۱۸
ناشر	: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، پاکستان. تلفن: ۲۳۳۴۰
تعداد	: ۱۰۰۰ مجلد.
قطع	: ۱۷ x ۲۴ سانتیمتر.
کاغذ	: ۷۰ گرمی، ساخت پاکستان.
خطاط	: مولوی عبدالعزیز، راولپنڈی.

مدت کتابت و چاپ: ۶ ماہ .

تاریخ چاپ و نشر }
۱۳۹۶ ہجری قمری }
۲۵۳۵ شامہنشاہی }
۱۹۷۶ میلادی }

محل انتشار : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، تلفن: ۲۳۳۴۰ .

بہا : ۲۵ روپیہ پاکستان .

حق چاپ برای مؤلف و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان محفوظ است .

فہرست مطالب

	سخن مدیر
	دیباچہ بہ زبان فارسی
۱۴۰ — ۳	مقدمہ بہ زبان فارسی
۴ — ۳	آغاز
۲۸ — ۵	بخش اول
۴۹ — ۲۹	بخش دوم
۱۰۳ — ۷۱	بخش سوم
۱۵۳ — ۱۰۵	بخش چہارم
۱۵۷ — ۱۵۵	بخش پنجم
۱۶۰ — ۱۵۹	خانہ
۱۶۶ — ۱۶۱	ضمیمہ مقدمہ
۱۸۵ — ۱۶۷	فہرست حا
	مقدمہ بہ زبان انگلیسی
	دیباچہ بہ زبان انگلیسی
	سخن مدیر بہ زبان انگلیسی

دیسپاچہ

در ماہ آوریل سال ۱۹۷۲ میلادی بنا بر پیشنهاد جناب آقای دکتر علی اکبر جعفری، مدیر محترم مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در راولپنڈی، تصحیح و تحشیہ کتاب جواہر الاولیا تالیف سید باقر بن سید عثمان بخاری، ساکن اُچ بخاری (اکنون در بخش بہاولپور، اُتان پنجاب) و مقدمہ انتقادی بر آن کتاب را بہ عمدہ خود گرفتہ، و در همان آوان بہ کار محولہ مشغول گردیدم.

در آغاز کار تنها یک نسخہ خطی جواہر الاولیا در کتابخانہ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی در راولپنڈی موجود بود. این جانب نسخہ خطی مزبورہ را بہ نظر دقیق مطالعہ کردم، و دربارہ ارزش و اہمیت آن کتاب گزارش مفصلی تہیہ کردم کہ از جانب مدیر محترم مرکز تحقیقات فارسی بہ تصویب رسید، و با موافقت ایشان کار خود را ادامہ دادم.

نسخہ خطی جواہر الاولیا کہ در دست بود، افتادہ حالی داشت کہ مشتمل بر چندین برگ بود، و متن آن اغلاط زیادہ داشت، حتی در استنساخ آیات قرآن حکیم نیز غلطی ہا موجود بود.

بنا بر این قبل از این کہ متن صحیح و کامل جواہر الاولیا تہیہ شود، لازم گردید کہ بہ جستجوی نسخہ خطی کامل این کتاب پردازم. چنانچہ بہ شہرہای پشاور و گجرات (پنجاب)، ملتان و بہاول پور رفتم، و در آخر بہ قریہ اُچ بخاری کہ مرکز سادات بخاری می باشد، مسافرت نمودم. سہ مرتبہ بہ اُچ بخاری رفتم، ولی متأسفانہ کوششہای من بہ جای نرسید، و نسخہ خطی جواہر الاولیا بہ دست نیامد.

چندی بعد نسخہ خطی این کتاب در کتابخانہ دانشگاہ پنجاب لاہور پیدا شد. دو مرتبہ بہ لاہور رفتم،

و به لطف و مهربانی معاون مدیر کتابخانه دانشگاه کس نسخه خطی لاهور به دست آمد.

نسخه خطی لاهور به خط خوب نوشته شده بود، و متن آن اعلاط کم داشت، ولی بدبختانه این نسخه نسبت به نسخه مرکز تحقیقات فارسی افاده های زیاد داشت. علاوه بر این صحاف بی سواد در موقع صحافی برگ های جواهر چهارم و پنجم را از جای بی جا کرده بود.

باز هم به سبب افاده هایی که در دو نسخه خطی فوق موجود بود، تصحیح متن کامل جواهر الاولیا ممکن نبود، و مجبور شدم به جستجوی نسخه خطی کامل این کتاب پردازم، گویی یک سال تمام در سعی لا حاصل گذشت.

در ماه مه سال ۱۹۷۳ میلادی از جانب آقای احمد حسین قریشی، استاد زبان فارسی، زمیندار کالج گجرات

(پنجاب) اطلاعی رسید که نسخه خطی کامل جواهر الاولیا در دست است. چنانچه به گجرات رفتم، و نسخه مزبور

به لطف و مهربانی جناب آقای سید شریف احمد شرافت نوشاهی، که از اخلاف دانشمند سادات ده

ساحن پال نزدیک گجرات می باشد، به دست آمد. نسخه سوم از لحاظ متن کامل بود، تنها یک برگ از

آن افاده بود که متن آن را از دو نسخه خطی فوق فراهم آوردم.

تصحیح متن کتاب جواهر الاولیا در ماه ژوئن سال ۱۹۷۳ میلادی آغاز گردید. لازم است بگویم که

جواهر الاولیا کتابی است ضخیم و قطور، بدین سبب تصحیح متن کامل آن با مقابله متون سه نسخه فوق

در مدت چند ماه به خاتمه رسید، و مطالعه و بررسی دقیق تمام مطالب کتاب و تهیه مواد لازم برای مقدمه

انتقادی باز در چند ماه انجام یافت، و برای تهیه و ترتیب مقدمه نیز وقت زیاد لازم بود.

در ضمن محتویات مقدمه باید بگویم که تمام مطالبی که درباره کتاب جواهر الاولیا، شرح حال و وقایع

دوره زندگانی مؤلف و بزرگان اسلاف او و مختصات زبان کتاب، که در مقدمه انتقادی فراهم آمده است،

مبنی بر شواهد داخلی می باشد.

لازم نیست شرح دهم که تصحیح و تحشیه یک کتاب ضخیم و قدیم فارسی و تهیه مقدمه انتقادی بر آن

تا چه اندازه مقتضی زحمت و پشتکاری باشد، و تنها دانشمندی که کتاب حاضر را مطالعه فرمایند، می توانند

قضاوت نمایند که این جانب تا چه حد از عمده این کار مشکل برآمده ام.

اکنون لازم است به انجام وظیفه اظهار تشکر و سپاس گذاری به بزرگان و دوستانی که در دوره تصحیح

کتاب جواهر الاولیا به بنده معاونت فرمودند، پردازم:

۱- آقای دکتر علی اکبر جعفری، مدیر محترم مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در راولپنڈی، که در دوره اقامت بنده در مرکز تحقیقات فارسی تمام وسایل آرام را فراهم آوردند، و می توان گفت که تصحیح و تکمیل و طبع و نشر کتاب جواهر الاولیا مرصون صمت آن بزرگوار در خدمت به زبان فارسی در پاکستان می باشد.

۲- خانم دکتر جعفری که بانوی شریف و از خانواده نجیب می باشند، در دوره اقامت بنده در رفع احتیاجات همواره سعی بوده، و فرصتی را فراهم آوردند تا من با خاطر آرام کار خود را ادامه دهم.

۳- آقای محمد حسین تبیی، کتابدار محترم کتابخانه بخش در مرکز تحقیقات فارسی، که نویسنده زبردست و در انجام وظایف خود دارای قوه خستگی ناپذیری می باشند، هر نوع مواد لازم را، که مربوط با منابع جواهر الاولیا بود، برای بنده فراهم آوردند.

و در آخر دو نفر از شاگردان عزیز خود:

یکی آقای ساجد الله تبیی، رئیس فعلی بخش فارسی در دانشگاه کراچی، و دومی آقای سید منصور علی سروردی، دانشجوی درجه دکتری در ادبیات فارسی در دانشگاه کراچی، و دوست عزیز آقای عبدالصمد صدیقی، دانشمند فاضل زبان عربی، که در مقابله متن کتاب حاضر با متون سه نسخه خطی جواهر الاولیا به بنده کمک نمودند.

غلام سرور

استاد و رئیس سابق بخش فارسی

دانشگاه کراچی

۹۶۸ پیر الہی بخش کالونی، کراچی ۵

۲۰ اکتوبر ۱۹۷۵ میلادی

مقدمه

جواهر الاوليا



مقدمه

آغاز: بناام خدانی که جان آفرید
خاوند بخشنده دست گیر
سخن گفتن اند زبان آفرید
کریم عطا بخش پوزش پذیر!

کتاب جواهر الاولیا چنان که از شواهد داخلی آن به اثبات رسیده است، در نیمه دوم قرن یازدهم هجری / نیمه قرن هفدهم میلادی در قریه دور دست اُچ بخاری (در بخش بهاول پور استان پنجاب پاکستان کنونی) تألیف یافته است.

ارزش و اهمیت این کتاب تنها به تصحیح و طبع آن و بدون معرفی مفصل آن و توضیح محتویات آن در صورت مقدمه تحقیقی متعین نمی گردد.

بنا بر این لازم دانستیم مقدمه مفصلی بنویسیم، و در آن مقدمه امور ذیل را توضیح بدیم:

۱- معرفی نسخه های خطی جواهر الاولیا که در دست است، و چگونگی به وجود آمدن این کتاب و شرح حال کاتب اصلی این کتاب در اُچ بخاری.

۲- معرفی مؤلف جواهر الاولیا (سید باقر بن سید عثمان بخاری) و اسلاف او به عنوان سلسله سادات بخاری و وظایف بزرگان این سلسله درباره از شاد و هدایت مردم به دین اسلام و چاره گری در دهای انفرادی و اجتماعی افراد دوره های آنان.

۳- معرفی مفصل کتاب جواهر الاولیا و بیان محتویات، و اسباب و علل به وجود آمدن آن، و

۱- بوستان سعدی به تصحیح استاد عبدالعظیم قریب، مطبوعه تهران ۱۳۲۸ شمسی، ص ۲.

و توضیح مطالب ظاهری و معنوی، و شرح احوال و کیفیات اجتماعی دوره تالیف و تفصیل چاره
دردهای انفرادی و اجتماعی مردم آن دوره.

۴- زبان جواهر الادبیا و مختصات آن، و به خصوص بیان استعمال فارسی سره در این کتاب از جانب
مؤلف در دوره ای که استعمال فارسی سره در نشر فارسی معمول نه بوده است؛ و

۵- اهمیت این کتاب در دوره حاضر:

از لحاظ ظاهری نزد صوفیان و مُرشدان، و

از لحاظ معنوی نزد محققین زبان و ادبیات فارسی.

اکنون به تفصیل این اجمال می پردازیم.

چنان که در آغاز مقدمه جواهر الادبیا به موضوعات مقدمه اشاره کردیم، مقدمه مفصل و تحقیقی این
کتاب مشتمل است بر پنج بخش ذیل:

۱- بخش اول: نسخه های خطی جواهر الادبیا،

۲- بخش دوم: مؤلف جواهر الادبیا،

۳- بخش سوم: کتاب جواهر الادبیا،

۴- بخش چهارم: زبان جواهر الادبیا؛ و

۵- بخش پنجم: اهمیت جواهر الادبیا در عصر حاضر.

توضیح و شرح مفصل بخش های فوق در صفحات مابعد از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.



بخش اول

نسخه های خطی جواهر الاولیا

نسخه های خطی جواهر الاولیا در این روزها بسیار کم یاب است، و فقط سه نسخه خطی از اطراف مختلفه پاکستان به دست رسید، و کوشش هائی را که در جستجوی نسخه های خطی این کتاب به عمل آورده ایم، در دیباچه کتاب حاضر شرح داده ایم. اکنون سه نسخه خطی مزبوره را معرفی می نمایم:

نسخه خطی اول جواهر الاولیا

نسخه خطی اول جواهر الاولیا در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، راولپنڈی شماره $\frac{۲۹۰}{۵۶۳}$ ، که توسط آقای احمد حسین احمد قریشی، استاد زبان فارسی، زمیندار کالج، گجرات پنجاب و آقای سید شریف احمد شرافت نوشاهی ساکن پالی از ده کوٹھ نکان (در بخش گجرانواله استان پنجاب) و

۱- نسخه اول در کتاب حاضر.

بہ کوششِ های آقای محمد حسین تبسبی، کتابدارِ کتابخانہ گنج بخش راولپنڈی، بہ دست آمد.

۱۔ تعداد برگ ها :

۱۱ (ا) فهرستِ سادات و علماء اولیا

(ب) متن جواہر الاولیا

۱۹۳

۲۰۴

۲۔ خط —: نستعلیق و شکستہ و ریز.

۳۔ سطور در یک صفحہ = ۱۷

۴۔ مؤلف —: سید باقر بن سید عثمان بخاری^۱.

۵۔ کاتب —: نام صحیح کاتب محو شدہ و بہ جای آن "محمد علی" نوشتہ شدہ است^۲.

۶۔ تاریخ ختم کتابت = بعد از نماز صبح روز پنج شنبہ ہفتم ماہ صفر ۱۱۹۳ (ہجری قمری).

۷۔ محل کتابت = جہوں^۳.

فہرستِ سادات و علماء اولیا

(ا) آغاز فہرست :

پہ نیتین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله الطيبين

الطاهرين اجمعين

بدان کہ این فہرست نام های مشائخان کہ در کتاب جواہر الاولیا تصنیف حضرت

۱۔ مؤلف جواہر الاولیا در متن کتاب در چندین نام خود را بہ همین طریق آورده است. ۲۔ رک حاشیہ ۲ ص ۸ مقدمہ.

۳۔ شہری است در امارت جہوں و کشمیر کہ اکنون زیر تسلط حکومت بھارت می باشد.

سید اتادات میران سید باقر بن سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، کہ در مجلس حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، دیدہ و شنیدہ جمع کردہ مذکور است،
و آن این است.
(ازین بہ بعد فہرست سادات و علما و اولیا شروع می شود).
(ب) انجام فہرست:

فہرست جواہر الاولیا تمام شد

فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، عدد اسماء شریفہ سادات و علما و اولیا، کہ در مجلس حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، ملاقات شدہ، درین کتاب جواہر الاولیا از ایشان منقولہا شنیدہ جمع کردم،
و آن این است :
جلد ۱۱۶۷ یک ہزار و یک صد و شصت و ہفت است.
واللہ اعلم بالصواب.

متن جواہر الاولیا

(۱) آغاز متن :

بیتین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد لله الذي اعطى كل شئ ثم هدى، والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله و

اصحابہ اجمعین.

فَيَقُولُ الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ اَضَعْتُ عِبَادَ اللَّهِ فَقِيرًا سَيِّدًا بِأَقْرَبِينَ سَيِّدِ عَثْمَانَ بِنِجَارِي، غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُمَا
بِلَطْفِهِ وَ سَتَرَ عَيْبَهُمَا بِكَمَالِ عَفْوِهِ :

چون فقیر شنیدم از استاد کامل و عامل، سلطان المشائخ و الاولیا، قُدوة الزهاد و الاتقیاء،
کاشف الحقائق، منظر الدقائق، حجة الحق علی الخلق، قطب الاقطاب فی الارضین، بَیْکُ المشائخ فی
العالمین، وارث علوم الانبیا و المرسلین، ختم الواصلین و العارفين، سید عثمان بن سید داؤد بخاری،
رضی الله تعالی عنهما و ارضاه و جعل الجنة الفردوس مثواه.....
(ب) انجام متن:

و فقیر سید باقر از پدر خود، که مہبط انوار الله، منظر اسرار الله، خلیفہ رسول الله، مجلسی حضرت
محمد مصطفیٰ، صلی الله علیہ و علی آله و سلم، صاحب العلم و الحکم و الشجاع (الشجاعة) سید عثمان بن سید
داؤد بخاری، قدس الله تعالی سرہ، شنیدم، و پدر من از جد خود سید شکر الله، که عرف شیخ بھنبوسمی گویند،
و او از پدر خود سید حاجی حمید نظام الدین بخاری شنید:

هر که به وقت صبح پیش از نماز صبح این الفاظ بگوید:

وقت محذوم سید جلال جهانیان جهانگشت بخاری کند و پنج ممکن مانیان، نعمت جاودانی یابد.
انشاء الله تعالی.

(ج) نوشته کاتب در باره کتابت جواهر الاولیا.

تمام شد کتاب بدست و بیک فقیر حقیر محمد علی بن عفی اللہ عنہ و عن والدیہ بعد از نماز صبح
روز پنجشنبه هفتم ماه صفر در جموں مطابق ۱۱۹۳ (هجری قمری) به اتمام رسید، بمتہ و کرمہ.
اکنون به بیان افتاده حالی که نسخہ خطی حاضر دارد، می پردازیم:

۱- در باره اشتباه کاتب اصلی جواهر الاولیا (محمد علی در رتبع بخاری) رک حاشیه ۱ ص ۵۶۱ کتاب حاضر.

۲- خوانندہ نادان نسخہ خطی حاضر، که به اہمیت نام کاتب اصلی نسخہ حاضر آشنانہ بودہ، نام او را محو کردہ، و بہ جای آن نام
محمد علی (کاتب اصلی نسخہ خطی جواهر الاولیا در رتبع بخاری) در متن نسخہ حاضر خوانندہ، و در این جا آورده است، بدین سبب نام
کاتب اصلی نسخہ خطی حاضر معلوم نشد.

نوشته‌خانه نسخه خطی حاضر از لحاظ متن کامل است، فقط یک برگ و در چند جا لغات

یا جملات افتاده است.

البته در فهرست سادات و علما و اولیا چندین نام افتاده است.

اینک تفصیل افتاده‌ها.

۱) افتاده‌ها در متن:

- ۱- فضیلت آیه (۳، ۱۴۷) قرآن حکیم (ص ۳۶ کتاب حاضر).
- ۲- یک سطر از متن (ص ۸۴).
- ۳- فضیلت خواندن اسم یا هُوَ با مؤکلات و نوشتن عدد اسم یا هُوَ در شکل مربع (ص ۱۱۲).
- ۴- فضیلت نوشتن عدد اسم یا حَمْن در شکل مربع (ص ۱۱۳).
- ۵- فضیلت خواندن اسم یا سَلام (ص ۱۱۵).
- ۶- فضیلت نوشتن عدد اسم یا مِصْمِن و یا بَدْوَح و یا حَکَم در شکل مربع (ص ۱۱۶ و ۱۳۵).
- ۷- فضیلت خواندن اسم یا حَکِیم و یا مَملِک المَلِک (ص ۱۳۶ و ۱۷۰).
- ۸- نام‌های باری تعالی النجیر و البدیع در فهرست نام‌ها (ص ۱۸۴ و ۱۸۵).
- ۹- یک جمله (ص ۲۰۳) و یک جمله (ص ۲۱۰).
- ۱۰- شجره منظوم بخاریان در دائره (ص ۲۹۸).
- ۱۱- صورت قدیم راست مبارک (ص ۲۹۹).
- ۱۲- دعا (ص ۳۲۴)، سه جمله دعائیه (ص ۳۸۴)، عبارت (ص ۳۹۹)، و یک جمله (ص ۴۰۱).
- ۱۳- یک برگ (ص ۴۲۹) بعد از برگ ۱۴۹ ب، و
- ۱۴- صورت مندر (ص ۴۵۷).

۱- حواله‌های افتاده‌ها از صفحات کتاب حاضر آوریم، و در باره افتاده‌ها در حاشیه‌های صفحات مزبوره نیز اشاره کردیم.

شماره‌های برگ‌های نسخه خطی که در متن کتاب حاضر موجود است.

(ب) نام های افاده در فهرست و موجود در متن :

سلطان سید احمد کبیر .	مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت .
سید عبدالرحمن بخاری .	شیخ ولی الدین .
شیخ قطب الدین قوقانی .	سید یعقوب بن سید علی .
یونس نحوی .	کعب بن زهیر صحابی .
شیخ ابوبکر نساج .	شیخ حسن سنائی .
شیخ حاکم ابو عبداللہ نیسابوری .	خطیب خوارزم .
سید مرتضی حلی .	ابن ابی الجمید .
خواجہ نصیر الدین طوسی .	خواجہ بہاء الدین عاملی .
شیخ محمد بن بابویہ قمی .	شیخ حسن بن محمد .
شیخ احمد بن حسن .	شیخ نور الدین بلخی .
سلطان محمد خدا بندہ .	امیر ابو اسحق شیرازی .
	امام ابو عمر .
	ابو عبداللہ محمد .
	شیخ علی بن عیسی الایلی .
	ابن المطهر حلی .
	ابو المنذر ہشام .
	سید تاج الدین اوجی .
	شیخ ابو الحسن علی .
	قاضی یعقوب .
	سلطان ناصر الدین محمود .

(ج) نام های افاده در متن و موجود در فهرست :

خواجہ نصیر الدین طوسی (برگ ۳ ب)، زجاج نحوی (برگ ۴ ا).

سلطان خواجہ احمد یسوی و شیخ نظام الدین اولیا (برگ ۵ و ب).

(د) نام های ذیل (در فهرست و در متن) بایک دیگر اختلاف دارد :

۱- در فهرست (برگ ۳ ب) میر ابو البقا . و در متن میر ابو القاسم (ص ۵۶).

۲- در فهرست (برگ ۴ ا) ابوبکر . و در متن امام ابو عمرو (ص ۷۲)

نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا^۱

نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا در کتابخانہ دانش گاہ پنجاب لاہور موجود است (شمارہ ۴۳۰۸)۔ ما بہ لطف و مہربانی سید غلام رسول شاہ، معاون کتاب دار کتابخانہ مزبورہ بہ دست آوردن عکس نسخہ خطی موفق شدیم۔

۱۔ تعداد برگ ها :

(۱) فهرست سادات و علماء اولیا = ۹

(ب) متن جواہر الاولیا = ۲۸۰
۲۸۹

۲۔ خط : نستعلیق و شکستہ خوب و استادانہ۔

۳۔ سطور در یک صفحہ = ۱۹

۴۔ مؤلف — سید باقر بن سید عثمان بخاری۔

۵۔ کاتب — عبدالرسول تتوی۔

۶۔ تاریخ ختم کتابت = بعد از نماز صبح روز یک شنبہ ماہ ذی الحجہ ۱۱۴۰ یک ہزار و یک صد

و چہل ہجری، مطابق ۲۲ جلوس محمد شاہ بادشاہ۔

۷۔ محل کتابت = شاہ جہان آباد۔

فہرست سادات و علماء اولیا

(۱) آغاز فہرست :

۱۔ نسخہ ب در کتاب حاضر "۱۲ جلوس محمد شاہ" غلط است۔ صحیح "۱۰ جلوس محمد شاہ"۔

آغاز فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ب) انجام فرست :

انجام فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

متن جواہر الاولیا

(ا) آغاز متن :

آغاز متن در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ب) انجام متن :

انجام متن در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ج) نوشتہ کاتب در بارہ کاتب جواہر الاولیا :

تمام شد کتاب مذکور بدست فقیر حقیر عبد الرسول تتوی عنی اللہ عنہ و عن والدیہ و بعد از نماز صبح روزیک شبہ ماہ ذی الحجہ ۱۱۳۰ھ یک ہزار و یک صد و چہل ہجری، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در بلدہ فاخرہ شاہ جہان آباد، مطابق جلوس محمد شاہ پادشاہ خلد اللہ ملکہ، و سلطنتہ است، تمام شد.

متاسفانہ نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا کامل نیست، و افتادہ های زیادہ دارد کہ تفصیل آن را

در ذیل آوردیم :

۱- ۱۲، جلوس محمد شاہ غلط است، صحیح "۱۰، جلوس محمد شاہ".

(ا) افتاده ها در متن^۱:

- ۱- بعد از برگ ۱۶ ب چند برگ (در حدود ۱۳ صفحه از ص ۲۸ تا ۴۰ در کتاب حاضر).
 - ۲- یک سطر از متن (ص ۸۳).
 - ۳- از آخر جواهر اول بعد از برگ ۵۶ ب یک برگ (در حدود دو صفحه از ص ۱۰۱ تا ۱۰۲).
 - ۴- از اول جواهر دوم چند برگ (در حدود ۱۴ صفحه از ص ۱۰۵ تا ۱۱۸).
 - ۵- فضیلت نوشتن عدد اسم یا حکم در شکل مربع (ص ۱۳۵).
 - ۶- فضیلت اسم یا حکیم (ص ۱۴۶).
 - ۷- نام های باری تعالی النجیر و البدیع در فهرست نام ها (۱۸۴ و ۱۸۵).
 - ۸- بعد از برگ ۱۳۸ ب چند برگ (در حدود ۱۰ صفحه از ص ۲۶۷ تا ۲۷۶).
 - ۹- شجره منظوم بخاریان در دائره (ص ۲۹۸).
 - ۱۰- صورت قدیم راست مبارک (ص ۲۹۹).
 - ۱۱- بعد از برگ ۱۵۶ ب چند برگ (در حدود ۳۴ صفحه از ص ۳۱۰ تا ۳۴۳).
 - ۱۲- عبارت (ص ۳۹۹).
 - ۱۳- صورت مندر (ص ۴۵۷).
 - ۱۴- بعد از برگ ۲۸۷ ب چند برگ (در حدود ۵ صفحه از ص ۵۵۴ تا ۵۵۸).
- (ب) افتاده در فهرست سادات و علما و اولیا:

(در حدود ۲۶ صفحه از ص ۵۸۲ تا ۶۰۷ فهرست کتاب حاضر)
متأسفانه صحاف نادانی که با ترتیب برگ های نسخه های خطی به واسطه کلمه های پاورقی آشنا

۱- جواله های افتاده ها از صفحات کتاب حاضر آوردیم، و درباره افتاده ها در حاشیه های صفحات مزبوره نیز اشاره کردیم.

نه بود، بسیاری از برگ های نسخه خطی دوم جواهر الاولیا (محفوظ در کتابخانه دانش گاه پنجاب، لاهور) را از جای بی جا کرده، و نسخه خطی را صحافی کرده بود، ما ترتیب برگ های عکسی نسخه خطی مزبوره را با زحمت فراوان با مقابله با متون دو نسخه خطی دیگر جواهر الاولیا درست کردیم.

نسخه خطی سوم جواهر الاولیا

نسخه خطی سوم جواهر الاولیا، موجود در کتاب خانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان راولپنڈی، شماره $\frac{۲۹۰}{۲۷۴}$ از ده بهکری نزد قریه چکوال بخش جهلم (استان پنجاب) به دست آمد.

۱- تعداد برگ ها:

(ا) فهرست سادات و علماء اولیا = ۹

(ب) متن جواهر الاولیا = $\frac{۲۸۸}{۲۹۷}$

۲- خط: نستعلیق و شکسته خوب.

۳- سطور در یک صفحه = ۱۹

۴- مؤلف: سید باقر بن سید عثمان بخاری.

۵- کاتب: محمد دین (۹)

۶- تاریخ ختم کتابت = ندارد.

۷- محل کتابت = ندارد.

۱- درباره نام کاتب و نوشته او در موضوع کتابت نسخه خطی سوم جواهر الاولیا رک توضیح نگارنده مقدمه ص ۱۵ و ۱۶ مقدمه.

فہرست سادات و علماء و اولیا

(۱) آغاز فہرست :

آغاز فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ ۱) می باشد.

(ب) انجام فہرست :

انجام فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ ۱) می باشد.

متن جواہر الاولیا

(۱) آغاز متن :

آغاز متن جواہر الاولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ ۱) می باشد.

(ب) انجام متن :

انجام متن جواہر الاولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ ۱) می باشد.

(ج) نوشتہ کاتب در بارہ کتابت جواہر الاولیا.

”مقت کتاب جواہر الاولیا برای پاس خاطر جناب فیض مآب و اعطای بی نظیر مولوی صاحب مولود مولوی احمد الدین ساکن پادشہانی ضلع جہلم از دست خط مسکین الدارین محمدین (محمد دین) از مقام (۶) ضلع گجرانوالہ تحریر یافت . فقط .“

(د) توضیح نگارنده مقدمه درباره کاتب و نوشته او در موضوع کتابت نسخه خطی سوم جواهرالاولیا.
 اگر خط متن نسخه خطی سوم جواهرالاولیا و خط نوشته کاتب را در موضوع کتابت نسخه خطی مزبور
 به نظر دقیق بینیم، معلوم می گردد که این دو خط از دو کاتب مختلف بوده است.
 خط متن جواهرالاولیا خوب و خوانا است، ولی خط کاتب خام و از قلم شخصی است که در کتابت
 تجربه ای ندارد.

علاوه برین در چند سطر نوشته کاتب اغلاط ذیل به نظری رسد:

۱- مولو، که در اصل "مولوی" است.

۲- پادشہانی، که در اصل "پادشاهان" است، و "پادشاهان" نام ویہی است به فاصلہ پانزده
 میل از قریہ چکوال (بخش جہلم استان پنجاب) به جانب مشرق و به فاصلہ ده میل از دہ
 کالس (مولید نگارندہ مقدمہ) به جانب مغرب.

و دہ "پادشاهان" مولید و مسکن مولوی احمد الدین می باشد.

و این جانب (نگارندہ مقدمہ) خود بہ دہ "پادشاهان" رفتہ با آقای عبداللطیف نبیرہ مولوی

احمد الدین ملاقات کردم. معلوم شد کہ مولوی احمد الدین در سال ۱۳۶۴ هجری قمری / ۱۹۲۵ میلادی
 بہ رحمت حق پیوستہ است.

مولوی احمد الدین صاحب علم و فضل بوده، و کتاب خانہ بزرگی می داشت کہ بعد از وفات

او در نتیجہ بی توجہی اخلاف او بیشتری از کتاب های کتاب خانہ او تلفت یا گم شدہ است.

۳- احمد الدین در دہ پادشاهان و در اطراف آن بہ تلفظ "احمد دین" معروف است.

۴- کاتب نام خود را "محمدین" نوشته کہ در اصل "محمد دین" است.

۵- کاتب بعد از کلمہ "مقام" نام مقام "رانہ" نوشته است.

۶- کاتب تاریخ کتابت و محل کتابت را نیز نہ نوشته است.

از توضیح حقایق فوق بدین نتیجہ می رسیم کہ محمد دین کاتب اصلی نسخه خطی سوم جواهرالاولیا نہ بودہ

است، و نسخه خطی مزبورہ تصادفاً بہ دست او افتادہ، و او چند سطر از خود بہ عنوان کاتب نسخه خطی جواهر

الاولیا نوشته است.

ماتقانه نسخه خطی سوم جواهر الاولیا نیز کامل نیست، و در چند جا افتاده دارد که تفصیل آن را

در ذیل آوریم:

(الف) افتاده ها در متن:

۱- بعد از برگ ۱۶ ب چند برگ (در حدود ۱۳ صفحه از ص ۲۸ تا ۴۰ در کتاب حاضر).

۲- یک سطر از متن (ص ۸۴).

۳- از آخر جواهر اول بعد از برگ ۵۴ ب یک برگ (در حدود دو صفحه از ص ۱۰۱ تا ۱۰۲).

۴- از اول جواهر دوم چند برگ (در حدود ۱۴ صفحه از ص ۱۰۵ تا ۱۱۸).

۵- فضیلت نوشتن عدد اسم یا حکم در شکل مربع (ص ۱۳۵).

۶- فضیلت اسم یا حکیم و یا مابک الملک (ص ۱۴۶ و ۱۷۰).

۷- نام های باری تعالی الجیمه و البلیع در فهرست نام ها (ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

۸- شجره منظم بخاریان در دائره (ص ۲۹۸).

۹- صورت قدیم راست مبارک (ص ۲۹۹).

۱۰- دعا (ص ۳۲۴)، و سه جمله دعائی (ص ۳۸۴)، و عبارت (ص ۳۹۹).

۱۱- صورت مندر (ص ۴۵۷).

۱۲- بعد از برگ ۲۸۷ ب چند برگ (در حدود ۵ صفحه از ص ۵۵۴ تا ۵۵۸).

(ب) افتاده در فهرست سادات و علما و اولیا.

(در حدود ۲۶ صفحه از ص ۵۸۲ تا ۶۰۷ کتاب حاضر).

نسخه خطی اول جواهر الاولیا که از بخش گجرانواله استان پنجاب بدست رسید، و تفصیل محتویات

آن را در صفحات گذشته آوریم، نسبت به دو نسخه خطی دیگر جواهر الاولیا، که یکی از کتاب خانہ دانشگاه

پنجاب لاهور و دومی از بخش جلم به دست رسید، کامل تر و صحیح تر می باشد، بدین سبب ما نسخه خطی اول

۱- حواله های افتاده ها از صفحات کتاب حاضر آوریم، و در باره افتاده ها در حاشیه های صفحات مزبوره نیز اشاره

کردیم.

جواهر الاولیا را برای تصحیح متن جواهر الاولیا نسخه اساسی قرار دادیم، و افتاده هائی را که در متن آن بوده است، با مقابله با متون دو نسخه خطی دیگر در متن کتاب حاضر آوردیم.

علامات سه نسخه خطی جواهر الاولیا در متن کتاب حاضر

۱. نسخه خطی اول جواهر الاولیا - ' ا
۲. نسخه خطی دوم جواهر الاولیا - ' ب و
۳. نسخه خطی سوم جواهر الاولیا - ' ج

نسخ خطی اصلی جواهر الاولیا در اچ بخاری

از شواهد داخلی معلوم گردیده است که سید باقر بن سید عثمان بخاری، مؤلف جواهر الاولیا در قریه اچ بخاری تولد یافته، و عمر خود را در همان قریه بسر برده است، و کتاب جواهر الاولیا در همان قریه تألیف یافته است.

اکنون به تفصیل تألیف جواهر الاولیا می پردازیم:

چنانکه از حاشیه نسخه ۱ برگ ۱۰۴ ب و نسخه ۲ برگ ۱۵۱ ب، که از کاتب اصلی جواهر الاولیا (محمد علی) می باشد، معلوم می گردد که طبق نقشه ای که در آغاز کار برای تألیف کتاب جواهر الاولیا در اچ بخاری کشیده شده بود، قرار بر این بود که این کتاب در سه نسخه مختلف تألیف یابد، و ذکر آن را در ذیل می آوریم:

- اول: نسخه کبیر جواهر الاولیا،
- دوم: نسخه وسیط جواهر الاولیا، و

سوم : نسخه صغیر جواهر الاولیا .

و اینک حاشیه ای که ذکر آن در سطور فوق آمده است :

"در میان قادریه مشهور است قصیده :

شهدت بان الله والی ولایتی

وقد من بالتصرف فی کل حالتی

الی آخر از شیخ (محمی الدین) عبدالقادر (جیلانی) است .

و من (یعنی محمد علی) کاتب اصلی نسخه خطی جواهر الاولیا در پنج بخاری از سید محمد باقر

(بن سید عثمان بخاری) پرسیدم، و خاصیت آن را سوال کردم .

چندین خاصیت فرمودند .

بعده چون نظر ایشان بر این بیت افتاد که

.....
کل ملوک العالمین رعیتی

فرمودند که ما را تحقیق شد از ایشان که این قصیده از شیخ (محمی الدین عبدالقادر جیلانی)

نیست . دیگری تصنیف کرده به نام او انداخته .

شیخ (محمی الدین عبدالقادر جیلانی) گفت که : من گفته بودم که :

قدمی علی رقبته کل ولی الله غیر اهل بیت رسول الله .

بعد از این به جای این قصیده دعای دیگر در نسخه جواهر الاولیا نوشتند .

و ما وسیط و کبیر نوشتیم ، و نوشتن صغیر شد ، زیرا که او در این دو مندرج است .

و باعث بر وسیط و کبیر این صغیر فقیر بوده "والله اعلم . مکاتبه .

از بیانات فوق معلوم می شود که دو نسخه جواهر الاولیا یعنی وسیط و کبیر به پیش نهاد و کوشش

و قلم کاتب اصلی جواهر الاولیا (محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی) به تکمیل رسیده ، و در کتاب خانگی شخصی

سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُتّح بخاری موجود بوده است، ولی نسخه صغیر جواهر الاولیا، چنان که کاتب اصلی جواهر الاولیا در سطور بالا گفته است، نوشته نه شده، و به وجود نیامد.

البته در باره سه نسخه خطی جواهر الاولیا، که به دست ما رسیده است، نمی توانیم به طور قطعی بگوییم که از نسخه وسیط جواهر الاولیا استنساخ شده است یا از نسخه کبیر آن، زیرا آن دو نسخه جواهر الاولیا یعنی وسیط و کبیر، با وجود کوشش های زیاده، که تا امروز جاری است، از هیچ جای به دست ما نرسیده، و کاتب اصلی دو نسخه فوق جواهر الاولیا نیز شرح موضوعاتی را که در دو نسخه مزبوره آمده، و از یک دیگر متفاوت بوده است، در حاشیه فوق نیاورده است.

اکنون به ذکر بیاناتی که کاتب اصلی جواهر الاولیا در باره خود در جواهر الاولیا آورده است،

می پردازیم.

کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در اُتّح بخاری

از شواهد داخل به طور قطعی به اثبات رسیده است که کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در اُتّح بخاری محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بوده است، او اصل شهرتته در اُستان سند، و شاگرد و مرید سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُتّح بخاری می باشد.

تفصیل شواهد داخل در باره کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در اُتّح بخاری در ذیل می آوریم.

۱- و از حضرت شیخ اسحاق بن شیخ موسی، رحمه الله علیه، جد کاتب محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق، رفع الله شان اولاده، منقول است

۲- و از حضرت سید باقر بن سید عثمان بخاری، قدس الله مرقده، منقول است که یک شاگرد و مرید میان محمد علی طالب علم بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق بن شیخ موسی سندی تتوی حنفی، قدس الله سره، سوال پرسید از دعای جهت تیسیر قطع عقبات سبغ طریق عبادت

کہ در کتاب مناج العابدین تصنیف امام ابو حامد محمد غزالی، قدس اللہ روحہ، مذکور است۔
فقیر جواب آن را از پدر خود سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس اللہ تعالیٰ سرہ، شنیدم.....
۳۔ چنانچہ استاد کامل از استاد کامل و عامل کہ صاحب مجلس حضرت محمد مصطفیٰ است، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، و اولاد قطب العالم، کاشف اللوح و القلم، مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرہ، سایر زمین و آسمان، سید باقر بن سید عثمان بخاری، سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زاد فی عمرہ، از کتابهای معتبر و از اخبار مصطفوی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، دیدہ و شنیدہ، و خود بہ تجربہ آورده، قلمی نمودم، کہ حاجت مند برای کاری و مہمی کہ کند، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

از کلمات "قلمی نمودم" کہ در عبارت فوق آمده است، ظاہر است کہ عبارت فوق نوشتہ خود کاتب (یعنی محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی) می باشد۔

۴۔ و خاصیت های درود حاضری در کتاب اکبر جلالی تصنیف سید باقر (بن سید عثمان) بخاری،

سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہ، ہفتاد دیدم با شرح۔

من برای آسانی اندک نوشتم تا خوانندہ ملول نشود.

از جملہ "من برای آسانی اندک نوشتم تا خوانندہ ملول نشود" ظاہر است کہ عبارت فوق نوشتہ

خود کاتب (یعنی محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی) می باشد۔

۵۔ کاتب اصلی کتاب جواہر الاولیا شجرہ سادات بخاری را نظم کرده، و در آخر شجرہ منظوم چند بیت

در بارہ خود گفتہ، و در آن ابیات نام خود را بہ صراحت آورده است:

چنانچہ در آن ابیات اشارہ بہ سید باقر بن سید عثمان بخاری می کند، و می گوید:

خدا بقاش و ہد در جہان سنین بسیار

پناہ پیران میران محمد باقر

بر این کینہ مریدان عنایت و اظہار

نمودہ سید مسطور جملہ نعمت ها

سپاس و شکر خدا را کنم فزون ز شمار

کہ نام اوست محمد علی ز فیض خدا

ز نور معرفت اندر دلم فگن انوار

بہ حق و حرمت احمد بہ حق اہل البیت

مراز جمله ایمانیاں بکن یا رب
 همه مراد رواکن به حق آن مختار^۱
 ۶- کاتب و ز ضمن خاتمه کتاب جواهر الاولیا در باره نوشتن این کتاب "به خط خود" اشاره می کند
 و می گوید :

"تمت تمام شد کتاب مبارک جواهر الاولیا، تصنیف سیادت و نقابت پناه، شرافت و نجابت
 دستگاه، هدایت و ولایت مآب، کرامت و نبوت انتساب، مختار حضرت رب الارباب، جامع العلوم و
 الکمالات، مجلسی حضرت سرور کائنات، خلاصه آل طه و یس، صلی الله علیه و آله و سلم، میران سید محمد باقر تارکی
 بن سید عثمان بخاری، سلمه الله تعالی و ابقاه و زید عمره، اولاد قطب العالم، کاشف اللوح و القلم، مخدوم
 سید جلال جهانیاں جهانگشت، قدس الله سره العزیز.

ابیات :

این نوشته بماند به خط فقیر
 شنیدم ز استاد بخاری باقر
 بنا شد مومن در جنتم سیر
 دهد مومنان را نعیم و ملکا کبیر

نوشتم مقالات بخاری باقر
 نوشتم مقالات باقر بخاری
 نوشتم مقالات پسر شاه عثمان
 اللهم ارحم علیه و علی مادر و پدر
 خدایش نگهبان، اولاد علی
 خدایش رساند بدار الالوان،^۲

۷- نسخه خطی دوم جواهر الاولیا (نسخه خطی ب) عبارت ذیل در حاشیه برگ ۱۴۹ دارد:
 در متن نوشته مصنف (سید باقر بن سید عثمان بخاری) است، سلمه الله تعالی و ابقاه
 و زید عمره،

و در حاشیه نوشته شاگرد است از شاگردان (یعنی محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی).
 "اگر شاگرد و غیره برای هر مهمتی و کاری بخواند، و یا در گور (سند)، خرقه (خلافت) بنویسد،
 و بخواند:

۱- ص ۵۵۴ کتاب حاضر. ۲- ص ۵۵۵ کتاب حاضر. این ابیات از وزن خارج است.

اللی به حرمت خرقه خلافت حضرت سید السادات، منبع البرکات، جامع العلوم و الکلمات، مجلسی حضرت ----- آل ظا و لیس، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، اجمعین، سید باقر -----
 ----- از پدر خود سید عثمان بخاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گرفت.^۳
 عبارت فوق از کاتب اصلی جواهر الاولیا محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی، شاگرد و مرید سید باقر بن سید عثمان بخاری می باشد.

نوشته مصنف (سید باقر بن سید عثمان بخاری) را که در متن آمده، و محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی، کاتب اصلی جواهر الاولیا بدان اشاره کرده است، در ذیل می آوریم، تا تفاوت لفظی و معنوی، که بین نوشته های مصنف و کاتب موجود است، بر خوانندگان ظاهر گردد؛
 "اللی به حرمت خرقه خلافت فقیر الحقیر، تراب اقدام طالبان، اضعف عباد اللہ، المعتمد به جل اللہ، فقیر سید باقر، جعل اللہ فی دارین مع الایمان الی یوم الدین، که از پدر خود سید عثمان بخاری، قدس اللہ سره، گرفت.^۴

مصنف سید باقر بن سید عثمان بخاری، که خرقه خلافت را از پدر بزرگوار خود سید عثمان بخاری گرفته، و در آن آیام جانشین پدر خود و مرشد و راهنمای بزرگ دینی به شمار می رفت، در عبارت فوق اظهار کبر نفس کرده، و خود را "فقیر الحقیر، تراب اقدام طالبان و اضعف عباد اللہ" گفته است.
 و محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی که شاگرد و مرید سید باقر بن سید عثمان بخاری و کاتب کتاب جواهر الاولیا بوده، به مناسبت مرتبه روحانی مرشد بزرگوار خود او را به صفات:
سید السادات، منبع البرکات، جامع العلوم و الکلمات، مجلسی حضرت (سرور کائنات) و خلاصه آل ظا و لیس "قرار داده است.

۱ و ۲- در این دو جا چند کلمه از عبارت افتاده است.

۳- رک حاشیه ۱ ص ۲۹۷ کتاب حاضر.

۴- ص ۲۹۶ کتاب حاضر برای کلمات "سرور کائنات و خلاصه" رک شهادت داخلی شماره ۶ صفحه ۲۷ مقدمه

مختصری از شرح حال محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی

کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در ایچ بخاری

از شواهد داخلی معلوم می گردد که محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی در شهرتته در استان سند ولادت یافت. او در خانواده ای به دنیا آمد که اعضای آن در زمره صوفیان به شمار رفته، و با سادات بخاری ایچ بخاری ارادت می داشتند، و جد او ابوطالب مرید سید جلال بن سید داؤد بخاری (عموی سید باقر بن سید عثمان بخاری) بوده است، و پدرش شیخ عبدالواسع به لقب "صوفی" ملقب بوده است.

محمد علی در اوایل حال در شهرتته در استان سند بوده، و در راهنمایی پدر خود شیخ عبدالواسع صوفی تربیت و پرورش یافته است.

او تحصیلات ابتدائی را در شهرتته به تکمیل رسانیده به خواهرش پدر خود به ایچ بخاری رفت، و بر دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بیعت نموده، در راهنمایی مرشد بزرگوار خود تحصیلات خود را در ایچ بخاری ادامه داد.

او در زبان فارسی و عربی دست رسی پیدا کرد، و زیرا که در محیط صوفیان و عرفانی می زیست، طبع او به مطالعه آثار عرفانی مایل گردید، و به واسطه این که در منزل سید باقر بن سید عثمان بخاری کتابخانه بزرگی موجود، و هر نوع کتاب در آن محفوظ بوده، محمد علی کتب تصوف و عرفان را به عموم و کتب سادات بخاری را به خصوص مطالعه کرد، و در معلومات خود در موضوع تصوف و عرفان اضافه نمود.

سید باقر بن سید عثمان بخاری توجه خاصی به تعلیم و تربیت محمد علی نمود، و بعد از آن که او فارغ التحصیل گردید، او را منشی خاص و معاون شخصی خود مقرر فرمود.

در ضمن خدماتی که محمد علی کاتب جواهر الاولیا به مرشد خود سید باقر بن سید عثمان بخاری نمود، می توان گفت که سید باقر بن عثمان بخاری صاحب علم و فضل بود، و علاوه بر اوقاتی که به راهنمایی مریدان خود در

دین اسلام می کرد، وقت خود را، چنان که از تألیفات او ظاهر است، در کار تصنیف و تألیف کتب صرف می کرد، و محمد علی که منشی خاص و معاون شخصی او بود، در کار تصنیف و تألیف کتب به او کمک می نمود، و به خصوص وظیفه کتابت تألیفات او را به انجام می رسانید، و شاهد بیان ما کتابت کتاب جواهر الاولیا می باشد و در موضوع تألیف کتاب جواهر الاولیا می توان گفت که در حقیقت شخصی که در طرح ریزی تألیف کتاب جواهر الاولیا به مرشد خود سید باقر بن سید عثمان بخاری پیش نهاد کرد، که کتاب جواهر الاولیا باید در سه نسخه کبیر و وسیط و صغیر تألیف یابد، محمد علی بوده است، چنانکه در حاشیه ای که در ضمن ذکر نسخه های اصل کتاب جواهر الاولیا در صفحات گذشته آمده است، می گوید:

«و ما وسیط و کبیر نوشتیم، و نوشتن صغیر نشد.»^۱

و در ضمن آن اضافی نماید که

«و باعث بر وسیط و کبیر این ضعیف فقیر بوده.»^۲

و در ازای خدماتی که محمد علی به مرشد خود سید باقر بن سید عثمان بخاری کرده است، مورد عنایت خاص مرشد خود گردیده است.^۳

هم چنان که سید باقر بخاری و پدر او سید عثمان بخاری در حالت خواب حضور در مجلس مبارک حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، مشرف می شدند، و ذکر آن در صفحات مابعد مقدمه آورده ایم،^۴ محمد علی نیز در بیماری خود در حالت خواب به زیارت حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم، مشرف شده بود، چنانکه خود می گوید:

«این فقیر پرفقیه محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی، رحمة الله علیه، یک بار به وساوس بسیار و غموم بی شمار مبتلا شده بود. شبی آن حضرت را، صلی الله علیه و آله و سلم، در خواب دیدم که دست حق پرست خود بر نبض این کمینه نهاده فرمودند:

نکته شذوه بر اذن حق بر طرف خواهد شد.

و جهت دوا فرمودند:

۲۰۱- رک حاشیه نسخه خطی و برگ ۱۰۴ اب و نسخه خطی ب برگ ۱۵۱ اب، نسخه خطی ج حاشیه مذکوره ندارد.

۳- رک ابیات ص ۵۵۴ کتاب حاضر.

”همین دعا که از ابن عباس نوشته شده - با درودِ اول و آخر مع اخلاص دل می خوانده باش که حق تعالی شفا خواهد داد!“

از اشاراتی که در باره محمد علی در کتاب جواهر الاولیا آمده است، معلوم نه شد که خود او صاحب تصنیف هم بوده است یا نه.

البته از ابیاتی که به نام او در جواهر الاولیا آمده است، ظاهر است که او شاعر نیز بوده، و شجره سادات بخاری را نظم کرده است، چنان که می گوید:

”بعده فقیر این شجره بخاریان پشت به پشت نظم کردم“

ابیات شجره سادات بخاری از لحاظ الفاظ و معانی و وزن خوب است، ولی جای تعجب است که بعضی از ابیاتی که او در خاتمه کتاب جواهر الاولیا گفته است، از لحاظ الفاظ و معانی سست، و از وزن خارج است.

محمد علی ذکر سال ۱۰۹۸ هجری / (۱۶۸۷ میلادی) در جواهر الاولیا آورده، و ظاهر است که تا سال مزبوره بعد از آن تا ختم جواهر الاولیا زنده بوده است، تاریخ وفات او معلوم نیست.

میر علی شیر قانع تتوی مؤلف تحفه الکرام در باره مرتبه محمد علی در میان صوفیان معاصر او می گوید:

”او نیز یک صوفی با کمال بود، شجره سادات بخاری اچ نظم کرده اوست“

نسخه های خطی جواهر الاولیا در جاهای دیگر

ما در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ در جاهای مختلفه مسافرت کردیم، و در جستجوی نسخه های خطی

- ۱- رک حاشیه ص ۳۳۳ کتاب حاضر. ۲- رک ص ۵۵۳ و ۵۵۴ کتاب حاضر.
- ۳- رک ص ۵۵۴ و ۵۵۵ کتاب حاضر. ۴- رک ص ۳۳۳ کتاب حاضر. ۵- ترجمه فارسی عبارت اردو. رک تحفه الکرام تألیف میر علی شیر قانع تتوی در ترجمه اردو مطبوعه کراچی ۱۹۵۹ میلادی ص ۳۸۰.

تمام کوشش های خود را به عمل آوردیم، ولی بدون سه نسخه خطی که ذکر آنها گذشت، نسخه دیگری به دست ما نرسید.

در ضمن جستجوی نسخه خطی جواهر الاولیا ما سه بار (یک بار در سال ۱۹۷۲ و دو بار سال ۱۹۷۳) به آپح بخاری رفتیم، و گمان داشتیم که نسخه خطی اصلی جواهر الاولیا در کتابخانه شخصی اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری موجود است، ولی متأسفانه به مقصود خود نایل نگردیدیم. و تا آن وقت نمی دانستیم که اسلاف خانواده سید باقر بن سید عثمان بخاری در نتیجه نزاعاتی که در میان اخلاف سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بزرگ منوچسب سلسله روحانی سادات بخاری در آپح بخاری به قوع پیوسته از خانواده ای که اخلاف او جانشین و سرپرست خانقاه سید جلال بخاری شدند، و تا امروز به همان سمت ها در آپح بخاری می باشند از خانواده های دیگر جدا شدند، و سلسله جداگانه ای را در آپح بخاری تأسیس نموده، و از آن به بعد تنها وظیفه راضفانی مردم را به دین اسلام به عهده خود می داشتند، و یا اوقات خود را در تصنیف و تالیف کتب می گذرانیدند.

و کتاب خانۀ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او در منزل جانشین و سرپرست کنونی خانقاه سید جلال بخاری بزرگ نیست، بلکه به احتمال غالب در منزل جانشین کنونی اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در همان آپح بخاری موجود است. و به ما گفتند: "سید باقر بن سید عثمان بخاری آپح بخاری نه بوده، و شاید در جای دیگر زیسته است." و بدینسان ما حرف مزبور را قبول نموده بی نیل مرام و باتأسف تمام از آپح بخاری بیعت نمودیم.

اگر معلوم می شد که اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری به عنوان سلسله جداگانه سادات بخاری در همین قریه آپح بخاری موجود اند، ما بطور قطعی خدمت سجادۀ نشین موجود می رسیدیم، و یقین داریم که: اول این که احوال تاریخی سلسله اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری را به دست می آوردیم، و دوم این که اطلاعاتی درباره نسخه خطی اصلی جواهر الاولیا، که احتمال می رود در کتابخانه شخصی آنان موجود باشد، نیز حاصل می شد، و

سوم این کہ شاید ما را در بارہ نسخہ خطی جواہر الاولیا در جای دیگر نشان می دادند .
 حیف است کہ بہ هیچ یک از مطلوب های فوق نہ رسیدیم .
 نسخہ های خطی جواہر الاولیا بہ احتمال قوی در کتاب خانہ های شخصی در استان سند یا در استان
پنجاب موجود باشد . ویکی از آنها در دست میر علی شیر قانع تتوی موجود بودہ ، و او در ضمن شرح حالی سادات
بخاری نام جواہر الاولیا را در کتاب تحفۃ الکرام خود آورده است .



بخش دوم

مؤلف جواهر الاولیا

۱- اسلاف مؤلف جواهر الاولیا در دورہ قبل از ورود بہ شبه قارہ پاکستان و ہند.

قبل ازین کہ بہ بیان شرح حال سید باقر بن سید عثمان بخاری بہ پردازیم. لازم می دانیم مختصری از احوال اسلاف او بیان نماییم:

چنان کہ در کتاب جواهر الاولیا آمدہ است، اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در دورہ قبل از ورود آنان در شبه قارہ پاکستان و ہند مشتمل اند بر دو دستہ ذیل:

دستہ اول: از حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، تا امام سید حسن عسکری بن امام سید علی نقی.

دستہ دوم: از سید جعفر ثانی بن امام سید علی نقی تا سید علی ابوالمؤید، و در دستہ اول نام های ذیل و دعا ہائی کہ از آنان منقول است، در جواهر الاولیا آمدہ است:

- ۱- حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم،
- ۲- حضرت امیر المؤمنین علی، اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ،

- ۳- حضرت امام سید حسن، رضوان اللہ تعالیٰ علیہ،
- ۴- حضرت امام سید حسین، شہید دشت کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۵- حضرت امام سید (علی) زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۶- حضرت امام سید محمد باقر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۷- حضرت امام سید جعفر صادق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۸- حضرت امام سید موسیٰ کاظم، امین اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۹- حضرت امام سید ابو الحسن علی بن موسیٰ رضا، رضوان اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۱۰- حضرت امام سید محمد تقی، جواد اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۱۱- حضرت امام سید علی نقی، ہادی، مجتہد اللہ، قدس اللہ سرہ، و
- ۱۲- حضرت امام سید حسن عسکری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔

در دستہ دوم نام های ذیل و دعاهائی که از آنان منقول است، در جواہر الاولیا آمدہ

است :

- ۱- سید جعفر ثانی بن امام سید علی نقی، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۲- سید نظام الدین علی اصغر، عبید اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۳- سید عبداللہ، اسلام اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۴- سید احمد، مقبول اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۵- سید محمود، مختار اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۶- سید محمد، سیف اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۷- سید جعفر، مشتاق اللہ، قدس اللہ سرہ، و
- ۸- سید علی ابوالمؤید، قدس اللہ سرہ۔

۱- ما تمام این نام ہارا همان طور آوردیم کہ در جواہر الاولیا آمدہ است.

۲- ما این تمام این نام ہارا همان طور آوردیم کہ در جواہر الاولیا آمدہ است.

۲- اسلاف مؤلف جواهر الاولیا در دوره بعد از ورود در شبه قاره پاکستان و هند،

در این دسته نام‌های ذیل و معانی که از آنان منقول است، در جواهر الاولیا آمده است :

و علاوه بر نام حاد و معانی که از آنان منقول است، در باره بعضی از افراد این دسته اشارات مختصری

از شرح حال آنان نیز در جواهر الاولیا آمده است :

۱- سید جلال بخاری (بزرگ)، اسد اللہ، قدس اللہ مرقدہ،

۲- سید احمد کبیر، موجد حقانی، قدس اللہ سرہ،

۳- مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدس اللہ سرہ،

۴- سید محمود ناصر الدین، قدس اللہ سرہ،

۵- سید فیض اللہ، محبوب سبحانی، سہم اللہ، قدس اللہ سرہ،

۶- سید اسمعیل، سخی اللہ، قدس اللہ سرہ العزیز،

۷- سید راجو، کشف المعانی، قدس اللہ سرہ،

۸- سید ابراہیم، قدس اللہ سرہ،

۹- سید قطب الدین، قطب عالم، قدس اللہ سرہ،

۱۰- سید فضل اللہ، قدس اللہ سرہ،

۱۱- سید نظام الدین بخاری، قدس اللہ سرہ،

۱۲- سید راجو، غوث صمدانی، کنز اللہ، قدس اللہ سرہ،

۱۳- سید حاجی حمید (نظام الدین) بخاری، قدس اللہ سرہ،

۱۴- سید شکر اللہ بخاری، قدس اللہ سرہ،

۱۵- سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، و

۱۶- سید عثمان بخاری، ولی اللہ، قدس اللہ سرہ

(پیر سید باقر بخاری).

از شانزده نفر از اسلاف سید باقر بخاری اول کسی که از بخارا به شبه قاره پاکستان و هند

آمده، و سلسله روحانی سادات بخاری را در اُچ تأسیس نموده، سید جلال بخاری بزرگ بوده است.

از اسلاف سید باقر بخاری که در اُپج بخاری زیسته، و آیام زندگانی خود را در هدایت و راهنمایی مردم به دین اسلام گذرانیده، سه نفر ذیل شهرت زیاد اندوختند، و در باره این سه نفر اشاراتی در باره وقایح زندگانی آنان در کتاب جواهر الاولیا آمده است:

۱- سید جلال بخاری بزرگ،

۲- مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، و

۳- سید عثمان بخاری (پدر سید باقر بخاری).

اکنون به شرح مختصری از زندگانی سه نفر مزبوره می پردازیم:

۱- سید جلال بخاری (بزرگ)

سید جلال بخاری بن سید علی ابو الموثید (در سال ۵۹۵ هجری/ ۱۱۹۹ میلادی) در بخارا به دنیا آمد، و زیر نظر پدر بزرگوار در همان شهر تربیت و پرورش یافت.

اسلاف سید جلال بخاری، چنان که در جواهر الاولیا آمده است، همه صاحبان ارشاد و هدایت بوده، و آیام زندگانی خود را در راهنمایی مردم به دین اسلام گذرانیده بودند.

سید جلال بخاری در همان محیط علم و فضل و زهد و تقدس بزرگ شد. طبع او مانند بزرگان خود به عبادت و ریاضت مایل بود، و او، بعد از آن که از تحصیلات متداوله فارغ گردید، طبق مسلک روحانی اسلاف خود دست ارادت خود را به دست پدر بزرگوار خود سید علی ابو الموثید داد، و در مسلک مریدان پدر خود منسلک گردید.

سید جلال بخاری مدتی از عمر خود را در شهر بخارا گذرانید، و چنان اتفاق افتاد که دامیه مسافرت به شبه قاره پاکستان و هند در باطن او پدید آمد، و او رخت مسافرت بسته از بخارا حرکت نمود. او در سال ۶۳۵ هجری/ ۱۲۳۷ میلادی، که عمر او به چهل سالگی رسیده بود، به شبه قاره پاکستان و هند (و به اصطلاح

۱- خطه پاک اوچ تألیف مسعود حسن شهاب، مطبوعه لاہور، ۱۹۴۷ میلادی، ص ۲۰۳. ۲- مخدوم جهانیان جهانگشت تألیف محمد ابرق قادری، مطبوعه کراچی، ۱۹۴۳ میلادی، ص ۷۸ و خطه پاک اوچ تألیف مسعود حسن شهاب، مطبوعه لاہور، ۱۹۴۷ میلادی، ص ۲۰۳.

کنونی بہ نواحی شمالِ غربی پاکستان، وارد گردید، و از راہِ ملتان بہ قریہٴ بھکر رفت۔
اشارہ ای بہ اسباب و عللِ قطعی سید جلال بخاری در بارہٴ مسافرتِ او از بخارا بہ سرزمینِ شیبہ قارہٴ
پاکستان و ہند و رسیدنِ او بہ قریہٴ بھکر در جواہر الاولیا نیامدہ است، و مدتِ اقامتِ او در بھکر نیز معلوم
نیست۔

سید جلال بخاری چندی در بھکر ساکن بودہ، و در آن جا دختر سید بدر الدین را، کہ صاحبِ علم و فضل
و دیانت بود، بہ جالہٴ نکاح خود در آورد۔
سید جلال بخاری شہرتِ بزرگی و روحانیتِ شیخ بہاء الدین زکریای سہروردی ملتانی راشنیدہ از بھکر بہ ملتان
رفت، و دستِ بیعتِ را بہ دستِ او داد، و خرقہٴ خلافتِ سلسلہٴ سہروردیہ را از وی یافت۔
سید جلال الدین بخاری مدتِ سی سال در خانقاہِ شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی بسر برد، و چند
سال بعد از وفاتِ مُرشدِ خود کہ در سال ۶۶۱ ہجری / ۱۲۶۳ میلادی اتفاقِ افتاد، بہ اجازہٴ شیخ صدِّ الدین
عارف بن شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی بہ قریہٴ اُپچ رفت، و بقیہٴ عمر خود را در آن جا گذرانید۔
البتہ بیانِ سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلفِ جواہر الاولیا در بارہٴ مسافرتِ سید جلال بخاری از
بخارا با بیانِ فوقِ اختلاف دارد۔

سید باقر بخاری از پدرِ خود سید عثمان بخاری و سید عثمان بخاری بہ حوالہٴ کتابِ بحر الانوار تألیفِ
سید جلال بن سید داؤد بخاری در جواہر الاولیا روایت می کند کہ
”سید جلال بخاری چون پادشاهی بلخ و بخارا را گذاشتمہ برای زیارتِ شریفہٴ کعبۃ اللہ و برای زیارتِ
مدینہٴ معظمہ برآمد، و در روضہٴ مبارکِ معظم و مکرم حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، در آمد، و
گفت:

اسلام علیک یا جدی !

از روضہٴ پاکِ مبارکِ جواب برآمد:

و علیک السلام یا ولدی !

۱- مخدوم جانیان جہانگشت ص ۸۰، و بزمِ صوفیہٴ تألیفِ سید صباح الدین عبدالرحمن، مطبوعہٴ انظم گراہ ۱۹۱۶ء میلادی، ص ۱۰۴۔

۲- مراد از ”پادشاهی بلخ و بخارا“ ”پادشاهی روحانی“ است۔

چنانچہ ہمہ یاران و مریدان و مجاوران شنیدند۔

بعدہ ہفت سال در مدینہ مبارک بود۔^۱

از بیان فوق سید باقر بن سید عثمان بخاری ظاہر می شود کہ سید جلال بخاری بعد از حرکت از بخارا بہ عربستان رفت، و بہ زیارت کعبہ شریفہ در مکہ معظمہ، و بہ زیارت روضہ مبارک حضرت رسول اکرم، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، در مدینہ منورہ مشرف گردید، و مدت ہفت سال در مدینہ منورہ بود۔

سید باقر بن سید عثمان بخاری بعد از بیان فوق در بارہ مسافرت سید جلال بخاری از بخارا، در ضمن شرح حال مخدوم سید جلال جہانیان جانگشت اضافہ می نماید، و می گوید:

"اول بار کسی کہ از بخارا بہ ہندوستان آمدہ، جد ایشان است کہ او را سید جلال بخاری شرح می گفتند۔"^۲

از بیانات فوق سید باقر بن سید عثمان بخاری چنان استنباط می گردد کہ سید جلال بخاری بعد از حرکت از بخارا۔

اول بہ عربستان رفت، بہ زیارت کعبہ اللہ و روضہ حضرت رسول اکرم، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مشرف گردید و مدت ہفت سال در مدینہ منورہ بود۔

دوم این کہ او در مراجعت از عربستان بہ بخارا رفت، و

سوم این کہ او بار دیگر از بخارا حرکت نموده بہ شہر قارہ پاکستان و ہند آمد، و بہ قریہ بکھر رفت۔

مختصر این کہ سید جلال بخاری:

۱- از قریہ بکھر بہ ملتان رفت،

۲- در حلقہ مریدان شیخ بہاء الدین زکریای سہروردی ملتانی در آمد، و از مرشد خود خرقہ خلافت

در سلسلہ سہروردیہ یافت،

۳- مدت سی سال را در ملتان در خدمت مرشد بسر کرد،

۴- چند سال بعد از وفات مرشد، که در ۶۶۱ هجری / ۱۲۶۳ میلادی اتفاق افتاد، از ملتان

به قریه اُچ آمد.

سید باقر بن سید عثمان بخاری ذکر ارادت سید جلال بخاری و حصول خرقه خلافت را در جواهر الاولیا بدین

طریق آورده است:

(سید جلال بخاری) چون از بخارا آمدند، مرید پدر خود سید علی ابو المویذ بودند، اما نعمت خلافت از

شیخ بهاء الدین زکریای ملتانی یافتند.^۱

سید باقر بن سید عثمان بخاری درباره مرتبه سید جلال بخاری در علوم ظاهری و باطنی می گوید:

(سید جلال بخاری) از بزرگان و سادات صحیح النسب جلیل القدر و جامع علوم ظاهر و باطن

بوده اند.^۲

سید باقر بن سید عثمان بخاری درباره اولاد سید جلال بخاری می گوید:

"ایشان را در اُچ سه فرزند بوده اند:

۱- سید احمد کبیر،

۲- سید بهاء الدین، و

۳- سید محمد غوث.

و سید احمد کبیر را دو فرزند رشید قابل و سعادت مند بوده اند:

یکی قطب و غوث وقت، شیخ المشائخ، و مشرف اهل زمانه، و در روزگار یگانه، مفرد اندر

بیان و عیان حضرت مخدوم جهانیان (مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت)، و

دوم سید راجو قبال که ایشان نیز از اولیای کبار بوده اند:

چنان که در سطور بالاگذشت سید جلال بخاری چند سال بعد از سال ۶۶۱ هجری / ۱۲۶۳ میلادی

از ملتان به قریه اُچ رفت.

او بقیه عمر خود را در راهنمایی و هدایت مردم در دین اسلام گذراند، و بسیاری از کفار به مسلمان

او اسلام آوردند، وقریہ اُحّٰج بہ مناسبتِ نام سید جلال بخاری بہ "اُحّٰج بخاری" موسوم و معروف گردید۔
سید جلال بخاری در سال ۴۹۰ ہجری / ۱۲۹۱ میلادی وفات یافت، آرام گاہ او در اُحّٰج بخاری زیارت گاہ خاص و عام است۔

۲- مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت

سید جلال الدین بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بزرگ معروف بہ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت در سلسلہ سادات بخاری اُحّٰج بخاری شخصی بوده است کہ شہرت بزرگی او، چہ در علوم دینیہ و چہ در روحانیت، در دورہ حیات او در اطراف شہ قارہ پاکستان و ہند رسید، و شاہ و گدای دورہ او در حلقہ مریدان او بوده اند۔

مخدوم سید جلال جہانیاں دو سال ۷۰۷ ہجری / ۱۳۰۷ میلادی در اُحّٰج بخاری ولادت یافت۔
از اشاراتی کہ دربارہ وقایع زندگانی مخدوم سید جلال جہانیاں در کتاب جواہر الاولیا آمدہ است معلوم می گردد، کہ دورہ زندگانی او منقسم بودہ است در سہ بخش ذیل:

بخش اول: تحصیلات علوم متداولہ دینیہ و طی منازل وادی تصوف و عرفان۔

بخش دوم: مسافرت بہ ممالک اسلامی، و

بخش سوم: ہدایت و راہنمائی مردم در دین اسلام۔

اکنون بہ تفصیل وقایع بخش های فوق می پردازیم:

بخش اول:

مخدوم سید جلال جہانیاں در ایام کودکی زیر نظر پدر بزرگوار خود پرورش و تربیت یافت۔
او تحصیلات مقدماتی را در اُحّٰج بخاری بہ پایان رسانید و بعد ازاں بہ خواہش پدر بزرگوار خود بہ ملتان رفت، و تحصیلات عالیہ را در محضر استادان علوم دینیہ و زیر نظر شیخ رکن الدین ابوالفتح بن شیخ

۱- مخدوم جہانیاں جہانگشت "تالیف محمد ایوب قادری ص ۸۱، و خطہ پاک اویچ" تالیف مسعود حسن شہاب، ص ۲۱۲۔

۲- ص ۱۱ کتاب حاضر۔

صدرالدین عارف بن شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی بہ تکمیل رسانید،
و بعد از آن کہ او فارغ التحصیل گردید، بہ ایتح بخاری مراجعت نمود.
خانوادہ سادات بخاری ایتح بخاری خانوادہ ای بودہ است کہ اعضای آن مردم روحانی بودند، و
وظیفہ آنان راہنمائی مردم در دین اسلام بود، و مخدوم سید جلال جہانیاں در این نوح محیط عرفانی بزرگ
شدہ بود.

چنانچہ در اوایل حال، او دست ارادت را در دست پدر بزرگوار خود سید احمد کبیر بن سید جلال
بخاری بزرگ داد، وزیر نظر او تربیت باطنی یافت.
بعدها او بہ ملتان رفت، و بر دست شیخ رکن الدین ابو الفتح بن شیخ صدر الدین عارف بن شیخ
بہاء الدین زکریای ملتانی بیعت نمود، و خرقہ خلافت در سلسلہ سہروردیہ ازو گرفت.

ناگفتہ نماند کہ سید احمد کبیر (پدر مخدوم سید جلال جہانیاں) مرید شیخ صدر الدین عارف بن شیخ
بہاء الدین زکریای ملتانی بود، و خرقہ خلافت در سلسلہ سہروردیہ ازو گرفته بود.
سید باقر بن سید عثمان بخاری ذکر ارادت و خلافت مخدوم سید جلال جہانیاں را بدین طریق در
جواهر الاولیا می آرد:

"اگرچہ مخدوم جہانیاں را تربیت ظاہر و باطن پدر ایشان نموده اند، و مرید از پدر خود سلطان
سید احمد کبیر بودند، اما نعمت خلافت از شیخ رکن الدین بن شیخ صدر الدین بن شیخ بہاء الدین زکریای
ملتانی یافتند، و در ہر وادی از برکت ایشان بہ کمال رسیدند، و یگانہ روزگار گشتند"^۱
و در جای دیگر می گوید:

"و مخدوم جہانیاں مرید پدر خود سلطان سید احمد کبیر بود، اما نعمت خلافت از شاہ رکن عالم
(شیخ رکن الدین ابو الفتح بن شیخ صدر الدین عارف بن شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی) یافت."^۲

۱- "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تألیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۸۲، و "خطہ پاک اویج" تألیف مسعود حسن
شہاب، مطبوعہ لاہور ۱۹۶۷ میلادی، ص ۲۲۳.
۲- ص ۳ و ۱۱ ص ۱۳ کتاب حاضر.

بخش دوم دورہ زندگانی او مشتمل بر وقایع مسافرت او بہ ممالک اسلامی می باشد.
متاسفانہ تفصیلاتی در بارہ مسافرت مخدوم سید جلال جانیان در ممالک اسلامیہ در جواہر الاولیا
نیامده است، و فقط در دو جا اشاراتی آمده است کہ مربوط است بہ موضوع فوق؛
سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید:

و مخدوم جانیان تمام عالم از مشرق تا بہ مغرب بہ اذن حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم، سیر کردی؛
و در جای دیگر می گوید:

"و مخدوم سید جلال جانیان، قدس اللہ سترہ، تمام عالم از مشرق تا بہ مغرب سیر کردی؛
الکون می پردازیم بہ ذکر مسافرت او بہ عربستان، و اقامت او در مکہ معظمہ و مدینہ منورہ؛
در موضوع مسافرت مخدوم سید جلال جانیان بہ مکہ معظمہ سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید:
"و در مکہ معظمہ کہ رفتند، با امام عبداللہ یافعی ملاقات کردند، و میان این دو عزیز اتحاد و محبت
بہ مرتبہ رسید کہ بالاتر از ان نباشد؛"

مخدوم سید جلال جانیان ہفت مرتبہ بہ حج بیت اللہ مشرف گردیدہ است، چنان کہ در
جواہر الاولیا آمده:

۱- و در رسالہ سید شرف الدین مشہدی آورده است کہ حضرت مخدوم سید جلال بخاری معروف
بہ مخدوم جانیان ہفت حج کردہ بود؛

۲- و در کتاب انوار الاولیا مذکور است کہ حضرت شیخ شمس الدین و شیخ عبداللہ (المطری) مجاور
مکہ (معمظہ) و مدینہ مبارک، قدس اللہ سترہما، نقل ہا نوشتہ است کہ حضرت مخدوم سید جلال جانیان
جہانگشت، قدس اللہ سترہ، ہفت حج کردہ بود،

و ہر بار کہ بہ زیارت مبارک مدینہ و روضہ مطہرہ مقدسہ حضرت محمد مصطفی، صلی اللہ علیہ
و آلہ وسلم، در آمدی، و گفتی کہ:

۱ و ۲ - ص ۴۱ و ۲۳۴ کتاب حاضر . ۳ - ص ۱۱ کتاب حاضر .

۴ - ص ۲۲۲ و ۲۹۰ کتاب حاضر .

اسلام علیک یا جدی !

از درونِ روضہ مبارک آواز بر آمدی :

و علیک السلام یا ولدی !

چنانچہ ہمہ مجاوران و دیگر خلق زیارتی شنیدند !

از بیاناتِ مذکورہ ظاہر است کہ مخدوم سید جلال جہانیاں ہفت سال در مکہ معظمہ و مدینہ

منورہ (یعنی در عربستان) بودہ است .

مخدوم سید جلال جہانیاں در این ہفت سال کہ در مکہ معظمہ و در مدینہ منورہ اقامت داشتہ

بہ تکمیل تحصیلاتِ عالیہ پرداختہ است ؛ او در مکہ معظمہ در محفز شیخ (امام) عبداللہ یافعی، شیخ مکہ مکرمہ

بودہ، و اورا استادِ خود گفتہ است ^۱۔

ہم چنان اور مدینہ منورہ در محفز شیخ عبداللہ المطری، شیخ مدینہ منورہ بودہ، و اورا نیز استاد

خود گفتہ است ^۲۔

در خاتمہ اقامتِ ہفت سالہ خود مخدوم سید جلال جہانیاں اشارہ ای بہ حکم حضرت رسالت

پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، برای مسافرت بہ بیت المقدس می کند، و می گوید :

”بعده حکم حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، بہ طرف بیت المقدس شد کہ در آن جا

یک لک و بیست و چار ہزار پیغمبران بودند، سر ایشان حضرت مہتر ابراہیم، خلیل الرحمن،

علیہ السلام۔

و در سیرنامہ مخدوم سید جلال جہانیاں جانگشت، (مرتبہ سید فیض اللہ بخاری بن سید

محمود ناصر الدین بخاری) قدس اللہ سرہ نیز مذکور است ^۳۔

ولی در جواہر الاولیا ذکر مسافرتِ واقعی او بہ بیت المقدس طبق حکم حضرت رسالت پناہ،

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، نیامدہ است .

۳ و ۲ - ص ۳۶۷ و ۳۶۸ کتاب حاضر .

۱ - ص ۲۲۲ و ۲۹۰ کتاب حاضر

۴ - ص ۲۲۳ کتاب حاضر .

و نیز در کتاب "مخدوم جهانیان جهانگشت" ذکر نام شهرهایی که مخدوم سید جلال جهانیان در دوره مسافرت خود دیده، نام بیت المقدس نیامده است.^۱

در جواهر الاولیا در چند جا نام سیرنامه مخدوم جهانیان تألیف سید فیض الله بخاری بن سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت آمده است،^۲ و معلوم می شود که کتاب مزبور در موقع تألیف جواهر الاولیا در دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بوده، و او بعضی از وقایع حیات مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت و کرامات او را از آن کتاب در جواهر الاولیا آورده است.

اگر سیرنامه مزبور به دست مامی رسید، حقایق بیشتری در باره مسافرت مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت معلوم می شد.

در ضمن این باید بگویم که مؤلف "مخدوم جهانیان جهانگشت" "سفرنامه های" مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت را دیده، و بنا بر شواهد داخل آن ها را بی اصل و جعلی قرار داده است؛ ولی مرتب هیچ یک از سفرنامه ها را نام نبرده.

و معلوم می شود که "سیرنامه مخدوم جهانیان" تألیف سید فیض الله بخاری، که در موقع تألیف جواهر الاولیا در دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بوده، غیر از "سفرنامه های جعلی" مذکور می باشد.

مخدوم سید جلال جهانیان به مناسبت مسافرت های طولانی در ممالک مختلف به لقب "جهانگشت" ملقب گردیده است.

در آخر بیان مسافرت های مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت باید بگویم که در جواهر الاولیا در بعضی جاها ذکر خوارق عادات و کراماتی آمده است که از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت در اثنای مسافرت به ظهور پیوسته است، و ما در این مقدمه بنا بر تطویل کلام از ذکر آن ها صرف نظر نمودیم.

۱- مخدوم جهانیان جهانگشت تألیف محمد ایوب قادری مطبوعه کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۱۰۹ تا ۱۲۶.

۲- ص ۱۱۴، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۳۴ کتاب حاضر.

۳- "مخدوم جهانیان جهانگشت" تألیف محمد ایوب قادری، مطبوعه کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۱۱۲ تا ۱۱۷.

الکون به بیان بخش سوم دوره زندگانی مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت می پردازیم .
بخش سوم دوره زندگانی مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت مشتمل است بر وقایع مراجعت
از عربستان ، و اقامت او در اُچ بخاری و آغاز سلسله هدایت و راهنمایی مردم به دین اسلام و تصنیف
و تألیف کتب .

در جواهر الاولیا آمده است که مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت در مراجعت از مدینه منوره
قدیم مبارک حضرت رسول اکرم ، صلی الله علیه و آله و سلم ، و کچکول حضرت علی ، کرم الله تعالی و وجهه ، را به دلی
آورده است .

سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید :

"مخدوم سید جلال جهانیان قدیم حضرت رسالت پناه ، صلی الله علیه و آله و سلم ،
و کچکول امیر علی ، کرم الله تعالی و وجهه ، را به اذن حضرت رسالت پناه ، صلی الله علیه و آله و سلم ،
از مدینه در شهر دهللی آورد ، و مسجد جامع کلان و حجره مخدوم در دهللی بنا ساخت ، به اذن حضرت
پیغمبر ، صلی الله علیه و آله و سلم ، و قدیم و کچکول تا این زمان هم هست ؛"

و سید باقر بن سید عثمان بخاری در جای دیگر نیز می گوید :

"و ایشان (یعنی مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت) قدیم مبارک حضرت رسول ، صلی الله

علیه و آله و سلم ، را از مدینه به دهللی آوردند ؛"

مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت شهرت بزرگی و روحانیت شیخ نصیر الدین محمود
چراغ دهللی (متوفی در ۷۵۷ هجری / ۱۳۵۶ میلادی) را شنیده بود ، چنان چه به خواهرش استفاده
از روحانیت او به بارگاه او رفت ، و دست ارادت را به دست او داده ، خرقه خلافت "سلسله
چشتیه" را از او گرفت .

چنان که در جواهر الاولیا آمده است :

"و از مکه به هندوستان باز آمدند ، و در دهللی با حضرت شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهللی ملاقات

نمودہ خرقہ مبرکہ سلسلہ چشت را از ایشان پوشیدند^۱

متأسفانه در باره مدت مسافرت مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت هیچ اشارہ قطعی در جواہر الاولیا نیامده است، الا این کہ او در دورہ اقامت خود در مکہ معظمہ در محضر شیخ امام عبداللہ یافعی، شیخ مکہ مکرمہ (متوفی در ۷۴۸ ہجری / ۱۳۴۶ میلادی) و در مدینہ منورہ در محضر شیخ عبداللہ المطری، شیخ مدینہ منورہ (متوفی در ۷۴۵ ہجری / ۱۳۴۳ میلادی) تحصیلات عالیہ را تکمیل نمود، و او در دورہ حیات شیخ نصیرالدین محمود چراغ دہلی (متوفی در ۷۵۷ ہجری / ۱۳۵۶ میلادی) بہ بارگاہ شیخ آمدہ خرقہ خلافت ازو گرفت.

مؤلف "مخدوم جهانیان جهانگشت" می گوید:

"مخدوم جهانیان بعد از وفات مرشد خود شیخ رکن الدین ابو الفتح ملتانی، کہ در سال ۷۳۵ ہجری / ۱۳۳۵ میلادی اتفاق افتاد، بہ مسافرت رفت و قبل از ۷۵۱ ہجری / ۱۳۵۰ میلادی بہ شہر قارہ پاکستان و ہند مراجعت نمود"^۲

مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت بعد از مراجعت از عربستان در اُپچ بخاری اقامت گرفت، و اوقات زندگانی خود را:

۱- در عبادت و ریاضت،

۲- در راهنمایی مردم بہ دین اسلام، و

۳- در تصنیف و تالیف کتب

گذرانید.

سلطان فیروز شاہ تغلق (۷۵۲-۷۹۰ ہجری / ۱۳۵۱-۱۳۸۸ میلادی)، شاگرد و مرید او بود،

چنان کہ در جواہر الاولیا آمدہ است:

"و از حضرت سلطان فیروز شاہ (تغلق) پادشاہ دہلی، کہ کتاب (فتوحات) فیروز شاہی از دوست،

۱- ص ۱۱ کتاب حاضر.

۲- "مخدوم جهانیان جهانگشت" تالیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۱۱۱.

و شاگرد و مرید مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت است، قدس الله سره، منقول است؛

و در جواهر الاولیا در جای دیگر آمده است:

(ا) «و در زمانه پادشاه ابوالمنظر فیروز شاه (تغلق) مرید و شاگرد قطب العالم مخدوم سید جلال

جهانیان جهانگشت بود؛

(ب) «و از حضرت سلطان فیروز شاه (تغلق) پادشاه دهلی، مرید مخدوم (سید جلال) جهانیان

جهانگشت، قدس الله سره، منقول است؛

مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت در زهد و تقوی و در روحانیت و پارسائی شهرت زیادی

در اطراف شبه قاره پاکستان و هند یافت، و وظایف خود را به عنوان جانشین پدر بزرگوار خود و سرپرست

خانقاه سید جلال بخاری در راهمانی مرهم به حلب اسلام به انجام می رسانید. در زیاده از مرهم اطراف

به بارگاه او رسیده دست ارادت خود را به دست او می دادند.

سید باقر بن سید عثمان بخاری در باره عده مریدان او می گوید:

«و تمام خلق شهر دهلی و خلق شهرهای دیگر همه مرید مخدوم جهانیان بودند؛»

و در جواهر الاولیا در باره عده مریدان او در جای دیگر آمده است:

«و در کتاب کنز الانوار، تصنیف سید یوسف بن سید احمد ماوراء النهری، قدس الله سره،

نوشته است که از حضرت مخدوم جهانیان جهانگشت دوازده کور و چهارده لک و سیزده هزار مریدان و

شاگردان بودند که به نظر شفقت مخدوم جهانیان عالم و زاهد و عابد و قطب شدند، و دیگر مریدان و شاگردان

نیز بسیار بودند که عالم و خداشناس شدند، و راه نمونی به دیگران کردند؛»

نام های مریدان خاص مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت در جواهر الاولیا بدین طریق آمده

است:

۲۹۱- ص ۴۱ و ۴۲ کتاب حاضر. ۳- ص ۲۱۲ کتاب حاضر. ۴- ص ۴۱ کتاب حاضر. این بیان سید باقر بن سید عثمان

بخاری مبنی بر مبالغه می باشد، زیرا خود مخدوم جهانیان جهانگشت به دهلی رفته او بر دست شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلی بیعت نموده،

و خرد خلافت از او یافته بود. (رک ص ۱۱ کتاب حاضر). ۵- ص ۴۲ کتاب حاضر.

- ۱۔ سلطان فیروز شاہ تغلق ،
- ۲۔ سید ابو عبد اللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی ،
- ۳۔ سید شرف الدین مشہدی ،
- ۴۔ سید یوسف بن سید احمد ماوراء النہری ،
- ۵۔ سید یوسف محمد ،
- ۶۔ شاہ قطب الدین نصیر جون پوری ،
- ۷۔ شیخ جمال درویش اُچی ،
- ۸۔ شیخ حماد بن شیخ رشید الدین جمالی ،
- ۹۔ شیخ حماد چشتی ،
- ۱۰۔ شیخ سلیم ساوار ،
- ۱۱۔ شیخ شمس الدین عمر زاوی دولت آبادی ،
- ۱۲۔ شیخ صفی الدین ،
- ۱۳۔ شیخ ضیا شہاب نصیر کمال ،
- ۱۴۔ شیخ فضل اللہ بن ضیا الدین العباسی ،
- ۱۵۔ شیخ محمود قطب ،
- ۱۶۔ قاضی یعقوب ،
- ۱۷۔ میر سید اشرف جہانگیر سمنانی ۔

اکنون بہ ذکر آخرین ایام زندگانی مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت و وفات او در اُچ بخاری

می پردازیم :

مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت مرد روحانی و متدینی بودہ ، و از معروف ترین بزرگان سلسلہ سادات بخاری بہ شمار رفتہ است . او آخرین ایام زندگانی خود را در اُچ بخاری بسر بردہ است . او در سال ۷۸۵ ہجری / ۱۳۸۳ میلادی بہ رحمت حق پیوستہ ، و در همان قریہ اُچ بخاری مدفون گردیدہ است .

ذکر وفات او در جواہر الاولیا بدین طریق آمده است :

(ا) "و وفات وقت غروب آفتاب روز چہار شنبہ عید الاضحی سال ہفصد و ہشتاد و پنج (ہجری) واقع شدہ . و مدت عمر شریف ہفتاد و ہشت سال و سہ ماہ و بیت و شش روز و قبر ایشان در اُپچہ ملتان است . نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیف سلطان محمد دارا شکوہ برادر اورنگ زیب پادشاہ^۱۔"

(ب) "و روز عید بعد از نماز عید اضحی سنہ خمس و ثمانین و سہمائیہ (۷۸۵ ہجری) در اُپچہ بخاریان از دار الفنا بہ دار البقا رحلت فرمود ، قدس اللہ تعالیٰ و سرہ ، و روح رُوح اسلافہ و اخلافہ نزدیک روضہ جد خود سلطان سید جلال بخاری ، قدس اللہ سرہ ، آسودہ^۲۔"

(ج) "و در اُپچہ دہم ماہ ذی الحجہ بعد از نماز عید قربانی از دار الفنا بہ دار البقا رحلت فرمودند ، سنہ ہفصد و ہشتاد و پنج از ہجرت حضرت رسالت پناہ ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و آلہ وسلم^۳۔"

(د) کہ در اُپچہ بخاریان نزدیک روضہ جد بزرگوار خود آسودہ است^۴۔
ناگفتہ نماند کہ آرام گاہِ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت در آیام حیات سید باقر بن سید عثمان بخاری (یعنی در نیمہ دوم قرن یازدہم ہجری / نیمہ دوم قرن ہفدہم میلادی) نزدیک آرام گاہِ جد بزرگوار او (یعنی سید جلال بخاری) بودہ ، ولی در حال حاضر کہ نگارندہ مقدمہ در اُپچہ بخاری بہ چشم خود دیدہ است ، آرام گاہِ سید جلال بخاری از آرام گاہِ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت دور است ۔
مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت صاحب علم و فضل بودہ ، و آثارِ مہتمی از خود باقی گذاشتہ است ۔

البتہ در جواہر الاولیا فقط ذکر چہار کتاب ذیل ازو آمدہ است :

۱- جامع العلوم (ملفوظات) مرتبہ سید ابو عبد اللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی ۔

۲- خزائنہ الجلالی ، (ملفوظات) نام مرتبہ سید احمد المدعو بہ بہا بن حسن بن محمود بن سلیمان تلمینی^۵۔

۱ و ۲- ص ۱۱ و ۱۰ کتاب حاضر ۔ ۳ و ۴- ص ۲۳۴ و ۳۱۴ کتاب حاضر ۔ ۵- "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تالیف محمد اویب قادری ، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی ، ص ۲۳۹ ۔

۳۔ راحتہ الجلالی، (ملفوظات) مرتبہ ۹۔

۴۔ رسالہ کنز الاربعین۔

بقیہ تالیفات مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت را از کتاب "مخدوم جہانیاں جہانگشت"

می آوریم :

۱۔ سراج المداہیہ (ملفوظات) مرتبہ احمد برنی۔

۲۔ مقررنامہ (مکتوبات و ہدایات) مرتبہ ۹۔

۳۔ جواہر جلالی (ملفوظات) مرتبہ فضل اللہ بن ضیا العباسی۔

۴۔ مظہر جلالی (ملفوظات) مرتبہ ۹۔

۵۔ مناقب مخدوم جہانیاں (ملفوظات) مرتبہ ۹۔

۶۔ ترجمہ فارسی رسالہ مکیہ تالیف شیخ قطیب الدین دمشقی، و

۷۔ اربعین صوفیاء۔

۳۔ سید عثمان بخاری

(پدر سید باقر بخاری)

سید عثمان بن سید داؤد بخاری نیز از بزرگان معروف سادات بخاری بوده، و در زہد و تقویٰ و روحانیت شہرت زیادہ اندوختہ است۔

در بارہ تربیت و پرورش و تحصیلات ظاہری و باطنی او اشارت واضحی در جواہر الاولیا نیامده است۔

ولی ظاہر است کہ او در خانوادہ روحانی متولد شدہ، و در محیط روحانی تربیت و پرورش یافتہ است۔

۱۔ "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تالیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۲۳۷ تا ۲۴۱، اغلب این کتاب اربعین صوفیاء همان "رسالہ کنز الاربعین" است۔

از آثاری کہ ازو باقی مانده است، ظاهر است کہ او تحصیلاتِ ظاہری را نیز بہ تکمیل رسانیدہ است.

بزرگان و اسلافِ سید عثمان بخاری ہمہ وظایفِ راہنمائی مردم را بہ دین اسلام بہ انجام می رسانیدند. پدر او سید داؤد بخاری بر دستِ پدرِ خود سید شکر اللہ بخاری بیعت کردہ، و خرقہٴ خلافت ازو یافتہ است.

چنانچہ سید عثمان بخاری بعد از وفاتِ پدرِ خود جانشین او گردیدہ، و چنان کہ در خانوادہٴ او مرسوم بودہ است، وظایفِ بزرگانِ خود را بہ دست گرفتہ است.

سید باقر بخاری در بارہٴ خرقہٴ خلافت کہ سید عثمان بخاری از پدرِ خود گرفتہ بود، می گوید:

"اللی بہ حرمتِ خرقہٴ خلافتِ حضرت سید السادات، مہبطِ انوار اللہ، منظرِ اسرار اللہ، خلیفۃ رسول اللہ، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، صاحبِ العلم والحلم والشجاعت، سید عثمان بخاری، ولی اللہ، قدس اللہ سرہ، کہ از پدرِ خود سید داؤد بخاری، جلیل اللہ قدس اللہ سرہ، گرفتہ؛ و سید باقر بخاری در جای دیگر در بارہٴ تحصیلاتِ ظاہری و باطنی پدرِ خود سید عثمان بخاری می گوید:

"و در اعتکاف از پدرِ خود، کہ مہبطِ انوار اللہ، منظرِ اسرار اللہ خلیفۃ رسول اللہ، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وسلم، صاحبِ العلم والحلم والشجاعت، سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، شنیدم کہ حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مرا علمِ ظاہری و باطنی و علمِ اولین و آخرین در اعتکاف آموخت؛"

سید باقر بخاری در بارہٴ پدرِ خود نہایت احترام را قایل بودہ، و اوصافِ ظاہری و باطنی او را بدین طریق در جواهر الاولیا بیان کردہ است:

۱- "اُستادِ کامل و عامل، سلطان المشائخ والاولیا، قدوة الزہاد والاتیقا، کاشف الحقائق، منظر الدقائق، تجتہ الحق علی الخلق، قطب الاقطاب فی الارضین، ملک المشائخ فی العالمین، وارث علوم

الانبياء والمرسلين، ختم الواسعین و العارفين^۱۔

- ۲- "سید السادات، مہبط انوار اللہ، منظر اسرار اللہ، خلیفہ رسول اللہ، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، صاحب العلم والحلم و الشجاعة^۲۔"
- ۳- "سید السادات، رفیع الدرجات، منبع البرکات، جامع العلوم و الکمال^۳۔"
- ۴- "سیادت، نقابت پناہ، شرافت و نجابت دست گاہ^۴۔"

سید عثمان بخاری بیشتری از اوقات خود را در عبادت و ریاضت می گذرانید. او در هر ماه رمضان بہ اعتکاف می نشست، و در حالت اعتکاف از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، در بارہ وظایف روحانی خود ہدایت و راهنمایی می یافت، چنان کہ سید باقر بخاری در جواهر الاولیا می آورد:

۱- "و از پدر خود سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، شہیدہ ام، و او در اعتکاف از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنید کہ ہر کہ مستجاب الدعاء باشد، و او بہ وقت تہجد "یا معطی السائلین" بسیار گوید، دعای او مستجاب شود، و ہر چہ از خدای تعالی خواہد، یابد، انشاء اللہ تعالیٰ^۵۔"

۲- و نقل است از سید راجو شاگرد (سید علی اکبر) بن سید حامد (قتال) بخاری کہ استاد من سیادت و نقابت پناہ، شرافت پناہ، شرافت و نجابت دست گاہ، صاحب العلم والحلم و الشجاعة. سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، گاہی چہل روز و گاہی دہ روز آخر ہر ماہ رمضان بہ اعتکاف نشستن عادت داشت، و در رمضان سنہ ۱۰۵۱ ہجری بنا بر ضعف بیماری اعتکاف از دست سید مذکور فوت شد.

عوض آن دہ روز اول ماہ ذوالحجہ سنہ ۱۰۵۱ (ہجری) بہ خواندن دعوت سیف اللہ و بہ خواندن اسم مذکور در مقام (کنہ - گورستان) شہرتہ پیش قبر برادر خود سید یوسف بن سید داؤد بخاری کہ

۲۰۱- ص ۱۳۰۲ کتاب حاضر. ۳۰۴- ص ۱۰۵۱ کتاب حاضر. ۵- ص ۱۷۵ کتاب حاضر.

در مقام مخدوم آدم و محمود راضوی است، به اعتکاف نشست.
شب جمع که به تاریخ نهم ماه مذکور بود، در واقع جانب سر قبر سید مذکور این مشاهده شد که
حضرت شفیع المذنبین و خاتم النبیین، حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله وسلم، جانب سر قبر سید
یوسف بن سید داؤد بخاری استاده.

و در این حالت خواب حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلم، سید عثمان بخاری را
برای دعا هدایت فرمود:

علاوه بر این که سید عثمان بخاری در هر ماه رمضان به اعتکاف می نشست و عبادت می کرد،
گاه گاهی چله نیز می کشید، و ریاضت می کرد، چنان که سید باقر بخاری در جواهر الاولیا آورده:

۱- از پدر خود سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله
سره، شنیدم که چون فقیر در اُتج در مسجد جد خود (مخدوم) سید جلال جهانیان (جهانگشت) که به طرف
روضه سر مخدوم (سید جلال) جهانیان (جهانگشت)، قدس الله سره، چله کشیدم، و به دعوی عظمت ان الله
و ملائکته تا آخر مشغول شدم.

چون شب چهاردهم ماه رمضان (سال؟) بود، در مجلس حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله
وسلم، مشرف شدم، و با جمله اولیای الله تعالی ملاقات شد:

۲- و در کتاب مجموع البخاری، تصنیف حضرت سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس الله سره،
منقول است، که چون فقیر در اُتج در مسجد جد خود قطب العالم شاه سید فیض الله بن سلطان سید
محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جهانیان (جهانگشت) چله نشستم، و در چله به صحبت حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم، مشرف شدم:

ناگفته نماند که مشرف شدن سید عثمان بن سید داؤد بخاری در مجلس حضرت رسالت پناه،
صلی الله علیه و آله وسلم، و ملاقات او با جمله اولیای الله تعالی در حالت خواب بوده است.

۱- ص ۲۱۸ و ۲۱۹ کتاب حاضر. ۲- القرآن الحکیم، ۳۳، ۵۶.

۳ و ۴- ص ۲۷۳ و ۲۷۴، و ص ۵۰۷ کتاب حاضر.

مختصر این که سید عثمان بن داؤد بخاری عمر خود را در خدمت به دین اسلام گذرانیده، و در ایح بخاری به رحمت حق پیوسته است، و جای بسیار تعجب است که سید باقر بخاری سال وفات پدر خود را در جواهر الاولیا نیاورده است، و فقط همین قدر متیقن است که سید عثمان بخاری در سال ۱۰۵۱ هجری / ۱۶۴۱ میلادی زنده بوده و بعد از آن وفات یافته است.

سید عثمان بخاری به تألیف کتب نیز علاقه داشته، و کتاب های ذیل از او باقی مانده

است :

۱- مونس البخاری کلان ،

۲- مونس البخاری خرد ،

۳- مجموع البخاری ، و

۴- بحر العجائب .

سید باقر بن سید عثمان بخاری

(مؤلف جواهر الاولیا)

سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلف کتاب جواهر الاولیا از علما و دانش مندان و صوفیان و مُرشدان عصر خود بوده، و آثاری که او از خود به یادگار گذاشته است، بر علم و دانش او شاهد است.

البته جای بسیار تأسف است که تفصیل وقایح زندگانی او در کتاب جواهر الاولیا نیامده است، و ما در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ در ایح بخاری هر چه جستجو کردیم، در باره سید باقر بن سید عثمان بخاری اطلاعاتی بدست بیاریم، در مطلوب خود موفق نه شدیم.

۱- ص ۲۱۸ کتاب حاضر . ۲- نگارنده مقدمه در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ در ایح بخاری با وجود کوشش بسیار نهمین آرامگاه سید عثمان بخاری را زیارت کنم، و زنتها این که مراب آرامگاه او را بهمانی زکونند، بلکه گفتند که شخصی بدین نام در ایح بخاری زنده بوده، و شاید در جای دیگر زیسته است.

و ستم بالای ستم این بوده است که ما نه توانستیم با خانوادهٔ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری تماس بگیریم، زیرا گفته:

سید باقر بن سید عثمان بخاری اهل اُپّج بخاری نه بوده، و شاید در جای دیگر زیسته است، و حال آن که خانوادهٔ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در همان قریهٔ اُپّج بخاری موجود بوده، و در عصر حاضر نیز در همان قریه موجود است، و ما تفصیل امور مزبور را در صفحات مابعد در وقایع آوریم که مربوط به خانواده های سادات بخاری در اُپّج بخاری می باشد.

در کتاب جواهر الاولیا در بعضی جاها اشاراتی آمده است که مربوط است به وقایع زندگانی سید باقر بن سید عثمان بخاری، و ما تفصیل وقایع زندگانی او را که مبنی بر اشارات مذکوره است، در ذیل می آوریم:

سید باقر بن سید عثمان بخاری در خانوادهٔ سادات و بزرگان بخاری تولد یافت، ولی در جواهر الاولیا دربارهٔ تاریخ ولادت او اشاره ای نیست.

هم چنان که در خانواده های بزرگان و صوفیان مرسوم است، سید باقر بخاری زیر نظر پدر بزرگوار خود تربیت و پرورش یافت، و چنان که از آثار عالمانهٔ او ظاهر است، او تحصیلات علوم متداوله را در محضر استادان فاضل عصر خود در اُپّج بخاری به تکمیل رسانید.

او از استادان خود علاوه بر پدر بزرگوار خود نام سید شمس الدین مخدوم امام بخاری گجراتی را در جواهر الاولیا آورده است.

سید باقر بن سید عثمان بخاری بعد از تکمیل تحصیلات علوم ظاهری قدم در وادی تصوف و عرفان نهاد، و در راهنمایی پدر خود در عبادت و ریاضت مشغول گردید.

چنان چه او دست ارادت خود را در دست پدر خود سید عثمان بخاری داد، و بعد از تکمیل علوم باطنی و روحانی خرقهٔ خلافت را از او گرفت، چنان که او خود می گوید:

"الهی به حرمت خرقهٔ خلافت فقیر الحقیر تراپ اقدام طالبان، اضعت عباد الله، المعصم جبل الله

فقیر سید باقر، جعل اللہ فی الدارین مع الایمان الی یوم الدین، کہ از پدر خود سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، گرفت؛^۱

در ضمن حصول خرقہ خلافت در حاشیہ برگ ۹ و ۱۴ نسخہ خطی دوم جواهر الاولیا (نسخہ خطی ب) عبارت ذیل از جانب محمد علی کاتب اصلی جواهر الاولیا در اُپتخ بخاری آمده است:

"در متن نوشتہ مصنف (سید باقر بن سید عثمان بخاری) است، سلمہ اللہ تعالیٰ ابتقاہ و زید عمرہ، و در حاشیہ نوشتہ شاگرد است از شاگردان؛

اگر شاگرد و غیرہ برای ہر مہمتی و کاری بخواند، و یاد و گور (ہند) خرقہ بنویسد، بدین روش بنویسد،

و بخواند:

"اللہی بہ حرمت خرقہ خلافت حضرت سید استادات، منبع البرکات، جامع العلوم و الکمالات، مجلسی حضرت ----- آل طہ و لیس، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، اجمعین، سید باقر -----

از پدر خود سید عثمان بخاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گرفت؛^۲

انکون بہ شرح وقایع دیگر از زندگانی سید باقر بن سید عثمان بخاری می پردازیم:

۱- اعتکاف های سید باقر بن سید عثمان بخاری

در بارہ اعتکاف های سید باقر بن سید عثمان بخاری اشارت ذیل در جواهر الاولیا آمده است:

(۱) "و نیز فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُپتخ بخاریان در روضہ مجتہ خود سلطان العارفین سلطان سید جلال بخاری، قدس اللہ سرہ، بہ تاریخ بیست و پنجم شہر رمضان المبارک سنہ یک ہزار و ہفتاد (۱۰۷۰) ہجری در اعتکاف بعد از نماز تہجد از حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدم کہ: ای فرزند من! ہر کرامہتی و مشکلی پیش آمدہ باشد^۳ -----"

۱- ص ۲۹۶ کتاب حاضر. ۲- ص ۲۹۷ کتاب حاضر. در این جملہ درودہ جاچندکہ افتادہ است. ۳- ص ۲۹۷ کتاب حاضر.

(ب) فقیر سید باقر بن مرحوم و معفور میران سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، گاہی چہل روز و گاہی دہ روز آخر در ہر ماہ رمضان بہ اعتکاف نشستن عادت داشتہ، و در ماہ رمضان سنہ ۱۰۹۲ ہجری بود پنا بر آن کہ خالوی فقیر ازین عالم رحیل شد، اعتکاف مذکور از دست من فوت شد. عوض آن در آخر ماہ ربیع الثانی سنہ ۱۰۹۳ ہجری بہ خواندن دعوت سیف اللہ در مسجد خود در محلہ تند سر نزدیک کارپوشان دف نواز بہ مین مسجد بہ اعتکاف نشستہ^۳

۲- چلہ های سید باقر بن سید عثمان بخاری

در بارہ چلہ های سید باقر بن سید عثمان بخاری اشارت ذیل در جواہر الاولیا آمدہ

است:

(۱) "در رسالہ باقر الانوار تصنیف حضرت سید علی اکبر بن سید حامد قتال (بخاری) قدس اللہ

بسرہ، مذکور است:

(قول سید باقر بخاری)

کہ من در چلہ از حضرت رسالت پناہ، صل اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدہ بودم؛ ہر کہ روی سید باقر ببیند گویا کہ روی من دیدہ باشد، و ہر کہ بہ گویہ پدران او زیارت کند، جملہ کارہای دینی و دنیوی او حاصل شود^۴۔

(ب) چون فقیر سید باقر در اُپچ از پدر خود فضیلت این آیت^۵ شنیدم، و بہ اذن پدر خود

۱- رمضان ۱۰۹۲ھ = سپتامبر ۱۶۸۱ میلادی ۲- آخر ماہ ربیع الثانی ۱۰۹۳ھ = آخر آوریل ۱۶۸۲ میلادی۔

۳- ص ۶۳۹ کتاب حاضر، نگارندہ مقدمہ در سال ۱۹۷۲ میلادی و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در اُپچ بخاری در حجتوی مسجد

سید باقر بخاری در محلہ تند سر نزدیک کارپوشان دف نواز افادم، متاسفانہ کسی بہ من نشان نداد۔

۴- ص ۱۷۷ کتاب حاضر۔ ۵- القرآن الحکیم: ۱۸۶۰۲۔

در اُیچ چله نشستم، و به دعوت این آیت ان الله و ملائکته تا آخر (مشغول شدم).
 چون شب بیست و هفتم رمضان (سال ۹) شد، در واقع سیر از مشرق تا به مغرب کردم،
 و به دیدار حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله و سلم، مشرف شدم؛^۱

۳- خطاب های حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله و سلم

به سید باقر بن سید عثمان بخاری

در باره خطاب های حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله و سلم، اشارت ذیل در جواهر الاولیا
 آمده است :

(۱) و از حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم، شنیدم : یا ولدی ! من قرء الفاتحه مع
 الاخلاص مرة لم یبق من ذنوبه ذرة. یعنی ای فرزند من سید باقر ! هر که سوره الفاتحه مع الاخلاص یک
 بار بگوید، هرگز ذره گناه در وجود وی نماند.^۲

(ب) "فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری در وقت بیماری و قحطی از حضرت رسالت پناه، صلی الله
 علیه و آله و سلم، شنیدم :

اگر قبر شما در شهری باشد، در آن شهر قحط سخت نیفتد، و هر که زیارت به گویر شما کند، دوزخ بروی
 حرام شود، و گناحان او محو گردد.^۳

۱- القرآن الحکیم ۳۳، ۵۶. ۲- ص ۲۷۲ کتاب حاضر. ۳- ص ۵ کتاب حاضر.

۴- ص ۱۲۷ و ۱۲۶ کتاب حاضر. نگارنده مقدمه در سال ۱۹۷۲ میلادی و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در اُیچ بخاری به جستجوی آرامگاه
 سید باقر بن سید عثمان بخاری افتادم، نه تنها این که مرا به آرامگاه او راهنمایی نکردند، بلکه گفته که شخصی بدین نام در اُیچ بخاری نبوده
 و شاید دعای دیگر زیسته است.

(ج) رجوع شود بہ (ا) در ذکر چہ ہای سید باقر بن سید عثمان بخاری۔

(د) و بعد وفات سید عثمان بخاری از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنبہ موافق آن این شعر فقیر گفتہ :

ہر کہ زیارت کند بہ گور شاہ عثمان
امید بر این است کہ شود جملہ حاجات روان
ہر کہ بخواد کہ مرا علم شود، برود
سوی مقامی، زیارت شاہ عثمان بکند
این ہمہ گفتار شنیدم از رسول
با یقین دل بدان تا شوی مقبول!

(۵) "و نیز نقل است از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہ، کہ در شب دوشنبہ ہشتم جمادی الثانی سنہ ۱۰۹۸^۱ (ہجری) از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدم :

ہر کہ این دعا بہ اعتقاد درست بعد از نماز خفتن یازدہ بار بخواند، ہر مقصودی کہ در دل داشته باشد، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ^۲

(۶) "و نیز نقل است از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید فی عمرہ، کہ در سنہ مذکورہ (یعنی ۱۰۹۸ ہجری = ۱۶۸۷ میلادی) من شنیدم از مجلس حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم :

ہر کہ دعای مسطور بہ اعتقاد درست و بہ اخلاص دل بعد از نماز خفتن ہفت بار بخواند، ہمہ مرادات دینی و دنیوی او حاصل شود، و آن چہ نیت کند، نیز میسر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ^۳۔
(من) "خاصیت اسم چل و یکم :

از فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، ولی اللہ، قدس اللہ سرہ، کہ من شنیدم در شب آدینہ بعد از نماز تہجد از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم :

ہر کہ اسم چل و یکم را در شب چہار شنبہ و (شب) پنج شنبہ و شرب آدینہ ہر شب بہ اعتقاد

۱- ص ۲۲ کتاب حاضر۔ این آیات از وزن خارج است۔ ۲- ۸- جمادی الثانی ۱۰۹۸ ہجری = ۱۱- آریل ۱۶۸۷ میلادی۔

۳- ص ۳۳ کتاب حاضر۔

درست و به اخلاص دل هزار مرتبه بخواند، دل او پاک شود از غل و غش، و همیشه با مجلس حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، باشند، و آن چه در دنیا و آخرت است، همه معلوم گردد. انشاء اللہ تعالیٰ (ح) و نیز فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، از حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدم:

یا ولدی! من قرأ اللہم انک تعلم ذنوبنا تا آخر بعد کل صلوة احد عشر مرآة، قضی اللہ تعالیٰ کل حاجتہ، من الدنیا و الآخرة^۱.

البته خطاب های حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، با سید باقر بن سید عثمان بخاری در حالت خواب بوده است.

۴- مسافرت های سید باقر بن سید عثمان بخاری

از اُپج بخاری به جا های دیگر

در باره مسافرت های سید باقر بن سید عثمان بخاری از اُپج بخاری به جا های دیگر اشارات ذیل در جواهر الاولیا آمده است:

(ا) "روزی فقیر با شاگرد خود سید علی اکبر بن سید حامد (قال) بخاری در سیر عالم بودم، و در میان راه سید علی اکبر از رفتن راه باز ماند، و گفت: ای اُستاد من سید باقر بن سید عثمان بخاری! چیزی مرا بیاموزانید، تا قوت مرا بسیار شود."^۲

(ب) "روزی فقیر در بیابان با سید علی اکبر بن سید حامد (قال) بخاری، قدس اللہ سرہ، همراه بودم فقیر را طلب نوشیدن شیر شد، سید علی اکبر تفحص بسیار کرد، شیر نیافت؟"^۳

۱- ص ۷۰ کتاب حاضر، ۲- ص ۵۰ کتاب حاضر، ۳- ص ۲۳۷ کتاب حاضر، ۴- ص ۳۸ کتاب حاضر

(ج) ”چون فقیر سید باقر در اُپّج از پدر خود فضیلت این آیت شنیدم، و به اذن پدر خود در اُپّج بہ چلہ نشستم، و بہ دعوت این آیت ان اللہ و ملائکہ تا آخر ط (مشغول) شدم؛ چون شب بیست و ہفتم ماہ رمضان (سال ۶) شد، در واقعہ (یعنی در حالت خواب) سیر از مشرق تا بہ مغرب کردم۔“

(د) ”چنان چہ فقیر (سید باقر بن سید عثمان بخاری) را در سیر عالم جای بیماری سخت رسیدہ بود، و در میان آن بیماری بسیار دارو ہا کردم، ہیچ سودی نشد۔ پس فقیر این مناجات چند روز خواند، شفا یافت۔“

(۵) از ابیات منظومہ امی کہ در جواہر الاولیا آمدہ است، معلوم می شود کہ سید باقر بن سید عثمان بخاری در اثنای مسافرت بہ شہر ننتہ در اُستانِ سند رفتہ، و در مراجعت آرزوی دیدار مولدِ خود (یعنی اُپّج بخاری) و مزاراتِ اسلاف و بزرگانِ خود را در دل می پرورد، و می گوید:

بہ شوقِ شاہِ شاہان فتادم در سفر راہان
 نجا خواہم از بلاہان، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 منم اولادِ جلالیم، پسر شاہِ عثمانِ بخاریم،
 باقرِ مشتاقِ درگاہِ تو ام، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 باقری دُور از تہ آمد بہ شوقِ اُپّج اجدادِ خود،
 جملہ کنی تو مقصد، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 منم مسکینِ گنہ گارم، تمامی عمر بی کارم،
 دری عصیان گرفتارم، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 بنما، ببینم شرِ اُپّجی، بہ درگاہت کنم دادی،
 کنم جان از غمِ آزادی، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!

۳۔ ص ۲۷۴ کتاب حاضر.

۲۔ ایضاً: ۳۳، ۵۶.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۸۶، ۲.

۴۔ ص ۳۶۱ کتاب حاضر.

وز آن جا تبرک خاک گیرم، در دروازہ جد چشم بوسم،
قبول آریم، یارب! حاجتم، مدد یا شاہ مخدوم جهانی!

۵- شاگردان و مریدان خاص سید باقر بن سید عثمان بخاری

نام دو نفر ذیل کہ از شاگردان و مریدان خاص سید باقر بن سید عثمان بخاری بودند، در جواہر الاولیا آمدہ است:

۱- سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری کہ در مسافرت ہا نیز ہمراہ سید باقر بن سید عثمان بخاری بودہ است.

۲- محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی کہ کاتب اصلی نسخہ خطی جواہر الاولیا در اُچ بخاری بودہ است.

۶- تالیفات سید باقر بن سید عثمان بخاری

سید باقر بن سید عثمان بخاری صاحب علم و دانش بودہ و کتاب ہائی را تالیف نمودہ است کہ نام ہائی آن ہا در جواہر الاولیا آمدہ است:

۱- مخمس الانوار،

۲- اکبر جلالی،

۳- باقر المرادات، و

۴- جواہر الاولیا.

۱- ص ۵۵۲ کتاب حاضر۔ تمام ابیات این منظوم از وزن خارج است

میر علی شیر قانع تتوی مؤلف "تحفۃ الکرام" و مسعود حسن شہاب مؤلف "خطِ پاکِ اوچ" کتاب باقر
الانواراً اشتبہاً تألیف سید باقر بن سید عثمان بخاری قرار داده اند،
ولی کتاب مزبورہ طبق شہادت جواہر الاولیا تألیف سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری می باشد۔^۳

۷۔ اشعار سید باقر بن سید عثمان بخاری

سید باقر بن سید عثمان بخاری در دورہ تألیف کتاب جواہر الاولیا کوشش زیادہ کردہ است کہ شعر
بگوید، و در چند جا در جواہر الاولیا اشعار خود را آوردہ است۔
زیرا کہ او قریحہ سخن سرائی نہ داشتہ، کوشش او در شعر گفتن بہ جای نہ رسیدہ است۔ گوی
اشعاری را کہ در جواہر الاولیا آوردہ است، بہ زور گفتہ، و بیشتری از اشعار او از وزن خارج است۔
ایک چند بیت ازو بہ عنوان نمونہ می آوریم:

۱۔ هر کہ بیند بہ روی شاہ باقر
یقین برین است کہ دیدہ پیغمبر
هر کہ زیارت کند بہ گور شاہ عثمان
امید بر این است کہ شود جملہ حاجات روان
این ہمہ گفتار شنیدم از رسول
بالیقین دل بدان، تا شتوی مقبول^۴

۲۔ بہ حرمت چہارودہ معصوم آن کار جملہ حاصل کنی
گفت شاہ باقر محمد پسر شاہ عثمان بخاری
هر کہ خواند بعد از ہر نمازی این بیت ہا
سالم بماند در دازین از جملہ بلا ہا^۵

۱۔ "تحفۃ الکرام" (ترجمہ اردو) مطبوعہ کراچی ۱۹۵۹ میلادی، ص ۳۷۴۔

۲۔ "خطِ پاکِ اوچ"، مطبوعہ لاہور، ۱۹۶۷ میلادی، ص ۲۴۶۔

۳۔ ص ۱۲۷ کتاب حاضر۔ ۴۔ ص ۱۲۷ کتاب حاضر۔ ۵۔ ص ۵۴۱ کتاب حاضر۔

کتاب جواہر الاولیا، چنان کہ از خاتمہ کتاب بہ قلم محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی^ط ظاہر است،
در دورہ حیات سید باقر بن سید عثمان بخاری بہ خاتمہ رسیدہ است، و سال ۱۰۹۸ ہجری / ۱۴۸۷ میلادی
آخرین سال است کہ در این کتاب آمدہ است۔

خانوادہ ہای ساوات بخاری در اُچ بخاری

از وقایح مختصر تاریخی در بارہٴ اخلاف سید جلال بخاری در اُچ بخاری و قضایانی کہ در موضوع
بہ دست آوردن منصب جانشینی (و بہ اصطلاح پاکستان سجادہ نشینی) و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری
بہ وقوع پیوستہ است، ظاہر می گردد کہ بعد از وفات سید جلال بخاری در اخلاف او نزاعاتی بہ وجود
آمده است کہ در نتیجہٴ آن اخلاف او بہ خانوادہ ہای مختلفہ منقسم گردیدہ، و منصب جانشینی و سرپرستی
خانقاہ سید جلال بخاری از یک خانوادہ بہ خانوادہ دیگر انتقال یافته است۔

چنان چہ خانوادہٴ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری بعد از سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید
جلال جہانیان جہانگشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری از خانوادہ ای کہ منصب جانشینی و سرپرستی
خانقاہ سید جلال بخاری را حائز بودہ، جدا شد، و اعضای آن سلسلہ جداگانہ ای را تاسیس نمودند، و از نزاعات
خانوادگی برای حصول منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری کنارہ گرفته تنها وظایف راضعانی مردم
را بہ دین اسلام بہ عمدہ خود داشتہ اند۔

و اعضای خانوادہٴ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری کہ صاحبان علم و دانش بودند، بہ کار
تصنیف و تالیف کتب پرداختہ آثار گران بہای از خود بہ یادگار گذاشتہ اند۔
اکنون بہ تفصیل این اجمال می پردازیم:

سید جلال بخاری در اُچ بخاری، چنان کہ در صفحات گذشتہ شرح دادیم، سہ پسر داشت مولود بہ:

۱- سید احمد کبیر،

۲- سید بہاء الدین، و

۳- سید محمد غوث.

بعد از وفات سید جلال بخاری منصب جانشینی در اوایل حال بہ عہدہ پسر او سید احمد کبیر و بعد از او بہ عہدہ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت بن سید احمد کبیر و بعد از وفات او در ۷۸۵/۵ ۱۳۸۳ م بہ عہدہ سید راجو قبال بخاری برادر مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت بودہ است.

بعد از وفات سید راجو قبال بخاری در ۸۲۷/۵ ۱۴۲۴ م منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ عہدہ سید فضل الدین بن سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت بودہ است.^۱

ازان بہ بعد نزاعاتی در اخلاف سید جلال بخاری بہ وجود آمد، و در نتیجہ آن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ دست اخلاف سید بہاء الدین دومین پسر سید جلال بخاری رسید، و تا آخر قرن نهم ہجری / آخر قرن پانزدہم میلادی اخلاف سید بہاء الدین منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ عہدہ خود داشتہ اند، و آخرین جانشین و سرپرست خانقاہ سید جلال بخاری ازین خانوادہ سید رحمت اللہ شاہ چاند نہ چراغ بودہ است.^۲

بار دیگر آتش نزاع بین خانوادہ های اخلاف سید جلال بخاری بلند گردید، و مخدوم حسن جہانیاں کہ از اخلاف سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بود، با گروہی از مریدان خود بر سید رحمت اللہ چاند نہ چراغ حملہ کرد، و منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری را بہ زور شمشیر ازو گرفت، و سید رحمت اللہ شاہ چاند نہ چراغ مغلوب شدہ اُبیح بخاری را ترک گفت.^۳

۱- "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تألیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۲۶۷، و "خطہ پاک اوچ"

تألیف مسعود حسن شہاب مطبوعہ لاہور ۱۹۶۷ میلادی ص ۲۳۹.

۲- "مخدوم جہانیاں جہانگشت" ص ۲۶۸، و "خطہ پاک اوچ" ص ۲۰۸. ۳- "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تألیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ

کراچی ۱۹۶۳ میلادی ص ۲۶۸، و "خطہ پاک اوچ" ص ۲۰۸.

از آن به بعد منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری به عمدہ اخلاف مخدوم حسن
جهانیان بوده است، و جانشین کنونی و سرپرست خانقاہ سید جلال بخاری در اُچ بخاری سید غلام اصغر
بن سید نوبهار شاه سادس از همان خانواده می باشند^۱؛

خانواده سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُچ بخاری

چنان که در صفحات گذشته آورده ایم که بعد از وفات سید راجو قتال بن سید احمد کبیر بن سید
جلال بخاری برای به دست آوردن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری نزاعاتی بین خانواده
های اخلاف سید جلال بخاری به وقوع پیوست، و در نتیجه آن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید
جلال بخاری از یک خانواده به خانواده دیگر انتقال یافت.

ولی خانواده اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری، که اعضای آن از اخلاف سید فیض الله بن
سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بودند،
از خانواده هائی که اعضای آن ها برای به دست آوردن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید
جلال بخاری در جنگ و جدال بودند، جدا شده، سلسله جداگانه سادات بخاری را تاسیس نمودند، و دور از
نزاعات خانوادگی در گوشه امنیت و سلامتی تنها وظایف راهنمایی و هدایت مردم را به عمدہ خود داشتند،
و از آنان کسانی که صاحبان علم و دانش بودند، بکار تصنیف و تالیف کتب پرداختند.

اخلاف خانواده سید باقر بن سید عثمان بخاری تا عصر حاضر در اُچ بخاری اقامت دارند و لقب
"دیوان" ملقب، و به همین لقب در اُچ بخاری و در اطراف معروف اند^۲.

جانشین (و به اصطلاح پاکستان سجادہ نشین) کنونی خانواده سید باقر بن سید عثمان بخاری در

۱- مخدوم جهانیان جهانگشت "تالیف محمد ایوب قادری مطبوعه کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۲۶۸ تا ۲۷۰.

۲- خطہ پاک اُچ "تالیف مسعود حسن شہاب، مطبوعه لاہور، ۱۹۶۷ میلادی، ص ۲۶۶.

اُچ بخاری، نیز موسوم بہ سید محمد باقر بخاری و معروف بہ دیوان سید محمد باقر بخاری می باشند۔
 دیوان سید محمد باقر بخاری کہ منزل اصلی ایشان در اُچ بخاری می باشد، در این ایام در یکی از وہ های بخش ملتان اقامت دارند۔
 و چنان کہ در آغاز شرح حال سید باقر بن سید عثمان بخاری در صفحات گذشتہ آویم کہ نگارندہ مقدمہ در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در اُچ بخاری ہرچہ در بارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و خانوادہ اخلاف او جستجو کردم، و آرزوی دیدن مسجد سید باقر بن سید عثمان بخاری و مزارات آنان در دل داشتم، متأسفانہ با وجود کوشش بسیار بہ مقصود خود نہ رسیدم، بلکہ گفتند:
 ”سید باقر بن سید عثمان بخاری اہل اُچ بخاری نہ بودہ اند، و شاید در جای دیگر زیستہ اند“
 ط بسوخت عقل ز حیرت کہ این چہ بو العجبیت؟

شجرہ های نسب و خلافت سید باقر بخاری

ہم چنان کہ در آغاز بخش دوم مقدمہ بیان کردیم کہ اسلاف سید باقر بخاری بر سہ دستہ مشتمل اند، شجرہ های خلافت نیز در سہ قسمت ذیل منقسم می گردد:

قسمت اول : از امیر المؤمنین حضرت علی، اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ، تا امام سید علی نقی، ہادی، حجۃ اللہ، قدس اللہ سرہ،

قسمت دوم : از سید جعفر ثانی بن امام سید علی نقی، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، تا سید علی ابوالمؤید، قدس اللہ سرہ، و

قسمت سوم : از سید جلال بخاری، اسد اللہ، قدس اللہ سرہ تا سید باقر بخاری۔

شجرہ های خلافت فوق مطابق بہ ترتیبی آوردیم کہ در جواہر الادبیا آمدہ است:

قسمت اول

شجرہ امامت از امیر المؤمنین حضرت علیؑ اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ
 تا امام سید علی نقیؑ، ہادیؑ، مجتہ اللہ، قدس اللہ سرہ۔
 حضرت امیر المؤمنین علیؑ، اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ،
 حضرت امام سید حسنؑ، رضوان اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید حسینؑ، شہید دشت کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید (علی) زین العابدینؑ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید محمد باقرؑ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید جعفر صادقؑ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید موسیٰ کاظمؑ، امین اللہ، قدس اللہ سرہ،
 حضرت امام سید ابوالحسن علی بن موسیٰ رضاؑ، رضوان اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید محمد تقیؑ، جواد اللہ، قدس اللہ سرہ،
 حضرت امام سید علی نقیؑ، ہادیؑ، مجتہ اللہ، قدس اللہ سرہ،

قسمت دوم: شجرہ (نسب و) خلافت

از سید جعفر ثانی (بن ابام سید علی نقیؑ)، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ۔
 تا سید علی ابوالموئیدؑ، قدس اللہ سرہ۔
 سید جعفر ثانی (بن امام سید علی نقیؑ)، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید نظام الدین علی اصغرؑ، عبید اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید عبد اللہؑ، اسلام اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید احمدؑ، مقبول اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید محمودؑ، مختار اللہ، قدس اللہ سرہ،

سید محمد ، سیف اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید جعفر ، مشتاق اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید علی ابو المؤید ، قدس اللہ سرہ ،

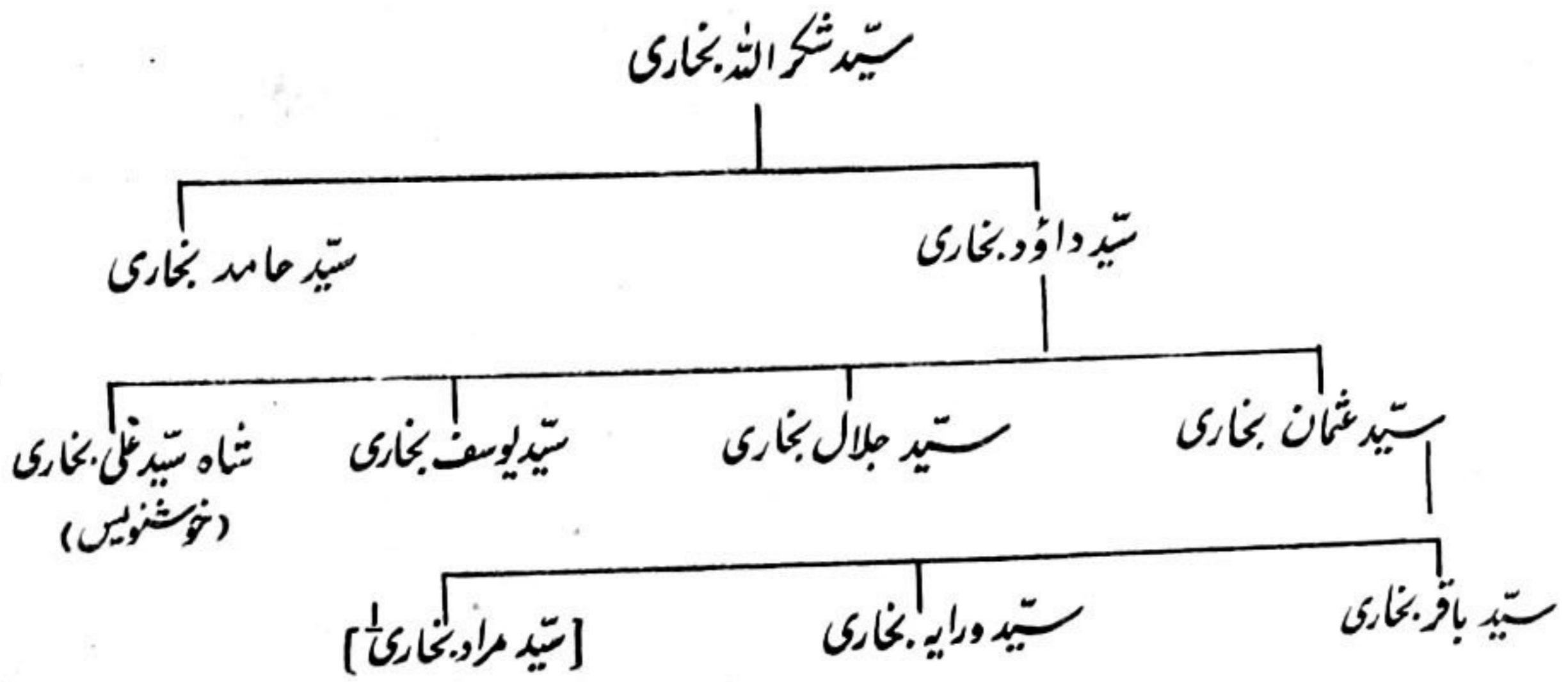
قسمت سوم : شجرہ (نسب و) خلافت

از سید جلال بخاری ، اسد اللہ ، قدس اللہ مرقدہ تا سید باقر بخاری .

سید جلال بخاری ، اسد اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید احمد کبیرا ، موحد حقانی ، قدس اللہ سرہ ،
 میرزا سید جلال جہانیان جہانگشت ، قدس اللہ سرہ ،
 سید محمود ناصر الدین ، قدس اللہ سرہ ،
 سید فیض اللہ ، محبوب سبحانی ، سہم اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید اسماعیل ، سخی اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید راجو (کشف المعانی) ، قدس اللہ سرہ ،
 سید ابراہیم ، قدس اللہ سرہ ،
 سید قطب الدین ، قطب عالم ، قدس اللہ سرہ ،
 سید فضل اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید نظام الدین ، قدس اللہ سرہ ،
 سید راجو (عوث صہبانی) ، قدس اللہ سرہ ،
 سید حاجی حمید (نظام الدین) ، قدس اللہ سرہ ،
 سید شکر اللہ بخاری ، قدس اللہ سرہ ،
 سید داؤد بخاری ، جلیل اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید عثمان بخاری ، ولی اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید باقر بخاری .

شجرہ خاص خانوادہ سید باقر بخاری از سید

شکر اللہ بخاری



شجرہ های بزرگان سلسلہ های دیگر در

جواہر الاولیا

در جواہر الاولیا شجرہ های بزرگان سلسلہ های دیگر نیز آمده است :
 ۱- شجرہ مادہ پدر سید باقر بخاری (یعنی شجرہ سلسلہ قادریہ در اچ گیلانی)؛

۱- نام سید مراد بخاری در جواہر الاولیا نیامده . ولی نام او را میرعلی شیر قانع تنوی در تحفہ اکرام آورده است (رک تحفہ اکرام (ترجمہ دوم) مطبوعہ کراچی ۱۹۵۹ میلادی، ص ۳۷۵) . ۲- ص ۳۶، ۳۷ کتاب حاضر .

در آخر بخش دوم مقدمه یک موضوع خاص را می آوریم که توتبه خوانندگان کتاب جواهر الاولیا را جلب می کند، و آن مربوط است به حسن احتراماتی که سید باقر بن سید عثمان بخاری نسبت به بزرگان اسلاف خود قایل بوده است، و آن را در ضمن استعمال القاب مختلف و متنوعه بانام های بزرگان خود اظهار نموده است:

اینک فهرست القابی که بانام های بزرگان اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در جواهر الاولیا آمده است (و ما این القاب را به ترتیب حروف تمثلی آوریم):

امام الصادقین.	امام القدر یقین.	امام العادلین.	امام العارفین.
امام العاشقین.	امام المتقین.	امام المسلمین.	امام المظهر المعصومین.
امام الموحّدین.	امام المتورعین.	امیر المؤمنین.	اهل السما و الارضین.
بابسط الیدین علی الفقرا.	_____	بحر الحقائق.	بحر المتبحرین.
بدر السالکین.	بدر الکاظمین.	برهان الحق و الدین.	برهان الدوله.
تاج الزاهدین.	جلال الحق و الشرع و الدین.	_____	حاجی الحرمین الشریفین.
رفیع المکان.	رکن الحق و الدین و الدنیا.	_____	رئیس السالکین.
زبدۃ العارفین و الزاهدین.	_____	سائر فی السما و الارضین.	_____
سراج العالمین.	سلطان الاشجعین.	سلطان الاولیا و المتقین.	_____
سلطان البر و البحر.	سلطان الراسخین.	سلطان الراشدین و العارفین.	_____
سلطان المتعبّدین.	سلطان المتقین.	سلطان المقبولین.	_____
سلطان الملت و الهدی.	_____	سلطان الموحّدین.	سلطان الواصلین.
سید السادات.	سید المشائخین.	شمس العارفین.	_____
صاحب العلم و الامرا و الفضلا.	_____	صورت خاتم النبیین.	_____

غوث الاسلام و المسلمین . _____ غوث العالمین _____ فخر السالکین .
 قدوه العارفين . _____ قدوة المتقدمین و التأخرین _____ قدوة الواصلین .
 قطب العارفين _____ قطب العالمین . _____ کاشف اللوح و القلم . _____
 کشف الثقلین من السماء و الارضین . _____ کعبته الواصلین .
 کنز الدقائق _____ مبین الحلال و المحرام _____ محی الشریعة الغرأ .
 مخدوم المتعارفين . _____ مرئی الصادقین . _____ مطلوب الطالبین . _____
 منظر الجلال و الجمال . _____ مقبول القول . _____ ملجأ المحققین .
 نعمان الملت و الدین _____ نور قلوب العابدین و العارفين . _____
 نور قلوب العاشقین _____ نور هدايت الموحدين _____
 وارث الانبیا و المرسلین _____ هادی الموحدين _____

ما القابی را که سید باقر بخاری نا نام پدر خود سید عثمان بخاری آورده است ، در ضمن شرح حال
 سید عثمان بخاری در صفحات گذشته آورده ایم ، و القاب مزبوره در فهرست القاب فوق نیست .



بخش سوم

کتاب جواهر الاولیا

کتاب جواهر الاولیا تألیف سید باقر بن سید عثمان بخاری منقسم است در مقدمه، جواهر ذیل، اضافه کتاب اصلی، و ضمیمه و اضافه دیگر:

مقدمه مختصر در موضوع تألیف کتاب،

جواهر اول: در فضیلت تمام سوره های قرآن و آیات آن که از حضرت (رسول)، صلی الله

علیه و آله و سلم، و اولیای الله تعالی منقول است،

جواهر دوم: در فضیلت نود و نه نام باری تعالی با مؤکلات ها که از بزرگان مندرج شده

است،

جواهر سوم: در فضیلت چهل اسما با مؤکلات، و در فضیلت نود و نه نام حضرت رسول، صلی الله

علیه و آله و سلم، و نام های آبا و اجداد (حضرت) محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله

و سلم، تا (حضرت) آدم، علیه الصلوة والسلام، و حلیه (حضرت) پیغمبر، صلی الله

علیه و آله و سلم، و مہر نبوت النبی، صلی الله علیه و آله و سلم، که از مشائخ

وارد شده است.

جواهر چهارم: در فضیلت درود بر سرور کائنات، صلی الله علیه و آله و سلم، و خرقه خلافت

پیران بخاریان، علیهم الرحمة و الرضوان، و قدم و نعل مبارک حضرت پیغمبر، صلی الله

علیه و آله و سلم، که بزرگان را رحمة الله علیهم، منقول عنه شده است، و

در فضیلت مناجات و ادعیات، و چهل و یک، اسمای یونانی و عربی، و نماز که بر

صورت قبر حضرت پیغمبر، صلی الله علیه و آله و سلم، بگذارد، و ثواب خطبه که روز

جمعه بخواند، و خاصیت خطبه نکاح حضرت آدم و بی بی حوا، علیهما السلام، و

ثواب نمازهای دیگر که از مشائخان هندو سند به تجربه آورده اند.

اضافه کاتب اصلی (محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی)،

ضمیمه کتاب جواهر الاولیا، و

اضافه دیگر به متن کتاب جواهر الاولیا.



موضوعات کتاب جواهر الاولیا

کتاب جواهر الاولیا از لحاظ موضوعات دارای دو جنبه ذیل می باشد:

یکی جنبه ظاهری، و

دیگری جنبه باطنی و معنوی

جنبه ظاهری کتاب جواهر الاولیا، چنان که از عنوانات جواهر آن معلوم می گردد، دعاها

و وردها می باشد،

و زیرا که دعاها و وردهایی که در این کتاب آمده است، مؤلف کتاب آن ها را به عنوان

"جواهر" آورده است.

و مقصود از "جواهر" این کتاب در حقیقت "جواهر الفاظ" دعاها و وردها می باشد که از زبان

اولیا بیرون آمده است، و هم چنان که جواهر اصلی بسیار گران بها و بی مانند می باشد، "جواهر الفاظ"

دعاها و وردها نیز از لحاظ اهمیت تأثیر بسیار گران بها و بی نظیر است.

و عموم مردم، چه در ادوار گذشته و چه در دور حاضر، به مؤثر بودن دعاها و وردها در

مواقع بیماری ها و مصیبت ها و یا برای حصول حاجت های دنیوی و تکمیل خواهش های روحانی

یقین کامل دارند.

و در هم چنین مواقع به بارگاه های اولیا و بزرگان و صوفیان و مرشدان می روند، و

برای چاره های دردها و یا برای حصول حاجت های مختلف انواع دعاها و وردها می گیرند، و بر آنها

عمل آورده، به مقصودهای خود می رسند.

گویا رسم های دعا و ورد گرفتن از قرن ها جاری بوده، و در عصر حاضر نیز ادامه دارد.

و زیرا که امور مزبوره متعلق به احوال و کیفیات اجتماعی است، و محتویات کتاب جواهر الاولیا

از لحاظ جنبه ظاهری مربوط به اجتماع می باشد، بدین مناسبت کتاب جواهر الاولیا را می توان کتاب "علم

الاجتماع" قرار داد.

جنبه باطنی و معنوی کتاب جواهر الاولیا به مطالعه خاص و بررسی دقیق مطالب آن معلوم می‌گردد. در این کتاب در ضمن دعاها و وردها نام صدها اشخاص مختلف الاعمال و مختلف الافکار، و به خصوص نام صدها مؤلفین ادوار گذشته با نام‌های تألیفات آنان در موضوعات مختلف و متنوع آمده است، که موجب تعجب خوانندگان کتاب جواهر الاولیا می‌باشد.

و بدین لحاظ کتاب جواهر الاولیا که علاوه بر دعاها و وردها یک نوع مخزن معلومات علمی و ادبی است، و آن را می‌توان "مختصر دائرة المعارف" گفت.

و قبل از این که ما به ذکر تفصیلات دو جنبه فوق بپردازیم، دو موضوع ذیل را بیان می‌نمایم،

یکی: منابع جواهر الاولیا که مؤلف کتاب نام‌های آن‌ها را در متن کتاب به صراحت

آورده است؛ و

دوم: دور نامی تاریخی دوره تألیف جواهر الاولیا.

منابع جواهر الاولیا

که نام‌های آن‌ها در این کتاب به صراحت آمده است

در ضمن ذکر منابع جواهر الاولیا که نام‌های آن‌ها در این کتاب به صراحت آمده است، لازم است ذکر کتاب خانه شخصی مؤلف کتاب سید باقر بن سید عثمان بخاری بیاریم، که به طور قطعی و بیقین کامل در منزل او بوده، و مؤلف کتاب در دوره تألیف آن از کتاب‌های کتاب‌خانه شخصی خود استفاده نموده است.

و سید باقر بن سید عثمان بخاری موضوع مزبوره را در مقدمه مختصر کتاب جواهر الاولیا آورده است، چنان که می‌گوید:

"چون این ضعیف فائده چند از پدر خود و از کتاب‌های معتبر و از اورادهای مشائخان

بزرگ و بعضی در سیر عالم و بعضی در چله‌ها از بزرگان و اولیای مرموم (۱)

در مجلس حضرت رسول اللہ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہ و سلم، دیده و شنیده بودم، جمع کردم از برای عوام خلق^۱۔

و ناگفته نماند که کتاب خانہ شخصی سید باقر بن سید عثمان بخاری بدین لحاظ نیز دارای بسیار اہمیت بوده کہ در آن بعضی از کتاب های نادر و کمیاب کہ بخط خود مؤلف بوده، در آن کتاب خانہ موجود بوده است، و بیان ذیل از جانب سید باقر بن سید عثمان بخاری بر این معنی شاعدمی باشد:

فقیر (سید باقر بن سید عثمان بخاری) در حاشیہ عمل ایوم و اللیلہ، کہ بہ خط مصنف (ابوزکریا یحییٰ بن شرف النووی متوفی در ۶۷۶ هجری / ۱۲۷۷ میلادی) بود، دیده است کہ حدیث مرفوع نوشتہ^۲ در ضمن بیان وقایع تاریخی خانوادہ سید باقر سید عثمان بخاری در صفحات گذشتہ گفته ایم کہ خانوادہ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در نتیجہ نزاعاتی کہ بعد از وفات سید راجو قتال بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری، در سال ۸۲۷ هجری / ۱۴۲۴ میلادی در میان خانوادہ های مختلف اخلاف سید جلال بخاری در اُچ بخاری برای بہ دست آوردن منصب جانشینی (و بہ اصطلاح پاکستان سجادہ نشینی) و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ وقوع پیوستہ بود، از جنگ و جدال ها کنارہ گرفته بود، و اعضای خانوادہ مزبورہ سلسلہ جداگانہ سادات بخاری را تأسیس نموده، و بہ انجام وظایف راهنمایی و ہدایت مردم را بہ دین اسلام مشغول شدند، و اوقات فرصت را بہ کار تصنیف و تألیف کتب می گذرانیدند، چنان کہ از آثار متعدّدہ ای کہ در زبان فارسی از خود بہ یادگار گذاشتند، ظاہر است۔

و نیز ظاہر است کہ کار تصنیف و تألیف کتب بدون مراجعہ بہ منابع انجام نمی پذیرد، و برای منابع لازمہ کتاب خانہ مجتہزی نیز لازم است،

و چنان کہ از منابع جواهر الاولیا کہ نام های آن ها بہ صراحت در این کتاب آمدہ است، شاعدمی است بر این معنی کہ در خانوادہ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری کتاب خانہ مجتہزی موجود است، و از اعضای خانوادہ مزبورہ، کہ صاحبان علم و فضل بودند، و ذوق خاصی بہ تصنیف و تألیف کتب می داشتند، بدون هیچ شبہہ ای از کتاب های کتاب خانہ خانوادگی خود استفادہ می نمودند۔

و در ضمن این نگارنده مقدمہ بار دیگر اظہار تأسف می نماید و می گوید: "در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در اُپتج بخاری با وجود کوشش بسیار نتوانستم با اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری تماس بگیرم و کتاب خانہ خانوادگی آنان را ببینم."

فہرست منابع جواہر الاولیا کہ ذکر آن ها در این کتاب بہ صراحت آمدہ است، (و نام های منابع را بہ ترتیب حروف تہجی آوردیم):

- | | | |
|------------------------------|-------|--|
| ۱- ابطال منہج ابطال | تالیف | شیخ فضل اللہ روز بہان بن فضل اللہ بن محمد الشنتی المنجی. |
| ۲- احیاء العلوم (الدین) | " | امام ابو حامد محمد غزالی. |
| ۳- اذکار الصالحین | " | ؟ |
| ۴- اکبر جلالی | " | سید باقر بن سید عثمان بخاری. |
| ۵- الفرج بعد الشدة و المضيقة | " | ابو علی المحسن بن علی معروف بہ قاضی التنوخی. |
| ۶- انوار الاولیا | " | ؟ |
| ۷- انوار العابدین | " | ؟ |
| ۸- اوراد چشتیہ | " | شیخ عبدالرحمن علوی عباسی چشتی. |
| ۹- اوراد عظیم | " | شیخ فضل اللہ بن ضیاء الدین العباسی. |
| ۱۰- باقر الانوار | " | سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری. |
| ۱۱- باقر المرادات | " | سید باقر بن سید عثمان بخاری. |
| ۱۲- بحر الانوار | " | سید جلال بن سید داؤد بخاری. |
| ۱۳- بحر العجائب | " | سید عثمان بن سید داؤد بخاری. |
| ۱۴- بستان البخاری | " | سید یوسف (بن سید احمد) ماوراء النہری. |
| ۱۵- تفسیر بخاری | " | سید شمس الدین بخاری گجراتی. |
| ۱۶- تفسیر ... | منسوب | امام حسن بن علی العسکری. |
| ۱۷- جامع العلوم | مرتبہ | سید ابو عبد اللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف |

بن علی القریشی الحسینی .		
ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سوریہ الترمذی .	تالیف	۱۸- جامع ترمذی
سید جلال بن سید داؤد بخاری .	"	۱۹- جواہر البخاری
(شیخ حاجی حمید معروف بہ) شیخ محمد غوث .	"	۲۰- جواہر خمسہ
ابوبکر بن محمد بن علی بن محمد الترمذی العبادی الہمینی .	"	۲۱- جوہرۃ النیرۃ (شرح مختصر القدوری)
؟	"	۲۲- حدائق الاخبار
شیخ شہاب الدین البحرہینسی مکی .	"	۲۳- حُسن التوسل فی زیارۃ اکرم الرسل
سید جلال بن سید داؤد بخاری .	"	۲۴- خزائن البخاری
مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت .	"	۲۵- خزائن الجلالی
امام ابو حامد محمد الغزالی .	"	۲۶- خلاصۃ التقانیف
سید باقر بن سید عثمان بخاری .	"	۲۷- خمس الانوار
سید شمس الدین بخاری گجراتی .	"	۲۸- راحت البخاری
سید محمود ناصر الدین بخاری .	"	۲۹- راحت البخاری
مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت .	"	۳۰- راحت الجلالی
سید شرف الدین مشہدی .	"	۳۱- رسالہ —
اختیار بن غیاث الدین الحسینی .	"	۳۲- رسالہ جیبیہ
		۳۳- رسالہ سوال و جواب
سید یوسف محمد .	مرتبہ	مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت
مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت	تالیف	۳۴- رسالہ کنز العارفین
؟	"	۳۵- رسالہ گلشن
محمد دارا شکوہ .	"	۳۶- سفینۃ الاولیا
		۳۷- سلسلۃ الذهب
؟	"	(شجرہ منظوم بخاریان)

تالیف	حامد بن فضل اللہ جمالی .	۳۸- سیر العارفين
؟	"	۳۹- شجرۃ ایلان
؟	"	۴۰- شجرۃ العالم
ملا محمد بن ابراہیم بن محمد چلی .	"	۴۱- شرح صغیر مینۃ المصلی
شیخ عبدالحق (محدث وھلوی) .	"	۴۲- شرح مشکوٰۃ
محمد بن ابی بکر معروف بہ امام زادہ الخنفی .	"	۴۳- شرعۃ الاسلام
؟	"	۴۴- شرف الاولیا
مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی .	"	۴۵- شواہد التبتوۃ
مولانا نامی .	"	۴۶- محبوبہ
ابوزکریا یحییٰ بن شرف النووی .	"	۴۷- عمل الیوم و اللیلہ
شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برھان پوری .	"	۴۸- عین المعانی
شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برھان پوری .	"	۴۹- فتوح الاوراد
شیخ محی الدین ابن العربی .	"	۵۰- فتوحات مکیہ
حافظ الدین ابوالبرکات عبداللہ نسفی .	"	۵۱- فضائل الاعمال
خواجہ نصیر الدین طوسی .	"	۵۲- فواید —
سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری .	"	۵۳- فوائد البخاری
؟	"	۵۴- کشف الکرامات
سید یوسف بن سید احمد ماوراء النہری .	"	۵۵- کنز الانوار
شیخ صنیا شہاب نصیر کمال .	"	۵۶- کنز المعرفۃ
شیخ مشرف الدین مصلح بن عبداللہ سعدی شیرازی .	"	۵۷- گلستان
مرتبہ نظام الدین بینی ملقب بہ نظام حاجی غریب الیمینی .	مرتبہ	۵۸- لطایف اشرفی

تألیف	سید عثمان بن سید داؤد بخاری .	۵۹ - مجموع البخاری
"	حافظ الدین ابو البرکات عبداللہ نسفی .	۶۰ - مدارک التنزیل
"	ولی الدین ابو عبداللہ محمد بن عبداللہ خطیب تبریزی .	۶۱ - مشکوٰۃ المصابیح
"	ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی الشافعی .	۶۲ - مصابیح (اصل مشکوٰۃ)
"	شیخ شرف الدین احمد بن یحییٰ منیری .	۶۳ - معدن المعانی
"	سید یعقوب بن سید علی .	۶۴ - مفاتیح الجنان (شرح شرعۃ الاسلام)
"	محمد بن مجیر بن وجیہ الدین .	۶۵ - مفاتیح الجنان
"	؟	۶۶ - مقصود القاصدین
"	(شیخ شکر اللہ معروف بہ) شیخ بھنبو بن شیخ ممتن بن شیخ مراد قادری .	۶۷ - مقصود المریدین
"	شیخ شرف الدین احمد بن یحییٰ منیری .	۶۸ - مکتوبات
"	امام ابو حامد محمد غزالی .	۶۹ - منهاج العابدین
"	سید عثمان بن سید داؤد بخاری .	۷۰ - مونس البخاری (خرد)
"	سید عثمان بن سید داؤد بخاری .	۷۱ - مونس البخاری (کلان)
"	شیخ محمود بن محمد بن محمود درگزینی .	۷۲ - نزل السائرین

دورنمای تاریخی دورہ تألیف کتاب جواهر الاولیا

اشاراتی در بارہ دورہ تاریخی تألیف کتاب جواهر الاولیا در متن این کتاب کم آمدہ است، و بہ طور قطعی نمی توان گفت کہ سال های آغاز و انجام این کتاب چہ بودہ است ؟

اکنون اشاراتی را کہ در این زمینہ در متن جواهر الاولیا آمدہ است، در ذیل می آوریم:

۱- سید باقر بن سید عثمان بخاری در آخر شرح مخفّری از وقایع زندگانی مخدوم سید جلال جہانیاں ^{نگشت} جہانیاں

کہ از کتاب سفینۃ الاولیا تالیف محمد دارا شکوہ گرفته است، می گوید:

"نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیف سلطان محمد دارا شکوہ برادر اورنگ زیب پادشاه"^۱

۲- سید باقر بن سید عثمان بخاری در آخر شرح مخفّری از وقایح زندگانی:

(ا) سید برهان الدین ملقب به "قطب عالم" گجراتی، و پسر او

(ب) سید محمد ملقب به "شاه عالم" گجراتی،

کہ از سفینۃ الاولیا تالیف محمد دارا شکوہ گرفته است، در ضمن کرامات هر یک حکایتی از سفینۃ الاولیا نیز در جواہر الاولیا آورده است، و در آخر حکایتی کہ مربوط بہ سید برهان الدین ملقب به "قطب عالم" می باشد، جملہ ذیل در سفینۃ الاولیا آمده است

"و تا امروز کہ سال ہزار و چہل و نہ ہجری است (آن چیز یعنی نشانی کرامت سید برهان الدین ملقب به قطب عالم) نزد فرزندان ایشان در احمد آباد کہ مسکن ایشان بود، موجود است"^۲
و در آخر تاریخ های ولادت و وفات سید برهان الدین ملقب به قطب عالم و سید محمد ملقب به "شاه عالم" سید باقر بن سید عثمان بخاری جملہ ذیل را در دو جا در جواہر الاولیا آورده است:

"نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیف سلطان محمد دارا شکوہ برادر اورنگ زیب پادشاه"^۳

محمد دارا شکوہ در سفینۃ الاولیا در ضمن حکایتی کہ مربوط بہ نشانی کرامت سید برهان الدین ملقب به "قطب عالم" می باشد سال ہزار و چہل و نہ ہجری را سال بیان حکایت گفته است، و سال تکمیل سفینۃ الاولیا نیز "ہزار و چہل و نہ ہجری" می باشد!

و ظاہر است کہ نسخہ خطی کتاب سفینۃ الاولیا، کہ تالیف آن در سال ۱۰۳۹ ہجری / ۱۶۳۹ میلادی تکمیل یافته است، در موقع تالیف کتاب جواہر الاولیا در دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بود!

۱- ص ۱۱ کتاب حاضر. ۲- ص ۱۷ کتاب حاضر. ۳- ص ۱۷ و ۱۸ کتاب حاضر.

۴- سفینۃ الاولیا تالیف محمد دارا شکوہ، (ترجمہ اردو) مطبوعہ کراچی، ۱۹۵۹ میلادی، ص ۷۷.

و او در بیان وقایع سه نفر ذیل از آن کتاب استفادہ نموده است :

- ۱- مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت ،
- ۲- سید برہان الدین ملقب بہ "قطب عالم" گجراتی ، و پسر او
- ۳- سید محمد ملقب بہ "شاہ عالم" گجراتی .

از اشارت فوق بہ اثبات می رسد کہ آغاز تألیف کتاب جواہر الاولیا بعد از سال ۱۰۴۹ ہجری /

۱۴۳۹ میلادی بوده است .

و اگر از جملہ ذیل :

"نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیف سلطان محمد داراشکوہ برادر اوزنگ زیب پادشاہ .
کلمات "اوزنگ زیب پادشاہ" را در نظر بگیریم ، و کلمہ "پادشاہ" را دلیل بیاوریم ، آغاز تألیف کتاب
جواہر الاولیا بعد از آغاز پادشاہی اوزنگ زیب یعنی ۱۰۶۹ ہجری / ۱۶۵۹ میلادی ، کہ سال جلوس او بر تخت
سلطنت می باشد ، بوده است .

علاوہ برین در متن کتاب جواہر الاولیا در پنج جای ذیل ذکر پنج سال مختلف آمدہ است کہ
مربوط است بہ امور زندگانی خود سید باقر بن سید عثمان بخاری :

۱- "و نیز فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُچ بخاریان در روضہ جد خود سلطان العارفين سلطان
سید جلال بخاری ، قدس اللہ سرہ ، بہ تاریخ بیست و پنجم شہر رمضان المبارک سنہ یک ہزار و ہفتاد
(۱۰۷۰) ہجری در اعتکاف بعد از نماز تہجد از حضرت محمد مصطفی ، صل اللہ علیہ و آلہ وسلم ، شنیدم کہ :
ای فرزند من !"

۲- "فقیر سید باقر بن مرحوم و مغفور میران سید عثمان بخاری ، قدس اللہ سرہ ، گاہی چیل
روز و گاہی دہ روز آخر در ہر ماہ رمضان بہ اعتکاف نشستن عادت داشتہ ، و ماہ رمضان
۱۰۹۲ ہجری بود ، پناہ بر آن کہ خالوی فقیر از این عالم چیل شد ، اعتکاف مذکور از دست من فوت

۱- "طبقات سلاطین اسلام" تألیف استانیلین پول و ترجمہ فارسی از عباس اقبال ، مطبوعہ طہران ، ۱۳۱۲ شمسی ، ص ۲۹۷ .

۲- ص ۵۴۹ کتاب حاضر .

شد. عوض آن در آخر ماه ربیع الثانی سنه ۱۰۹۳ هجری به خواندن دعوت سیف الله در مسجد خود در محله تندسر نزدیک کار پوشان دف نواز به همین مسجد به اعتکاف نشستیم^۱.

۳- "و نیز نقل است از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمه الله تعالی و ابقاه و زید عمره که در شب دوشنبه هشتم جمادی الثانی سنه ۱۰۹۸ هجری از حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله و سلم، شنیدیم^۲."

۴- "و نیز نقل از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمه الله تعالی و ابقاه و زید عمره، که در سنه مذکوره (یعنی ۱۰۹۸ هجری) من شنیدم از مجلس حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله و سلم^۳."

از ذکر سال حاتی که در عبارات فوق آمده (یعنی ۱۰۷۰، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹ هجری / ۱۷۶۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۷ میلادی) ظاهری گردد، که سید باقر بن سید عثمان بخاری تا سال ۱۰۹۸ هجری / ۱۷۸۷ میلادی زنده بوده، و تألیف کتاب جواهر الاولیا ادامه داشته است.

از تمام مطالبی و شواهدی که درباره تعیین دوره تألیف کتاب جواهر الاولیا در صفحات گذشته آمده است، بدین نتیجه می رسیم که:

تألیف کتاب جواهر الاولیا در نیمه دوم قرن یازدهم هجری / نیمه دوم قرن هفدهم میلادی بعمل آمده است.

و نیمه دوم قرن یازدهم هجری / نیمه دوم قرن هفدهم میلادی دوره حکومت دو نفر از سلسله شاهنشاهان مغول تیموریه بوده است، یعنی

- ۱- شاهجهان بن جهانگیر (از ۱۰۳۷ تا ۱۰۶۸ هجری / از ۱۶۲۸ تا ۱۶۵۸ میلادی).
 - ۲- اورنگ زیب بن شاهجهان (از ۱۰۶۹ تا ۱۱۱۹ هجری / از ۱۶۵۹ تا ۱۷۰۷ میلادی).
- اکنون به تفصیل دو جنبه کتاب جواهر الاولیا می پردازیم، یعنی:

۱- جنبه ظاهری، و

۲- جنبه باطنی و معنوی.

۱- ص ۲۳۹ کتاب حاضر. ۲ و ۳- ص ۳۳۳ کتاب حاضر.

۱۔ جواہر الاولیا از لحاظ جنبہ ظاہری

قبل از این کہ بہ ذکر جنبہ ظاہری کتاب جواہر الاولیا، یعنی دعاہا و وردہا، و بہ عمل آوردن آن ہا پردازیم، لازم می دانیم محقری از محیط اجتماعی دورہ تألیف کتاب جواہر الاولیا را بیان نماییم، و دورہ تألیف کتاب جواہر الاولیا، چنان کہ در صفحہ گذشتہ آمدہ است، دورہ حکومت دو نفر از شاہنشاہان مغول تیموریہ، شاہجہان بن جہانگیر و اوزنگ زیب بن شاہجہان د یعنی قرن یازدہم ہجری / قرن ہفتم میلادی) بودہ است۔

در دورہ حکومت شاہنشاہان مغول تیموریہ مردم شہ قارہ پاکستان و ہند در سہ طبقہ ذیل منقسم بودہ اند :

طبقہ اول : مشتمل بودہ است بر :

- ۱۔ پادشاہ وقت و خانوادہ سلطنتی،
- ۲۔ وزیران و امیران دربار شاہنشاهی،
- ۳۔ استانداران،
- ۴۔ صاحب منصبان عالی رتبہ نظامی و کشوری در مرکز حکومت و در استان ہا،
- ۵۔ امیران محلی (دارای املاک وسیعہ)۔

طبقہ دوم : مشتمل بودہ است بر :

- ۱۔ جاگیرداران (بہ اصطلاح شہ قارہ کسانی کہ در دورہ حکومت شاہنشاہان مغول تیموریہ در ازای خدمت بہ دولت املاک دائمی و یا تا آخر حیات بہ عنوان انعام می یافتند، و زندگانی مرفہ الحالی می گذرانیدند)۔
- ۲۔ زمین داران، بہ اصطلاح شہ قارہ کسانی کہ در دورہ حکومت شاہنشاہان مغول تیموریہ دالای اراضی می بودند، و وظیفہ تحصیلاری یا جمع آوری مالیات را بہ عمدہ خود می داشتند۔

و آنان مالیات اراضی مزبور را جمع آوری نموده به خزانه داری کتلی دولت می پرداختند، و در عوض آن دولت از پول همان مالیات به حساب صدی چند به عنوان پاداش به آنان می داد، و بنا بر این آنان نیز زندگی خود را به آسودگی بسر می بردند.

۳- تاجران شهرها و قریه های بزرگ که در نتیجه گران فروشی کالاهای خود منفعت معتنا به می یافتند.

۴- صوفیان و مُرشدان که دارای املاک زیاده به عنوان اوقاف می بودند، و عایدات کافی از املاک اوقاف می داشتند،

۵- اهل حرفه های خاص از قبیل طبیبان شهرها و قریه های بزرگ که از معالجه بیماران درآمد خاصی می داشتند.

طبقه سوم؛ مشتمل بوده است بر:

۱- عوام الناس از قبیل کشت کاران بی ملک و کارگران و رنج بران که عمر

خود را زیر زور و غلبه افراد طبقه اول و دوم در کارهای پر زحمت و دشواری گذرانیدند، و حاصل زحمات خود را بر افراد طبقه اول و دوم می سپردند.

۲- مردم فقیر و بی چاره و بی خانمانی که در حالت بی چارگی و نیازمندی به ملک و یاری مالی دیگران از نوع صدقه و خیرات می زیستند.

محتویات کتاب جواهرالاولیا مربوط به طبقه اول و دوم نیست، و تنها دارای چاره دردهای عوام الناس یعنی افراد طبقه سوم می باشد.

اکنون به شرح محیط اجتماعی افراد طبقه سوم دوره تألیف کتاب جواهرالاولیا می پردازیم: ناگفته نماند که جمعیت بیشتری از مردم طبقه سوم در ده های دور دست و قریه ها در میدان ها و جلگه های وسیعی یا سواحل رودخانه ها، و یا در نواحی کوهستانی زندگی می کردند. آنان از بیشتری از وسایل زندگی، از قبیل تهیه و تدارک چاره ها برای دفع مشکلات زندگی و یا برای تکمیل حاجت های دنیاوی، که اهالی شهرها و قریه های بزرگ از آن ها استفاده می نمودند، به کلی محروم و بی بهره بودند.

و نه تنها این که افراد طبقه سوم از حصول وسایل زندگانی بهتری محروم می بودند، بلکه بیشتری از آنان به انواع بیماری ها مبتلا و به مصائب و مشکلات گوناگون مواجه می شدند.

و علاوه بر این به سبب نه بودن بیمارستان ها و طبیبان باسواد از چاره بیماری های خبر و به سبب عدم وسایل رفاه عامه از رفع مشکلات زندگانی خود عاجز بودند.

کتاب جواهر الاولیا که محتویات آن دارای انواع احوال و کیفیات افراد طبقه سوم یعنی "عوام الناس" می باشد، برای افاده افراد همین طبقه تالیف یافته است،

چنان که سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلف جواهر الاولیا در مقدمه مختصر این کتاب می گوید:

"چون این ضعیف فائده چند از پدر خود و از کتاب های معتبر و اوراد های مشائخان بزرگ و بعضی در سیر عالم و بعضی در چلهها از بزرگان و اولیای مرحوم (و) در مجلس حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، دیده و شنیده بودم، جمع کردم از برای عوام خلق؛^۱

و مؤلف جواهر الاولیا در همین زمینه در همان مقدمه مختصر اضافه می نماید، و می گوید:

"این فقیر به قدر خویش هر چه عربی بود به پارسی در قلم آوردم، تا عوام الناس و فرزندان ایشان درین رغبت نمایند، و از فائده بی بهره نمانند، و مواظبت کنند، تا به مطالب و مقاصد داین برسند، و فقیر را به فاتحه یاد کنند؛^۲

از انواع احوال و کیفیات عوام الناس که در کتاب جواهر الاولیا آمده است، از همه مهم تر چهار نوع ذیل است:

- ۱- بیماری های شخصی و عمومی و چاره آن ها،
- ۲- مصیبت های انفرادی و اجتماعی و وسایل رفع آن ها،
- ۳- حاجت های دنیاوی و وسایل برای برآوردن آن ها،
- ۴- خواهش های روحانی و وسایل حصول آن ها.

اکنون به شرح هر یک از احوال و کیفیات چهارگانه فوق می پردازیم:

۱- بیماری های شخصی و عمومی و چاره آن ها

بیشتری از بیماری های شخصی و عمومی در رده های دوردست در محیط کثیف و ناصاف به سبب تولید و افزایش انواع جراثیم به ظهور آمده از یک جا به جا های دیگر سرایت می کند، و چنان که در صفحه گذشته گفتیم، به سبب نه بودن بیمارستان ها و طبیبان با سواد از سرایت آن ها جلوگیری نمی شود.

در دوره قدیم طبیبانی که در رده ها به معالجه بیماران می پرداختند، درس نخوانده، و فقط با نام چند نوع داروهای گیاهی آشنایی بودند، و هر نوع بیماری را با همان داروهای گیاهی معالجه می نمودند. و اگر بیماری به معالجه طبیب دهاتی شفا می یافت، از تاثیر دارو حاکم و زیاده بر عقیده بر معالجه می بوده است، و در بعضی اوقات آنان با داروهای ناجور پیمان را به گورستان نیز می فرستادند. و اوضاع احوال و کیفیات افراد طبقه سوم در رده ها بدینسان از قرن ها به همین منوال بوده است. و جای تعجب نیست اگر بگوئیم که بعد از قرن ها در عصر حاضر نیز مردم دهاتی یعنی افراد طبقه سوم از وسایل معالجه های صحیح و کامل محروم می باشند، و مجبور اند در صورت بیماری ها در دست طبیبان بی سواد دهاتی گرفتار شوند.

و نگارنده مقدمه در یکی از دهات بخش راولپندی (در استان پنجاب) دستور (نسخه به اصطلاح طب در پاکستان) طبیب بی سواد دهاتی را که بر بالین بیمار برای دفع بیماری نوشته بود، به چشم خود دیدم که طبیب املاء صحیح کلمه "جوشانده" را نمی دانست، و آن را "دوشانده" نوشته بود. و بعضی از افراد طبقه سوم که در حالت بیماری برای معالجه پیش طبیب دهاتی هم نمی رفتند، و اعتقاد بر تاثیر دعاها و وردها می داشتند، به بارگاه صوفیان و مُرشدان می رفتند، و برای دفع بیماری های شخصی و عمومی از مُرشدان خود دعاها و وردها می گرفتند، و به عمل می آوردند. و زیرا که آنان عقیده کاملی بر دست شفا بخش مُرشدان خود می داشتند، به عمل آوردن دعاها و وردها در دفع بیماری ها موفق می گردیدند.

و عمل های مزبور در دهات دور دست در عصر حاضر نیز جاری می باشد.
 اینک فهرست بیماری های شخصی و اجتماعی افراد طبقه سوم که در جواهرالاولیا آمده است (و ما
 نامهای بیماری ها را به ترتیب حروف تہجی آوریم):

فهرست بیماری های شخصی و اجتماعی

ضعف دندان.	درد شکم.	باد (نوعی از آتشک).
عذاب بحر.	درد گوش.	باطل شدن میل مردی.
غم و اندوه.	درد هر قسم.	برص.
فرا موشی.	دوبل	بو اسیر.
قولنج.	ریزش آب از چشم.	ترسیدن کودک از سایه (جن و پری).
کمی روشنائی چشم.	ریزش آب از دهن.	تلخی زهر (عمومی).
کمی مردی.	زحمت بدر آمدن دندان طفل.	تلخی زهر مار و عقرب.
کمی موی سر.	زشتی روی.	جراحت.
گرسیتن کودک.	زیادای بلغم.	درد پا.
مردی بستن.	سختی کار بدنی.	درد پهلوی.
موی زیاد در چشم.	سرگردانی.	درد چشم.
نا توانی.	سفیدی چشم.	درد دل.
وحشت.	صرع	درد سر.



۲- مصیبت های انفرادی و اجتماعی و وسایل

دفع آن ها

افراد طبقه سوم در دوره قدیم در اکثر احوال و اوضاع به انواع مصیبت های انفرادی و اجتماعی گرفتار می شدند، و از وسایل دفع آن ها عاجز و محروم می بودند.

بعضی از مصیبت های مهمی را که ذکر آن ها در جواهرالاولیا آمده است، در ذیل می آوریم:

(ا) مصیبت های انفرادی:

۱- ترس از دشمنان زبردست و زورمند که نسبت به مصیبت های دیگر شدیدتر بوده است،

۲- ضرر از دزدان و راه زنان که مردم دهاتی در اکثر اوقات هفت دزدی و راه زنی آنان می شدند،

۳- ضرر از درندگان از قبیل شیر و گرگ و کفتار، و این نوع ضرر به کسانی بوده است که در نواحی کوهستانی می زیستند،

۴- ضرر از گزندگان و حشرات موزی از قبیل مار و عقرب، و

۵- ضرر از چرندگان وحشی و پرندگان که برکشت ها و باغ های آنان هجوم می آوردند.

(ب) مصیبت های اجتماعی:

۱- ترس از پادشاهان ظالم،

۲- ترس از امرای ظالم محلی،

۳- ترس از حاکمان ظالم،

۴- ترس از قید و بند در نتیجه دشمنی و سعایت دشمنان.

۵- ضرر از وبادر چهار پایان و مویشی، و

۶- ضرر از بلاهای ناگهانی از قبیل قحط و وبا.

افراد طبقه سوم در ده های دور دست هیچ گونه وسایلی برای دفع مصیبت های انفرادی و اجتماعی نداشتند، و در اکثر اوقات در این نوع احوال و اوضاع بی چاره و سرگردان می شدند، و اوقات زندگانی خود را در تنگی و فشار و بد حالی می گذرانیدند.

و آخرین پناه گاه آنان بارگاه صوفیان و مرشدان بوده است. چنان چه آنان پیش صوفیان و مرشدان می رفتند، و وسایل دفع مصیبت ها به صورت دعاها و وردها می گرفتند، و به عمل می آوردند.

و رسم دفع مصیبت های انفرادی و اجتماعی در ده های دور دست از قرن ها همین بوده است. و نگارنده مقدمه در یکی از ده های بخش جهلم (در استان پنجاب) به چشم خود دیده که وبای برواشی ده حمل کرده، و تمام چهار پایان و مواشی به بیماری آماس و سوزش دهن و پاها گرفتار شدند، و از خوردن و خوراک و رفت و آمد باز ماندند.

تا این که دو سه نفر از مردم ده پیش مرشدی که در ده دیگر زندگی می کرد، رفتند، و او را بر اسب سوار کرده، به ده خود آوردند.

چنان چه به فرمان مرشد تمام چهار پایان را به زور بیرون ده در میدانی آوردند. مرشد برای دفع و با تادیر دعاها و وردها خواند، و بر چهار پایان دید، و نیز آب دم زده بردهن ها و پاها را چهار پایان پاشید، و به ده خود مراجعت نمود.

و بعد از چند روز چهار پایان از و با نجات یافتند.

و این نوع عمل ها در عصر حاضر نیز ادامه دارد، زیرا مردم دهاتی نسبت به معالجه دم پزشکان بر دعاها و وردهای صوفیان و مرشدان اعتقاد بیشتری می دارند.

اینک فهرست انواع مصیبت های انفرادی و اجتماعی که در کتاب جواهر الاولیا آمده است:

ترس از دشمنان جابر.	ترس از زخم و خشم پادشاه.	ترس از غم و غمگینی.	ترس از دشمنان.	ترس از خواب های آشفتگی.
آفت بر طفل.	آفت بر غله و زراعت و میوه.	آفت در گوسفندان.	اندیشه (ترس).	بلاهای دنیا.
ترس از امرای ظالم محلی.	ترس از بند و زندان.	ترس از حاکمان ظالم.		

غرق شدن در آب.	ضرر از جن و پری.	خیالات فاسده.
غلبه خلایق.	ضرر از چرندگان وحشی و پرندگان.	دروستی (مفلسی).
فقر و فاقه.	ضرر از وزدان و راه زنان.	رسوائی دنیا.
قحط در حضر و سفر.	ضرر از گزندگان چون مار و عقرب.	سستی و درماندگی در کار.
گرسنگی و تشنگی در سفر.	ضرر از وبا در چهارپایان.	شر بدگویان و دشمنان و نمازان.
محتاجی به خلق.	عادت بخل.	شر زنان بدخواه.
مکر مکاران.	عادت بد فعل.	شر شیطان.
ویرانی باغ و بوستان.	عادت دروغ گویی.	شر فلک.
ویرانی خانه.	عادت شک و شبیه.	ضرر از بلاهای ناگمانی.
ویرانی دکان.		ضرر از درندگان چون شیر و گرگ و کفتار.

۳- حاجت های دنیاوی و وسایل برای بر آوردن آن ها

در این دنیای داد و ستد افراد هر طبقه در محیط خود همیشه محتاج و نیازمند به حاجت های دنیاوی به یک دیگر بوده اند و می باشند، و احتیاج و نیازمندی مردم هر طبقه یک امر طبیعی می باشد، چنانچه افراد هر طبقه می خواهند به هر وسیله ای که باشد، حاجت های خود را بر آورند.

در باره افراد طبقه اول و دوم می توان گفت که آنان، چه در دوره قدیم و چه در دوره حاضر، برای بر آوردن حاجت های دنیاوی خود به مشکلات روبرو نمی شدند و نمی شوند، زیرا آنان همیشه دارای وسایل لازم برای بر آوردن آن ها بوده اند، و می باشند، و توسط وسایل لازم حاجت های خود را بر می آورند، و اکنون نیز بر می آورند.

البته افراد طبقه سوم، چه در دوره قدیم و چه در دوره جدید، حاجت های دنیاوی زیاد می داشتند و می دارند، ولی بدبختانه برای برآوردن آن ها وسایل لازم نمی داشتند و نمی دارند، و اگر بر حسب اتفاق در بعضی جاها وسایل موجود بوده است، از دست رس آنان دور بوده است.

در باره برآوردن حاجت های دنیاوی باید بگویم که بیشتری از آن ها را به وسایل مادی می توان برآورد، ولی متأسفانه بیشتری از افراد طبقه سوم در دوره قدیم وسایل مادی نداشتند، و بدین سبب از برآوردن حاجت های دنیاوی خود محروم می ماندند، و در نتیجه آن آیام زندگانی را به سختی می گذرانیدند.

و در دوره حاضر نیز در بعضی جاها مردم طبقه سوم به همین نوع مشکلات زندگی روبرو می باشند و به واسطه همین نوع سختی های زندگانی بوده است که اکثر افراد طبقه سوم به بارگاه صوفیان و مرشدان می رفتند، و برای برآوردن حاجت های دنیاوی خود به آنان توسل جستند و دعاها و وردها از آنان می گرفتند، و به عمل می آوردند، و این کار دوره حاضر نیز ادامه دارد.

اینک فهرست حاجت های دنیاوی که در کتاب جواهر الاولیا آمده است (و ما نام حاجت ها را به ترتیب حروف تہجی آوردیم):

آسانی در کارهای مشکل.	بسته شدن کارهای دشمنان.	جمعیت میان خویشاوندان.
اولاد صالح.	بی عقلی (دیوانه) شدن دشمنان.	جواب با صواب از قبر بزرگوار.
ایمن بودن از گریختن بنده.	تسخیر پادشاهان و امرا.	حاجت برآوردن از بزرگان.
باز آمدن از سفر به سلامتی.	تسخیر جن و انس.	حاجت برآوردن از پادشاهان.
باز آمدن بنده و گریخته.	تسخیر طیور و وحوش.	حفظ خاطر (حفظ قوه حافظه).
باز یافتن دین.	تسخیر محبوب.	خراب شدن خانه دشمنان.
برکت در باغ و میوه.	تسخیر ملک.	خلاصی از قرض.
برکت در زراعت و مال.	تسخیر همه جهان.	خوف زنی حامله.
برکت در مواشی.	تفرقه در میان دشمنان.	خیر و برکت (در کارها).
بسته شدن زبان خلق (از بدگفتن).	جمعیت میان مرد و زن.	خیر و برکت در کار خرید و فروخت.

کفایت هرنیت .	سلامتی خود و متاع در سفر .	درازی عمر .
محبوبیت در نظر خلق .	شفقت و مهربانی از خلق .	دولت دنیا .
مرادهای هرگونه .	صلح میان جنگ .	راست گوئی .
معلوم شدن خبر غایب .	عزت و دولت .	روزی شدن پسر .
معلوم کردن نیکی و بدی خلق .	فتح و نصرت بر دشمنان .	زبان بندی دشمن .
مقهور شدن دشمنان .	فراخی در رزق و روزی .	زر شدن خاک .
میل به علم و عمل .	فرمان برداری از زن و فرزند .	زر شدن سنگ .
نصیب شدن پادشاهی دنیا .	فرمان برداری از اعلام .	زنده شدن مرده .
نصیب شدن علم و حلم .	قبولیت سخن .	زیادی شیر در گوسفندان
نقره شدن کلوخ .	توت قلب .	زیادی عقل
نگاه داشتن خود از فعل حرام .	گشادگی در کارهای بسته .	زیادی ماهیان در دریا (در رودخانه) .
هلاک دشمن .	کشف اسرار و غیران در حالت خواب	سختی .
یافتن کار نیک بعد از معرول .		سرگردانی و پریشانی دشمنان .

۴- خواہش های روحانی و وسایل حصول آن ها

افراد طبقه اول و بیشتری از افراد طبقه دوم اکثر اوقات زندگانی خود را به حصول خواہش های مادی بسر می برند، و بنا بر گرفتاری های زیادی در کارهای مادی و دنیاوی فرصتی به دست نمی آورند که به خواہش های روحانی توجه نمایند .

و ظاهر است که در افراد و طبقه فوق عدّه کسانی که به فکر حصول خواہش های روحانی باشند، همیشه بسیار کم بوده است .

البته بعضی از افراد طبقه سوم که به ارکان اسلام گرویده ، و در بجا آوری شعار اسلام

کوشش می نمودند، خواهش های روحانی در دل های آنان پیدای شد، و آنان آرزوی حصول خواهش های روحانی در دل های خود می پروروند، و در پی وسایلی می گردیدند که توسط آن ها آرزوی قلبی آنان به حصول پیوندد.

و به همین سبب آنان دست ارادت را به دست مُرشدان می دادند، و در حصول مقصود از آنان راهنمایی و هدایت می یافتند.

و به عقیده این نوع افراد تنها صوفیان و مُرشدان می باشند که تقرب به خداوند تعالی دارند و برای کسانی که آرزوی حصول به مقصود در دل های خود می پرورند، تنها وسیله ای برای رساندن آنان به مقصود می باشند.

پنا بر همین عقیده بعضی از افراد طبقه سوم به بارگاه مُرشدان می رفتند، و با تضرع و زاری برای حصول به مقصود به مُرشدان خود التماس می نمودند، و از آنان دعاها و وردها گرفته به عمل می آوردند. در این زمینه لازم است بگوئیم که هر قدر مُرشد در درجه روحانیت بالاتر می باشد، عده مریدان و معتقدان او زیادتر می باشد.

و بعد از قرن ها در عصر حاضر نیز کار صوفیان و مُرشدان در شبه قاره پاکستان و هند در راهنمایی و هدایت مریدان و به عطای دعاها و وردها به آنان برای رسیدن به مقصود به موفقیت تمام ادامه دارد.

اینک فهرست خواهش های روحانی که در کتاب جواهر الاولیا آمده است (و ما عنوانات خواهش های روحانی را به ترتیب حروف تبجی آوردیم):

آسانی در جان کشیدن.	ترکِ ماسومی اللہ.	دفع تلخی مرگ.
اجتناب از سخن بیهوده.	توفیق بر عبادت و ریاضت.	دفع دل کوری.
ارشاد در عالم خواب.	توکل.	دفع عذاب آخرت.
بخشیده شدن گناهان کبیره و صغیره.	ثواب شب قدر.	دفع عذاب گور.
پادشاهی آخرت.	دانستن احوال دنیا و آخرت در	دفع غم دینی.
پاکی دل.	حالت خواب.	دفع فسق و فجور.

دفع کارهای بد .	روشنائی قلب .	قدرت برای سیر در بر و بحر .
دفع کاهلی در نماز .	روشنائی هفت فلک .	قرب الہی .
دفع گناه از وجود .	رہائی از رسوائی آخرت .	کشف اسرار الہی .
دفع مناسی و چیزهای حرام .	زیارت حضرت زکریا (ع) در حالت خواب .	کشف علم ظاہری و باطنی .
دفع وسوسہ شیطان .	سلامتی ایمان .	مرتبه ولایت .
دفع حصول قیامت .	سیر زمین و آسمان .	مستجاب شدن دعا .
دل سردی از بغض .	شب خیزی (برای عبادت) .	مشاہدہ انوار روحانیان .
دل سردی از شرک .	شرکت در زمرہ اولیاء صالحان و متقیان .	مشاہدہ خدای تعالی در حالت خواب .
دیدار (جمال) حضرت محمد مصطفی (ص) در خواب .	شنیدن آواز رحمت خدای تعالی .	مشاہدہ خزینہ های غیبی .
دیدار (جمال) حضرت یوسف (ع) در حالت خواب .	عقیدہ نیک .	مشاہدہ عجائب و غرایب خدای تعالی .
رضای خداوندی .	فراوانی رحمت خدای تعالی .	مشاہدہ نور تجلی .
رفع حجاب از میان خدای تعالی و انسان .	فراوانی نعمت بر اجداد .	مشرف شدن بہ مجلس حضرت رسول اکرم (ص) .
روشنائی در آخرت .	قبول شدن توبہ .	نگاہ داشتن ایمان از زوال .
	قبول شدن نماز و روزه .	توبہ ایمان در دل .
		ہدایت بہ راہ راست .
		یقین قلب .

از شرح محیط اجتماعی دورہ تألیف کتاب جواهر الاولیا بدین نتیجہ رسیدیم کہ جنبہ ظاہری این کتاب کہ بہ صورت دعاها و وردها آمدہ است، در محیط اجتماعی آن دورہ بسیار مؤثر بودہ، و علوم انسانی آن دورہ در کارهای خود از صوفیان و مرشدان استفادہ زیادہ کردہ، بر دعاها و وردها عمل می نمودند، و احوال و اوضاع اجتماعی آن دورہ کہ در این کتاب منعکس شدہ است، بہ اثبات می رساند، کہ کتاب جواهر الاولیا را از لحاظ جنبہ ظاہری آن باید کتاب علم الاجتماع قرار داد.

۲- جواهر الاولیا از لحاظ جنبه باطنی و معنوی

در دوره حاضر در نتیجه پیشرفت مجرّ العقولی که در علوم و فنون به وجود آمده است، و هزارها منظره و چشم انداز پیش چشم بینا باز شده است، اهل تحقیق دوره حاضر کتاب هائی را که چند قرن پیش در موضوع دعاها و ردها تألیف یافته است، کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار می دهند، و توجه آنان بیشتر به جنبه های و معنوی کتاب حامی باشد.

بنابر این اگر کتاب جواهر الاولیا که از لحاظ جنبه ظاهری کتاب دعاها و ردها می باشد، مورد مطالعه دقیق و بررسی محققین قرار بگیرد، معلوم می گردد که در دوره حاضر جنبه باطنی و معنوی این کتاب نسبت به جنبه ظاهری آن دارای اهمیت بیشتری می باشد.

در کتاب جواهر الاولیا چنان که در صفحات گذشته اشاره کردیم، در ضمن ذکر دعاها و ردها نام صدها اشخاصی آمده است که از لحاظ مرتبه و کار و فکر و اندیشه از یک دیگر مختلف بوده اند، و به خصوص نام های عده زیادی از مصنفین و مؤلفین ادوار گذشته با نام های تألیفات آنان آمده است.

و خواننده کتاب جواهر الاولیا بر زحمات هائی که سید باقر بن سید عثمان بخاری، مؤلف این کتاب در جستجوی مطالب فوق قبول کرده است، تعجب می کند.

و اگر بگوئیم که نظر به مطالب مزبوره کتاب جواهر الاولیا "مختصره اثره المعارف" می باشد، راه

مبالغه را نه پیموده ایم.

نام های تمام اشخاصی که در این کتاب آمده است، در فهرست نام های اشخاص که در آخر کتاب حاضر آوردیم، درج شده است.

اینک طبقه های اشخاصی را که نام های آنان در ضمن دعاها و ردها در این کتاب آمده است، در ذیل می آوریم:

۱- پیغمبران و بزرگان

- ۱- پیغمبران سابق،
- ۲- پیغمبر آخر (الزمان) حضرت محمد مصطفی (ص)،
- ۳- خلفای راشدین،
- ۴- اصحاب و دیگر حضرت رسول اکرم،
- ۵- معاصرین خلفای راشدین،
- ۶- ائمه معصومین.

۲- خلفای اموی۳- خلفای عباسی۴- سادات بخاری

- ۱- اسلاف سادات بخاری،
- ۲- سادات بخاری در اُتج بخاری،
- ۳- سادات بخاری در جاهای دیگر،
- ۴- شاگردان و مریدان سادات بخاری.

۵- سلسله‌های عارفان

- ۱- سلسله چشتیه،
- ۲- سلسله سهروردیه،
- ۳- سلسله قادریه،
- ۴- سلسله نقشبندیه،
- ۵- سلسله‌های دیگر.

۶- مؤلفین کتاب‌های عرفانی

- ۱- عرب،
- ۲- ایرانی.

۳- اهل شبیه قاره .

۷- علماء و دانشمندان

(عرب و ایرانی و اهل شبیه قاره)

۱- مفسرین،

۲- محدثین،

۳- قاریان،

۴- راویان قرأت،

۵- فقها،

۶- صرفیان،

۷- نحویان،

۸- دانشمندان علوم دیگر.

۸- پادشاهان و شاهزادگان

(سلسله های پادشاهان به ترتیب تاریخی)

۱- صفاریان،

۲- سامانیان،

۳- دیلمیان،

۴- غزنویان،

۵- سلجوقیان بزرگ،

۶- غوریان،

۷- خوارزم شاهیان،

۸- خانان بزرگ مغول،

۹- ایل خانان ایران،

۱۰- مظفریان فارس،

۱۱۔ تیموریانِ ایران،

۱۲۔ عثمانی،

۱۳۔ مینیان،

۱۴۔ آق قویونلو،

۱۵۔ صفویان۔

۹۔ سلاطینِ دہلی

۱۔ غلامان،

۲۔ خلجیان،

۳۔ تغلقان،

۴۔ سادات،

۵۔ لودیان۔

۱۰۔ شاہنشاہانِ مغولِ تیموریہ (در شہ قارہ)

۱۱۔ پادشاہانِ محلی

(در سند)

۱۔ ارغون،

۲۔ ترخان،

۳۔ جام۔

۱۲۔ مورخین

۱۔ عرب،

۲۔ ایرانی،

۳۔ اہل شہ قارہ۔

۱۳۔ تذکرہ نویسان

۱۔ عرب،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شبہ قارہ۔۱۴۔ شعرا

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شبہ قارہ۔۱۵۔ اطبا

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شبہ قارہ۔۱۶۔ ریاضی دانان

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شبہ قارہ۔۱۷۔ ستارہ شناسان

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شبہ قارہ۔۱۸۔ مختصر عین خط۱۹۔ کاتبان۲۰۔ زبان شناسان۲۱۔ درویشان (در سند)۲۲۔ طبقہ زنان

در آغاز بیان جنبہ باطنی و معنوی کتاب جواہر الاولیا گفتیم کہ مؤلف کتاب جواہر الاولیا با نام های مؤلفین ادوار گذشته نام های تألیفات آنان را نیز آورده است ،
 در این جا اضافه می نمایم کہ نام های تمام کتاب هائی کہ در جواہر الاولیا آمده است ،
 در "فہرست نام های کتاب ها" کہ در آخر کتاب حاضر آوردیم ، درج شده است .
 اینک موضوعات کتاب هائی را کہ نام های آن ها در کتاب جواہر الاولیا آمده است ، در
 ذیل می آوریم :

۱- کتاب های آسمانی

۱- کتاب های آسمانی سابق ،

۲- قرآن حکیم .

۲- کتاب های دینی (در عربی و فارسی)

۱- تفسیر ،

۲- حدیث ،

۳- قرأت ،

۴- فقہ ،

۵- صرف ،

۶- نحو ،

۷- مذهب ،

۸- دعا ها ،

۹- اوراد ،

۱۰- علم کلام ،

۱۱- علم مناظرہ .

۳- کتاب های عرفانی

۱- ادب عربی .

۲- فارسی ،

۳- تراجم کتب عرفانی از عربی به فارسی .

۴- کتاب های سادات بخاری

(دینی و عرفانی)

۱- فارسی ،

۲- تراجم کتب دینی و عرفانی از عربی به فارسی .

۵- کتاب های مریدان سادات بخاری

(دینی و عرفانی) فارسی

۶- تاریخ

۱- تاریخ عرب (عربی) ،

۲- تاریخ ایران (فارسی) ،

۳- تاریخ شبه قاره (فارسی) ،

۴- تراجم کتب تاریخی از عربی به فارسی .

۷- تذکره۱- حضرت رسول اکرم (عربی و فارسی) ،

۲- اولیا و صوفیه و بزرگان (فارسی) ،

۳- شعرا (فارسی) .

۸- شعر

۱- دواوین عربی ،

۲- قصاید عربی ،

۳- دواوین فارسی (در ایران) ،

۴- مثنویات فارسی (در ایران) ،

۵- دواوین فارسی (در شبه قاره) ،

- ۶- مثنویات فارسی (در شبه قاره)،
 ۷- کتاب های موضوعات مختلفه در شعر (در ایران)،
 ۸- کتاب های موضوعات مختلفه در شعر (در شبه قاره).

۹- فلسفه

- ۱- عربی (در ممالک عرب)،
 ۲- عربی و فارسی (در ایران)،
 ۳- فارسی (در شبه قاره).

۱۰- اخلاق

- ۱- عربی (در ممالک عرب)،
 ۲- عربی و فارسی (در ایران)،
 ۳- فارسی (در شبه قاره).
 ۱۱- علوم (در ممالک عرب و ایران و شبه قاره)
 (عربی و فارسی)

۱- طب،

۲- ریاضیات،

۳- ستاره شناسی،

۴- تقویم،

۵- جغرافیا،

۶- شکار،

۷- رمل،

۸- تعبیر خواب،

۹- تسخیرات،

۱۰- علوم دیگر.

۱۲- زبان شناسی (در ممالک عرب و ایران و شبه قاره)

(عربی و فارسی)

۱- فرهنگ (لغت) ،

۲- معانی و بیان ،

۳- عروض ،

۴- انشا و نامه نویسی.

۱۳- داستان ها (در ممالک عرب و ایران و شبه قاره)

(عربی و فارسی)

۱۴- کتاب های موضوعات مختلفه (در ممالک عرب و ایران و شبه قاره)

(عربی و فارسی)

شماره های آیات قرآن حکیم

در حواشی کتاب حاضر

درباره شماره های آیات قرآن حکیم ، که در حواشی کتاب حاضر آمده است ، باید توضیح بدیم که ما شماره های آیات قرآن حکیم را از دو کتاب ذیل آوردیم .

۱- نجوم الفرقان مرتبه مولوی فیض بخش ،

مطبوعه مطبع فیض بخش ، فیروز پور

۲- قرآن حکیم . مطبوعه تاج کمپنی ، کراچی .

اگر در بعضی جاها در شماره های آیات قرآن حکیم که در حواشی کتاب حاضر آورده ایم ، اختلاف روی داده است ، آن اختلاف مطابق به اختلاف شماره های آیاتی است که در دو ماخذ فوق آمده است .

بخش چهارم

زبان جواهر الاولیا

در دوره حاضر در ضمن تصحیح متون قدیمه فارسی تحقیق در زبان و مختصات آن نیز لازم است زیرا محققین زبان به زبان متون قدیمه و مختصات آن توجه بیشتری را می دارند. زبان فارسی در ایران در ادوار گذشته دستخوش تحولات و تطورات بسیاری زیاده بوده است و در هر دوره دارای مختصاتی بوده است که مخصوص به همان دوره می باشد. چنانچه مختصات زبان فارسی ادوار مختلفه در کتاب های تاریخ ادبیات ایران^۱ به عموم و در مجلد دوم و سوم کتاب سبک شناسی^۲ تألیف ملک الشعرا بهار^۳ به خصوص به شرح و بسط آمده است، و بیان آن در این جا موجب تطویل کلام است. زبان فارسی در شبه قاره پاکستان و هند در اوایل قرن پنجم هجری / اوایل قرن یازدهم میلادی در دوره حکومت سلطان محمود غزنوی (۳۸۸ تا ۴۲۱ هجری / ۹۹۸ تا ۱۰۳۰ میلادی) وارد گردیده است.

۱- تاریخ ادبیات ایران، تألیف دکتر رضا زاده شفق، (طبع قدیم و جدید) تهران ۱۳۲۴ و ۱۳۵۲ شمسی،
۲- تاریخ ادبیات فارسی، تألیف هرمان اته و ترجمه فارسی از دکتر شفق، مطبوعه تهران ۱۳۳۷ ش.
۳- تاریخ ادبیات در ایران، تألیف دکتر ذریع اللہ صفا، جلد اول و دوم و سوم، مطبوعه تهران، ۱۳۲۲، ۱۳۳۶ و ۱۳۴۱ ش.
۴- سبک شناسی، جلد دوم و سوم، مطبوعه تهران، ۱۳۲۱ و ۱۳۲۶ ش.

ورود زبان فارسی در نواحی پاکستان امروزه در نتیجه حمله های سلطان محمود غزنوی استخلاص این نواحی از فرمان رومیان سابق و ورود خانواده های فارسی زبان از غزنین و اطراف آن در این نواحی به عمل آمده است.

چنان که استاد عباس اقبال می گوید:

"سلطان محمود اول کسی است که مذهب اسلام و زبان فارسی را در هند داخل کرده و احوالی این ملک بزرگ را به آئین محمدی و ادبیات فارسی آشنا نموده است."

زبان فارسی در ادوار ما بعد در شبه قاره پاکستان و هند پیشرفت خاصی نموده و در دوره حکومت شاهنشاهان مغول تیموریه (۹۳۲ تا ۱۲۷۵ هجری / ۱۵۲۴ تا ۱۸۵۷ میلادی) به اوج خود رسیده است. ادوار تاریخی پیشرفت زبان فارسی در شبه قاره پاکستان و هند را در ذیل می آوریم:

دوره اول که مشتمل است بر دوره حکومت غزنویان و غوریان

(از اوایل قرن پنجم هجری تا ۴۰۲ هجری / از اوایل قرن یازدهم میلادی تا ۱۲۰۶ میلادی).

دوره دوم که مشتمل است بر دوره حکومت سلاطین وصل

(از ۴۰۲ تا ۹۳۲ هجری / از ۱۲۰۶ تا ۱۵۲۴ میلادی).

دوره سوم که مشتمل است بر دوره حکومت شاهنشاهان مغول تیموریه

(از ۹۳۲ تا ۱۲۷۵ هجری / از ۱۵۲۴ تا ۱۸۵۷ میلادی).

شرح مختصر پیشرفت زبان فارسی در شبه قاره پاکستان و هند در سه دوره بزرگ فوق و نمونه های نثر فارسی دوره های مزبوره با مختصات زبان هر دوره در کتاب "تاریخ زبان فارسی" تألیف نگارنده مقدمه آمده است، و بیان موضوع مذکوره در این جا لازم نیست.

۱- "تاریخ ایران و اروپا" تألیف عباس اقبال، مطبوعه طهران ۱۳۲۹ ش، ص ۹۱ و ۹۲.

۲- مطبوعه کراچی ۱۹۶۲ میلادی، ص ۲۰۳ تا ۲۵۳.

دورنمای تاریخی زبان فارسی در دورہ

تالیف جواہر الاولیا

کتاب جواہر الاولیا، چنان کہ در صفحات گذشتہ آمده است، در نیمہ دوم قرن یازدہم ہجری / نیمہ دوم قرن ہفدہم میلادی، یعنی در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ، کہ دورہ سوم پیشرفت زبان فارسی در شہر قارہ پاکستان و ہند بودہ است، تالیف یافت۔

زبان فارسی در دورہ مزبورہ، چنان کہ در صفحہ گذشتہ گفتیم، از لحاظ پیشرفت خود بہ اوج خود رسیدہ بود، و عروج زبان فارسی در این دورہ مرصون سرپرستی شاهنشاهان و وزرا و امرای دربار و استانداران مملکت وسیعہ شہ قارہ بودہ است،

و در این دورہ صدہا نفر از ادبا و شعرا و ہنرمندان از ایران بہ شہ قارہ آمدہ، و در عوض خدماتی کہ آنان بہ زبان فارسی و ہنر ایرانی کردند، صلہ های گران بہائی یافتند، و بسیاری از آنان آثار ہمتی در زبان فارسی از خود بہ یادگار گذاشتہ در زمین سرزمین پیوند خاک شدند۔

و ملک الشعرا بہار در این زمینہ می گوید:

”پادشاہان خاندان تیموری ہند ایران را وطن خود و ایرانیان را ہم شہری و ہم زبان خود می دانستند، و از ہوش و ذوق اینان لذت می بردند۔

و ثروت بی پایان ہند و اقتضای آب و ہوا، کہ بہ استراحت و صحبت می کشد، نیز درباریان را بہ پذیرفتن مہمانان بذلہ گوی و خوش زبان و ہوش مند و اداری ساخت۔“

اکنون بہ بیان سبک های نثر فارسی در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ می پردازیم:

نثر فارسی در دوره مزبورہ دارای چند سبک بوده است، ولی قبل از این کہ سبک های نثر فارسی این دورہ را بیان بنماییم، ذکر یک "سبک خاصی" را در میان می آریم کہ مختصر آن ابوالفضل علامی (متوفی در ۱۰۱۱ هجری / ۱۶۰۲ میلادی) بوده است؛ زیرا تأثیر سبک ابوالفضل علامی در نثر جواهرالاولیا نیز دیده می شود، و ما ذکر آن را در ضمن بیان محققات زبان جواهرالاولیا در صفحات مابعد آوریم.

ابوالفضل علامی، نخست وزیر اکبر شاه کبیر (۹۶۳ تا ۱۰۱۳ هجری / ۱۵۵۴ تا ۱۶۰۵ میلادی) بزرگ ترین نویسنده قرن دهم هجری / قرن شانزدهم میلادی در شبه قاره بوده، و آثار بسیار گران بسای در زبان فارسی از خود به یادگار گذاشته است.

او در علم زبان شناسی مهارت خاصی می داشت، و خدمات او به زبان فارسی بسیار قابل ملاحظه می باشد.

ملک الشعرا بہار در باره او می گوید:

"او اول کسی است کہ بہ نقص و فساد زبان فارسی پی برده، و در صد اصلاح زبان بر آمده است....."^۱

و ملک الشعرا بہار در همین زمینه اضافی نماید، و می گوید:

"او قدیم ترین کسی است کہ در حل و فہم لغات دری سعی کرده، و کتاب لغتی بہ فارسی نوشت....."

و بہ تغییر سبک نثر فارسی آغاز کرد.^۲

در باره سبک خاص ابوالفضل علامی (بخصوص در کتاب آئین اکبری) باید بگوئیم کہ در اولین مرحلہ چیزی کہ در عبارات او توجہ خوانندہ را جلب می کند، استعمال "لغات و ترکیبات و جملات فارسی سرہ" می باشد، بہ حدی کہ در آن دورہ در نثر فارسی معمول نہ بوده است، و در ظاهر چنان بہ نظر می رسد کہ او عمداً بہ این کار پرداختہ است.

و ما نمونہ نثر فارسی او را، کہ در آن لغات و ترکیبات و جملات فارسی سرہ آمده است، در کتاب تاریخ زبان فارسی خود آورده ایم.^۳

اکنون بہ بیان سبک های معروف نثر فارسی در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ می پردازیم.

۱-۲۹۰ - "سبک شناسی" تألیف ملک الشعرا بہار، جلد سوم، مطبوعہ تران ۱۳۲۴ ش، ص ۲۹۰.

۳- تاریخ زبان فارسی، تألیف نگارندہ مقدمہ، مطبوعہ کراچی، ۱۹۶۲ میلادی، ص ۲۳۰ تا ۲۳۵.

۱- نثر فنی

نویسندگان معروف این دوره که آثار خود را در نثر فنی از خود باقی گذاشته اند، چهار نفر

ذیل بوده اند:

۱- نورالدین محمد ظهوری ترشیزی (متوفی در ۱۰۲۵/۱۶۱۶م) مؤلف سه نثر
و مینا بازار و پنج رقعہ،

۲- ملا طغرای مشہدی (متوفی در ۱۰۷۱/۱۶۶۰م) مؤلف رسائل و رقعات،

۳- مرزا نورالدین محمد ملقب بہ نعمت خان و متخلص بہ عالی (متوفی در ۱۱۲۱/۱۷۰۹م)، مؤلف وقایح حیدرآباد و رسالہ در ہجو حکما و رقعات، و

۴- مرزا عبدالقادر بیدل عظیم آبادی (متوفی در ۱۱۳۳/۱۷۲۱م) مؤلف نکات و بہاریہ و چهار عنصر و رقعات .

از چهار نفر نویسنده فوق سے نثر اول ایرانی و نثر چارم اہل شہ قارہ بوده است.

۲- نثر سادہ و فصیح

در دورہ زیر بحث آثار زیادہ در نثر سادہ و فصیح تالیف یافتہ است، و یکی از آثار معروف آن دورہ کتابی است موسوم بہ "توزک جہانگیری" تالیف جہانگیر ابن ابرہ شاہ کبیر (۱۰۱۴ تا ۱۰۳۷ھ / ۱۶۰۵ تا ۱۶۲۸م).

جہانگیر صاحب نیک سادہ و فصیح بودہ، و "توزک" او در سادگی و لطافت عبارات و مجسمہ خنن وقایع مختلفہ در این نوع کتاب ہا کم نظیر می باشد.

و ما نمونہ "نثر فارسی اور در کتاب "تاریخ زبان فارسی" خود آورده ایم^۱.

۳- نثر فصیح عربی آمیز

نثر فصیح عربی آمیز نثری است کہ در آن لغات و ترکیبات عربی نیز آمده، و موجب افزایش فصاحت گردیده است، و این نوع نثر مورد پسند خوانندگان شبه قارہ قرار گرفته است، و در آن دورہ نمونہ های نثر فصیح عربی آمیز زیادہ بودہ است^۲.

۴- نثر سادہ و عربی آمیز

دربارہٴ "نثر سادہ و عربی آمیز" می توان گفت کہ در آن دورہ بیشتری از کتاب حالی کہ پیشکب مزبورہ تألیف یافته است، کتاب های دینی و عرفانی می باشد، و مؤلفین این نوع کتاب ها صوفیہ بودہ اند کہ با زبان عربی نیز دل بستگی می داشتند.

و بہ دلیل این کہ کتاب های دینی و عرفانی برای افادہٴ عوام الناس تألیف می یافت، عدہ زیادہ از این نوع کتاب ها بہ نثر سادہ نوشتہ شدہ است.

و نثر کتاب جواہر الاولیا نمونہ ایست از نثر سادہ و عربی آمیز، و مختصات نثر آن کہ در صفحہٴ مابعد آمده است، بر بیان ما شاهد می باشد.

۱- "تاریخ زبان فارسی" تألیف نگارنمہ مقدمہ ص ۲۳۷ تا ۲۴۳.

۲- برای نمونہ نثر فصیح عربی آمیز رک "دربارہٴ ملی" منتخبہ و مرتبہ شیخ محمد اکرام و دکترہ حیدر قریشی، مطبوعہ لاہور ۱۹۴۱ میلادی، دیباچہ "نثر اکبر"

تألیف داراشکوہ (متوفی در ۱۰۶۹/۱۴۵۸ م) ص ۲۸۶ تا ۲۸۸.

سید باقر بن سید عثمان بخاری که مُرشدِ دورهٔ خود بوده است، اگرچه کتاب جواهر الاولیا را چنان که در صفحات گذشته آورده ایم، برای افادهٔ علوم الناس تألیف نموده است، ولی با زبان عربی و سبکی خاصی داشته است. بنا بر این او با عبارات ساده، لغات و ترکیبات و جملات عربی نیز آورده است.

مختصات زبان جواهر الاولیا

سید باقر بن سید عثمان بخاری در مقدمهٔ مختصر جواهر الاولیا در بارهٔ دو موضوع خاص توضیح نموده است. یکی این که او این کتاب را برای علوم خلق تألیف نموده است، چنان که می‌گوید:

”چون این ضعیف فائدهٔ چند از پدر خود و از کتاب‌های معتبر و از او را ده‌های مشائخ بزرگ و بعضی در سیر عالم و بعضی در چلما از بزرگان و اولیای مرحوم (۹) در مجلس حضرت رسول الله، صلی الله علیه و علی آله و سلم، دیده و شنیده بودم، جمع کردم از برای علوم خلق؛“

دوم این که عبارات عربی را به فارسی ترجمه کرده است، تا علوم الناس و اخلاف آنان مطالب این کتاب را به آسانی بفهمند، و از آن استفاده کنند، چنان که می‌گوید:

”این فقیر به قدر خویش هر چه عربی بود، به پارسی در قلم آوردم، تا علوم الناس و فرزندان ایشان در این رغبت نمایند، و از فائده بی بهره نمانند، و مواظبت کنند تا به مطالب و مقاصد دازین برسند؛“

سید باقر بن سید عثمان بخاری هر چه در بارهٔ موضوع اول گفته است که کتاب جواهر الاولیا برای علوم خلق تألیف یافته است، درست و راست گفته است.

ولی در بارهٔ موضوع دوم لازم است بگوئیم که اذعالی که او در بارهٔ ”ترجمهٔ عبارات عربی را به فارسی“ کرده است، تا علوم الناس بفهمند، درست نیست.

زیرا او با وجود ادعای فوق در این کتاب علاوه بر دعاها و وردها که به زبان عربی آمده است،

و ترجمه چند جمله و یک حکایت از کتاب اجیاء العلوم امام ابو حامد محمد غزالی^۱ از عربی به فارسی، لغات و ترکیبات و جملات و عبارات عربی را از بس زیاد آورده است که شمار آن ها از حساب بیرون است. در ضمن سبب نثر فارسی جواهر الاولیا فقط یک موضوع مهمی باقی است که باید آن را توضیح بدیم.

در صفحات گذشته گفته ایم که ابو الفضل علامی (متوفی در ۱۱۰۱ هـ / ۱۷۰۲ م) اول کسی بوده است که در دوره شاهنشاهان مغول تیموریه سبب نثر فارسی را تغییر داده، و در تألیفات خود (از قبیل آئین ابروی) لغات و ترکیبات و جملات فارسی سره را به حدی استعمال کرده است که در آن دوره معمول زبده، و چنان به نظری رسد که او عمداً به این کار پرداخته است.

و نیز اشاره کردیم که تأثیر سبب خاص ابو الفضل علامی در نثر جواهر الاولیا نیز دیده می شود. و جای بسیار تعجب است که در حدود یک قرن و نیم بعد از ابو الفضل علامی سید باقر بن سید عثمان بخاری در یک قریه دور دست با وجود استعمال عربی زیاد در کتاب جواهر الاولیا در جواهر دهم این کتاب در بیان معانی نام های باری تعالی لغات و ترکیبات و جملات فارسی سره را به حد زیادی استعمال کرده است و ما ذکر آن را در بیان مختصات زبان جواهر الاولیا در صفحات مابعد به تفصیل آورده ایم. اکنون به بیان مختصات زبان جواهر الاولیا می پردازیم؛ و در آغاز مطالعه مختصات زبان باید توجه فرمود که تمام مثال هایی که مادر ضمن مختصات زبان در این صفحات آورده ایم، به ترتیب حروف نتیجه است.

۱- اصطلاحات دینی (عربی و فارسی)

اصطلاحات دینی عربی و فارسی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و ما از هر یک از این نوع

۱- جمله ها و حکایت را که مؤلف از عربی به فارسی ترجمه کرده است، در ضمن مختصات زبان جواهر الاولیا در صفحات مابعد

اصطلاحات مثال حا در ذیل می آوریم :

(ا) اصطلاحات دینی عربی

آخرت.	آیات.	استخاره.	اصحاب.	اعتکاف.
اقامت.	اقتدا.	ایمان.	باری تعالیٰ.	برأت
تسمیہ.	تہجد.	ثواب.	جبروتی.	جماعت.
حج.	حج اکبر.	حدیث.	حضرت.	حقانی.
ختم.	خطبہ.	دعا.	دعوت.	رسول.
رکعت.	روضہ.	زیارت.	سعادت.	سکرات.
سنت.	سنت مؤکدہ.	شہادت.	شہید.	شیطان.
صلوٰۃ.	صلوات.	طاعت.	ظہر.	عباد اللہ.
عبادت.	غذاب.	عشا.	عصر.	عمرہ.
عید.	عید الاضحیٰ.	عید الفطر.	فجر.	فراغ.
قبلہ.	قدرت.	کائنات.	کعبۃ اللہ.	لاہوتی.
متبرکہ.	مصافحہ.	مغرب.	ملکوتی.	مناجات.
موجد.	ناسوتی.	نبوت.	نبی.	نیت.
وسوسہ.	ہدایت.			

(ب) اصطلاحات دینی فارسی

آدینہ.	بامداد.	بانگ.	بد.	بدی.
بزرگ.	بزرگی.	بہشت.	پاک.	پاکی.
پہل (صراط).	پناہ.	پیشین (نماز).	پہنیر.	جامہ.
جامہ پاک.	جامہ نو.	جان.	چاشت (نماز).	خدا.

۳- مصادر عربی خالص

مصادر عربی خالص در جواهر الاولیا زیاد آمده است ، و ما مثال های این نوع مصادر را در

ذیل می آوریم :

اجتماع	اجابت	احتراز	اختتام	اختصار
اختلاف	اخلاص	ارتیاب	ارشاد	ازدیاد
استعانت	استعراق	استغفار	اعتقاد	اعتکاف
اقامت	اقتدا	انتماس	انصرام	انقیاد
انقضا	تجدید	تجسس	تخلیص	تدبیر
تربیت	ترتیب	تشییح	تسخیر	تسمیه
تتخیص	تشویش	تصحیح	تصفیه	تصویر
تعظیم	تناقل	تفرقه	تقدیر	تکبیر
تکرار	تکریم	تنجیم	تنقیر	تواضع
توسع	توسل	توفیق	توقف	توکل
تهلیل	تیسیر	جلالت	خلافت	دعوت
رسالت	رغبت	زیارت	عبادت	عداوت
فراغت	قناعت	قیامت	گرامت	کفایت
مخالفت	مشاهدت	معاینه	مواظبت	ولایت

۴- ترکیبات عربی خالص

ترکیبات عربی خالص در جواهر الاولیا زیاد آمده است ، و ما مثال های این نوع ترکیبات

را در ذیل می آوریم :

آخر الزمان .	ابو الرضا .	ابو المظفر	ابو المکارم .	ارحم الراحمین .
اکل الحلال و الجنتب الحرام .	الفقیر المحقر .	اهل القبور .	بمنہ و کمال کرمہ .	
بیت المقدس .	بین الانس و الجن .	بین الجلال و الجمال .	تحتیة الوضوء .	جلیل القدر .
جواہر الاولیا .	حسب المدعا .	خمس الخلفا الاربعہ الراشدین .	دار البقا .	
دار الجنۃ .	دار الفنا .	دار النعمۃ .	داعی الی اللہ تعالیٰ .	رب العالمین .
رجال الغیب .	رمضان المبارک .	روضۃ من ریاض الجنۃ .	سریع الاجابت .	سلیم الجوارح و صحیح البدن .
سورة الفاتحہ .	صحیح النسب .	عالم السر و الخفیات .	عالم الغیب و الشہادۃ .	عشرۃ المبشرہ .
عقد العین .	عقد اللسان .	عقد النوم .	علیٰ هذا القیاس .	علا بناء الکعبۃ .
عن قریب الایام .	عوام الناس .	عید الاضحیٰ .	عید الفطر .	فی التاريخ الخامس عشر .
کعبۃ اللہ .	لا شک و لا شبہۃ .	ما وراء النہر .	متعذر الوصول .	مستبب الاسباب .
مستجاب الدعاء .	مستجاب الدعویۃ .	مقبول القول .	مبک الارواح .	
مناجات المرسلین و الصحابہ و الصالحین .	من شہر رجب	منقول عنہ .	نبوۃ البنی .	
واهب العطايا .				

۵- جملات عربی خالص

جملات عربی خالص نیز در جواہر الاولیا زیاد آمدہ است ، و ما مثال های این نوع جملات را

در ذیل می آوریم :

- ۱- الہی ! ایتیہ و طول عمرہ ،
- ۲- اما بعد فیقول الفقیر المحقر اضعفت عباد اللہ ،
- ۳- انشاء اللہ تعالیٰ ،
- ۴- جل جلالہ و علم نوالہ ،

- ۵- رحمة اللہ علیہم،
- ۶- رضوان اللہ تعالیٰ علیہ،
- ۷- رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۸- رضی اللہ تعالیٰ عنہما وارضاه جعل الحجۃ الفردوس مشواہ،
- ۹- رفع اللہ درجاتہ،
- ۱۰- روح روح اسلافہ و اخلافہ،
- ۱۱- (بیسٹم) شہر رمضان سنہ احدی و ثمانین و سبعمایہ من الحجۃ،
- ۱۲- صلوات اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین،
- ۱۳- صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم،
- ۱۴- علی نبینا و علیہ الصلوٰۃ والسلام و آلہما،
- ۱۵- علیہ الصلوٰۃ والسلام،
- ۱۶- علیہم الرحمۃ والرضوان،
- ۱۷- علیہم و آلہم الصلوٰۃ والسلام،
- ۱۸- علیہ و علیہم الصلوٰۃ والسلام و آلہ و آلہم،
- ۱۹- غفر اللہ ذنوبہما بلطفہ و ستر عیوبہما بکمال عفوہ،
- ۲۰- فی التاریخ الخامس عشر من شہر رجب سنہ احدی و ثمانین و سبعمایہ،
- ۲۱- قال النبی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم،
- ۲۲- قدس اللہ تعالیٰ سرہ،
- ۲۳- قدس اللہ تعالیٰ مرقدہ،
- ۲۴- کرم اللہ تعالیٰ وجہہ،
- ۲۵- لولا تعرف ما عرف التصوف،
- ۲۶- مرحوم من دنیا و احیا الی وار البقا،
- ۲۷- مُرشد الکامل المکمل الواصل الموصول الی اللہ العنی،

- ۲۸- من قرء هذا الاسم بعد كل صلوة احد عشر مرة تقضى كل حاجة من الدنيا والآخرة،
 ۲۹- نفع الله المسلمين بطول بقائك و نورنا بنور لقائك في الدارين،
 ۳۰- والله تعالى اعلم بالصواب،
 ۳۱- وبالله التوفيق على الاتمام،
 ۳۲- يا حيُّ يا قيوم ! برحمتك يا استغيث .

۶- مصادر عربی به طریق فارسی

(که در قدیم به اضافه "یای مصدری" می آمد)

این نوع مصادر نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع مصادر را در ذیل

می آوریم :
 بخیلی . سلامتی . کاهل . محتاجی . مشغولی . هلاکی .

۷- جمع لغات عربی به قاعده عربی

جمع لغات عربی به قاعده عربی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و مثال های این نوع جمع لغات

عربی را در ذیل می آوریم :

آبا .	آثار .	آفات .	آیات .	ابدال .
ابواب .	احباب .	احکام .	اخبار .	ارواح .
اسلحہ .	اسما .	اشاعره .	اشجار .	اشرار .
اشراف .	اصحاب .	اعضا .	اعمال .	اقربا .

اکابر.	اُمرا.	املاک.	انوار.	اوراد.
اولاد.	اولیا.	بلیات.	بهائم.	جواهر.
عاجات.	حشرات.	حکایات.	حواشی.	حیوانات.
خصائل.	خلائق.	خوارج.	خوارق.	خیالات.
دقائق.	مُرسل.	سادات.	سُبل.	سُکرات.
سلاطین.	سیارات.	صفات.	صلوات.	طاهرین.
طبیبین.	طیور.	عجائب.	عُصبات.	عُقبات.
علوم.	عوام.	غرائب.	غنائم.	فواج.
کائنات.	کبار.	کرامات.	کنوز.	کواکب.
محفیات.	مذکورات.	مرادات.	مشائخ.	مصالح.
مطالب.	معارف.	معجزات.	مغیبات.	مقاصد.
مقصودات.	ملفوظات.	ملوک.	منافع.	مناسی.
مؤکلات.	مہمات.	نفوس.	وحوش.	

۸- جمع لغات عربی به قاعدہ فارسی

جمع لغات عربی به قاعدہ فارسی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و ما مثال های این نوع جمع لغات عربی را در ذیل می آوریم:

(۱) جمع لغات عربی به قاعدہ فارسی برای جانداران

به اضافه "ون" در آخر واحد

آنتان. امیران. تائبان. حاجیان. حاسدان.

حاضران.	کبان.	خادمان.	خاصان.	خصمان.
خلقان.	روحانیان.	زاهدان.	ساحران.	شہیدان.
صالحان.	صدیقان.	ظالمان.	عابدان.	عاصیان.
عزیزان.	ناثبان.	غازیان.	غداران.	غمازان.
غنیان.	فاستقان.	فقیران.	کافران.	متقیان.
مجاوران.	مخالفتان.	مریدان.	مصطفیان.	معاندان.
مفسران.	مکاران.	منافقان.	مؤمنان.	

(ب) جمع لغات عربی بہ قاعدہ فارسی برای بی جان ها
بہ اضافہ "ہا" در آخر واحد:

آفت ها.	بلا ها.	تشویش ها.	حاجت ها.	خَلہ ها.
خزانہ ها.	خزینہ ها.	خوف ها.	دقینہ ها.	سلاح ها.
سُورہ ها.	صورت ها.	ضرر ها.	طبق ها.	عطا ها.
علت ها.	علم ها.	عیب ها.	غم ها.	قبر ها.
کتاب ها.	کرامت ها.	کلام ها.	مصیبت ها.	مقصود ها.
نعمت ها.	وسوسہ ها.			

۹۔ جمع لغات فارسی بہ قاعدہ عربی

در مورد جمع لغات فارسی بہ قاعدہ عربی در جواهر الاولیا تنها یک لغت ذیل پیدا شد کہ در این

کتاب دوبار آمدہ است.

باتین (جمع بُستان).

۱- جمع لغات فارسی به قاعده فارسی

جمع لغات فارسی به قاعده فارسی در جواهرالاولیا زیاد آمده است ، و ما مثال های این نوع جمع

را در ذیل می آوریم :

(ا) جمع لغات فارسی به قاعده فارسی برای جان داران به اضافه

"ان" در آخر واحد مفرد یا مرکب:

۱- جمع لغات مفرد:

بخاریان	بزرگان	بهشتیان	پریان	پیران (= کهن سالان)
پیران (= مرشدان)	پیغمبران	درویشان	وزدان	دشمنان
دیوان	زاغان	زنان	سواران	شاگردان
طفالان	فوزندان	کاروانیان	کرمان	گواهان
گوسفندان	شکریان	مردمان	مرغان	هستران
نیکان	نازبان	پاران		

۲- جمع لغات مرکب

بدخواهان . پرهیزگاران . جادوگران . راه زنان .

(ب) جمع لغات فارسی به قاعده فارسی برای بی جان ها

به اضافه "ان" در آخر واحد:

آماس ها	برگ ها	بیماری ها	تازیانه ها	پیل ها (= چله ها)
چهره ها	چیزها	خانه ها	خواب ها	درد ها
دندان ها	رنج ها	روزها	کوشک ها	میوه ها

(ج) لغاتِ واحد فارسی برای بان داران که در آخر آن ها

"ا" باشند، در صورت جمع "ه" تبدیل به "گ" می شود؛

و در آخر آن ها "ان" اضافه کنند؛

این نوع جمع لغاتِ فارسی نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع لغات

را در ذیل می آوریم:

آفریدگان .	بندگان .	پرندگان .	چرندگان .	درندگان .
شنوندگان .	فرشتگان .	گزندگان .		

۱۱- جمع خلاف قاعده

جمع خلاف قاعده نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع جمع را در ذیل

می آوریم:

۱- در صورت جمع برای بان داران به اضافه "ا" در آخر واحد:

مثال: قجه ها به جای قجگان .

۲- در صورت جمع برای بی بان ها به اضافه "ان" در آخر واحد:

مثال های این نوع جمع را در ذیل می آوریم:

درختان به جای درخت ها .

شبان به جای شب ها .

گناهان به جای گناه ها .

۱۲- جمع الجمع

جمع الجمع نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع جمع را در ذیل می آوریم:

۱- جمع الجمع به قاعده عربی :

ادعیات جمع ادعیه ، و ادعیه جمع دُعا .
فتوحات جمع فتوح ، و فتوح جمع فتح .
مقاصدات جمع مقاصد ، و مقاصد جمع مقصد .

۲- جمع الجمع به قاعده فارسی :

(۱) برای جان داران به اضافه "ان" در آخر جمع :

مثال ها در ذیل :

ساداتان جمع سادات ، و سادات جمع سید .
عوراتان جمع عورات ، و عورات جمع عورت .
مشائخان جمع مشائخ ، و مشائخ جمع شیخ .
ملائکان جمع ملانک ، و ملانک جمع مُلک .
مملوکان جمع مُلوک ، و مُلوک جمع مُلک .

(ب) برای جان داران به اضافه "سی ان" در آخر جمع :

مثال : مایان جمع ما ، و ما جمع من .

(ج) برای جانداران به خلاف قاعده ، یعنی به اضافه "ا" در آخر جمع :

مثال ها در ذیل :

اعداها جمع اعدا ، و اعدا جمع عدو .
اولادها جمع اولاد ، و اولاد جمع اولاد .
مؤکلاتها جمع مؤکلات ، و مؤکلات جمع مؤکل .

(د) برای بی جان ها به اضافه "ا" در آخر جمع :

مثال ها در ذیل :

خزائن ها جمع خزائن ، و خزائن جمع خزانه .
شرایطها جمع شرایط ، و شرایط جمع شرط .

مجانِبِ ها جمعِ مَجَانِبِ ، و مَجَانِبِ جمعِ عَجِيبِه .
 قَبُورِ ها جمعِ قَبُورِ ، و قَبُورِ جمعِ قَبْرِ .
 كَوَاكِبِ ها جمعِ كَوَاكِبِ ، و كَوَاكِبِ جمعِ كَوَكَبِ .
 (۸) جمعِ الجَمْعِ خِلافِ قَاعِدَه :

مثال: درختانِ ها به جای درختِ ها ، و در این کتاب
 درختانِ ها جمعِ درختانِ ، و درختانِ جمعِ درختِ .

۱۳- تشنیه

تشنیه نیز در جواهر الاولیا آمده است ، و ما مثال های تشنیه را در ذیل می آوریم :

أَرْضَيْنِ .	أَمِيرَيْنِ .	حُرَيْنِ .	دَارَيْنِ .	سَبْطَيْنِ .
شَرَفَيْنِ .	قَبْرَيْنِ .	قَوْسَيْنِ .	كُونَيْنِ .	مَشْرِقَيْنِ .
مَعْوَذَتَيْنِ .	تَعْلِيْنِ .	وَالِدَيْنِ .	يَدَيْنِ .	

۱۴- تطابق صفت و موصوف

مرکباتِ توصیفی که در آن صفت مطابق به موصوف آمده است ، نیز در جواهر الاولیا آمده است ، و ما مثال های این نوع مرکباتِ توصیفی را در ذیل می آوریم :

بزرگانِ بخاریان	پیرانِ بخاریان	پیرانِ قادریان	زنانِ بدخواهان
ساداتِ بخاریان .	ساداتِ بکریان .	ساداتانِ (جمع الجمع) بخاریان .	

۱۵- ترکیبات عربی و فارسی

ترکیبات عربی و فارسی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و ما مثال های این نوع ترکیبات را در

ذیل می آوریم:

(ا) ترکیبات عام عربی و فارسی:

ابدال سالار.	جن زده.	حرام زاده.	حق شناس.	حلال زاده.
دباغت کرده.	دولت مند.	رسالت پناه.	زیارت گاه.	سحر زده.
سحر گاه.	سعادت مند.	سیادت پناه.	شرافت دستگاه.	شماثل نامه.
طواف کننده.	عیب دار.	غریب دوست.	غیبت کننده.	فرمان بردار.
قرض دار.	کرامت دستگاه.	نجابت دستگاه.	نقابت پناه.	

(ب) ترکیبات خاص عربی و فارسی:

(که به صورت صفات خداوندی آمده است)

اجابت کننده.	امن و هنده.	تدبیر کننده.	توفیق دهنده.	جمع کننده.
حکم کننده.	دفع کننده.	صحت دهنده.	ظاهر کننده.	عطا دهنده.
غلبه کننده.	قبول کننده.	محو کننده.	منع کننده.	موجود کننده.
میراث برنده.	نعمت دهنده.			

۱۶- محاورات عربی و فارسی

محاورات عربی و فارسی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و ما مثال های این نوع محاورات را در

ذیل می آوریم:

برکت دادن .	ایمن بودن .	امان یافتن .	ایشاد کردن .
تضرع کردن .	تصور کردن .	تبرک جستن	تائب شدن .
حصار گرفتن .	حرز ملازمت کردن .	حاجات برآمدن .	تجیر گفتن .
در قلم آوردن .	خلاص یافتن .	خلاص شدن .	خرقه پوشیدن .
عالم مسخر گردیدن .	سحر باطل گردیدن .	رغبت نمودن .	دفع شدن .
غرق شدن .	عقد اللسان کردن .	عطا کردن .	عالم مکشوف گردیدن .
فرح یافتن .	فتنه گردانیدن .	غنی گردانیدن .	غضب بر طرف شدن .
مشکلم شدن .	مائل شدن .	کفایت گردیدن .	قبول افتادن .
مسخر کردن .	مستجاب الدعوة گردیدن .	مزکب راندن .	محتاج شدن .
ملالت افزودن .	مکشوف شدن .	مطیع شدن .	مشرف شدن .
مہیا گردیدن .	مواطبت کردن .	منقاد گردیدن .	ممت کشیدن .
نکبت رسیدن .	نصیب شدن .	نصرت یافتن .	میراث یافتن .
	یکفی گردیدن .	دقوف یافتن .	وارد شدن .

۱۷- ترکیبات فارسی و عربی

ترکیبات فارسی و عربی در جواهر الاولیا کم آمده است، و ما مثال های این نوع ترکیبات را در

ذیل می آوریم :

ستوده اوصاف .

خوش برهان .

بمگ رزق .

۱۸. نهضت سره نویسی (در ایران)

در موضوع دور تمای تاریخی زبان فارسی در دوره تألیف کتاب جواهرالاولیا در صفحات گذشته شرح داده ایم که در دوره مزبوره در شبه قاره پاکستان و هند استعمال فارسی سره به عمل آمده است، و در دوره شاهنشاهان مغول تیموریه اول کسی که به استعمال فارسی سره در تألیفات خود مبادرت نموده است، ابوالفضل علامی بوده است.

در ضمن این موضوع مختصری از نهضت سره نویسی را که در ایران آغاز دپیشرفت نموده است بیان می نمایم.

استعمال فارسی سره در ایران از قدیم بوده است، و اول کسی که پاره های فارسی سره در آثار او یافت می شود، خواجه عبدالله انصاری (متوفی در ۵۴۸۱ / ۱۰۸۸ م) بوده است. و از آن دوره به بعد در ایران چندین نفر از نویسندگانی بوده اند که در آثار خود به استعمال فارسی سره پرداخته اند، و نمونه های فارسی سره، که در آثار آنان موجود می باشد، در کتاب پاری نغز تألیف آقای علی اصغر حکمت آمده است،

و پاره های فارسی سره که در کتاب پاری نغز آمده است، از همه آن ها همتر مقاله مفصلی در فارسی سره به عنوان "سرگذشت فرهنگستان ایران" به قلم خود آقای علی اصغر حکمت می باشد. نهضت سره نویسی در ایران در عصر جدید پیشرفت خاصی نموده، و عده زیادی از طرف داران سره نویسی به وجود آمده اند.

ولی از گروه سه نویسان در ایران شخصی که بیشتری از عمر خود را در سره نویسی و در حمایت فارسی سره گذرانیده و بالاخره در سال ۱۳۲۴ (شمسی / ۱۹۴۵ میلادی) جان خود را در این راه باخته، سید احمد کسروی تبریزی بوده است.

۱- پاری نغز تألیف علی اصغر حکمت، مطبوعه تهران، ۱۳۳۰ خورشیدی.

ناگفته نماند که با وجود این که نهضت سره نویسی در ایران پیشرفت خاصی نموده است ، ولی گروه بزرگی از ادبا و نویسندگان ایرانی که طرف داری بیک قدیم می باشند ، و استعمال لغات عربی را در فارسی جائز می شمرند ، مخالف نهضت سره نویسی بوده ، و عقاید و نظریات خود را با دلائل محکم در صورت مقالات مفصلی در جرائد و مجلات ایران منتشر نموده اند .

و ما شرح مختصری از نهضت سره نویسی در ایران و نمونه فارسی از سید احمد کسروی تبریزی در کتاب "تاریخ زبان فارسی" خود آورده ایم .^۱

۱۹- نهضت سره نویسی در شبه قاره پاکستان و هند

در موضوع دور نمای تاریخی زبان فارسی در دوره حکومت شاهنشاهان مغول تیموریه در ضمن بک های نشر فارسی در باره اقداماتی که ابو الفضل علامی در استعمال فارسی سره در آثار خود به عمل آورده است ، اشاره نموده ایم ، و نیز گفته ایم که یک قرن و نیم بعد از ابو الفضل علامی سید باقر بن سید عثمان بخاری همت بر این کار گذاشته ، و در جواهر دوم کتاب جواهر الاولیا در بیان معانی نام های باری تعالی لغات و ترکیبات و جملات فارسی سره را آورده است ، و عمل سره نویسی از جانب سید باقر بن سید عثمان بخاری در دوره ای که سره نویسی در شبه قاره معمول نه بوده است ، موجب بسیار تعجب است .

آخرین نویسنده ای که توجه خاصی به استعمال فارسی سره کرده ، و آثاری در فارسی سره از خود باقی گذاشته است ، اسد الله خان غالب دهلوی (متوفی در ۱۲۸۴/۵-۱۸۶۹ م) بوده است . و ما شرح مختصری از نهضت سره نویسی در شبه قاره پاکستان و هند و نمونه فارسی سره از اسد الله خان غالب دهلوی در کتاب "تاریخ زبان فارسی" خود آورده ایم .^۲

۱- "تاریخ زبان فارسی" تألیف نگارنده مقدمه ، مطبوعه کراچی ، ۱۹۶۲ میلادی ، ص ۱۹۲ تا ۲۰۳ . ۲- ایضاً : ص ۲۳۴ تا ۲۵۳ .

اکنون به بیان استعمال فارسی سره در جواهر دوم کتاب جواهر الاولیا می پردازیم:

۲۰- استعمال فارسی سره در جواهر دوم جواهر الاولیا

(۱) نام های باری تعالی که در معانی آن لغات و ترکیبات و جملات فارسی سره آمده است:

معانی در فارسی سره	نام های باری تعالی
پادشاه همه چیزها ،	یا مُلک
کام گار و راست آرنده کارهای مردمان ،	یا جبار
شکننده کام های بندگان و میراننده زندگان ،	یا قهار
کشاینده کارهای مردمان را ،	یا قحاح
دانا به هر چیزها ،	یا علیم
خوارکننده بندگان را ،	یا منزل
واد دهنده هر داد خواهی را ،	یا عدل
آگاه به همه چیزها ،	یا خبیر
بزرگ وار و بزرگ ،	یا عظیم
بلند و بزرگ بر همه چیزها ،	یا کبیر
بزرگ و گرامی وارنده ،	یا کریم
بزرگ وار بر هر چیزی ،	یا مجید
گواه راست ،	یا شهید
بندگان را نگاه بان و راست آرنده کارها ،	یا وکیل
دوست و نگاه بان و کارکننده ،	یا ولی

معانی در فارسی سره	نام های ماری تعالی
زنده کننده مُرُگان را ،	یا محی
میراننده زندگان را ،	یا ممیت
توانگر کننده ،	یا واجد
بزرگ است ،	یا ماجد
یکی است ،	یا واحد
تواننده ،	یا مقدر
آن که همیشه باشد ،	یا آخر
پنهان از چگونگی و داننده کارهای پنهان ،	یا باطن
سازنده کارهای بندگان ،	یا والی
برتر و پاک ،	یا متعال
کینه و داد ستاننده ،	یا منتقم
بسیار مهربان تر ،	یا رؤف
خداوند پرورنده ،	یا رب
داد کننده و داد دهنده ،	یا مقسط
روشن کننده آسمان و زمین را ،	یا نور
راه راست نماینده ،	یا هادی
نو آفریدگار ،	یا بدیع
آن که همیشه باشد ،	یا باقی
راه راست نماینده ،	یا رشید
شکیبایی کننده .	یا صبور

(ب) نام های باری تعالی که در معنی هر یک از آن ها فقط یک لغت عربی آمده است:

معانی در فارسی سره	نام های باری تعالی
اوست و به جز او دیگر هیچ نیست،	یا هو
روزی دهنده همه مخلوقات،	یا رحمن
مهربان تر از همه مخلوقات،	یا رحیم
پاک از همه عیب ها،	یا قدوس
بی عیب از تکوینش،	یا سلام
گواه راست بر اعمال بندگان،	یا نصیحت
غلبه کننده بر همه چیزها،	یا عزیز
نگارنده چهره ها و صورت ها به آفرینش گوناگون،	یا مصور
آموزگار گناهان بندگان و پوشنده عیب های بندگان،	یا غفار
بخشنده بسیار عطا ها به بندگان،	یا وداد

(ج) نام های باری تعالی که در معنی هر یک از آن ها فقط دو لغت عربی آمده است:

معانی در فارسی سره	نام های باری تعالی
آفریننده هر چیزی به صفت و خاصیت،	یا باری
نگاه دارنده بندگان خود را از آفت ها و بلاها،	یا حفیظ
بزرگ وار به ذات و صفات خود،	یا جلیل
اجابت کننده دعای بندگان را،	یا مجیب
شمار کننده کلیات و جزئیات،	یا محصى

در آخر شرح استعمال فارسی سره در جواهر دوم کتاب جواهر الاولیا از جانب سید باقر بن سید

عثمان بخاری لازم می دانیم عقیده خود را در این باره بیان بنماییم.

به عقیده ما سید باقر بن سید عثمان بخاری که علاقه زیادی با زبان عربی داشته، و عربی را به حد زیاد در جواهر الاولیا آورده است، مانند ابوالفضل علامی مخترع فارسی سره نه بوده است، بلکه او معانی نام های باری تعالی را در فارسی سره از کتابی آورده است که در دوره قدیم تألیف یافته، و در دست رس او بوده است، و نام آن را در جواهر الاولیا به صراحت نه گفته است.

البته چیزی که مایه تعجب می باشد، این است که او بعد از جستجو و تفحص خاصی معانی نام های باری تعالی را که در فارسی سره آمده است، به دست آورده، و در کتاب جواهر الاولیا درج نموده است.

۲۱- لغات فارسی خالص

و علاوه بر جواهر دوم کتاب جواهر الاولیا لغات فارسی خالص در جا های دیگر نیز آمده است. و ما مثال های این نوع لغات فارسی خالص را در ذیل می آوریم:

(۱) لغات عام فارسی خالص:

آب.	آدینه.	آزار.	آفتاب.	آواز.
آهن.	امروز.	اندرون.	انده.	اندیشه.
بار.	بانگ.	بزرگ.	بسیار.	بند.
بنده.	بهشت.	بنی بی.	پا.	پادشاه.
پادشاهی.	پارسی.	پاره.	پدر.	پری.
پسر.	پشت.	پیر (کهن سال).	پیر (مُرشد).	پیری.
تاریک.	تازه.	تتها.	جنگ.	جوان.
چلّه.	چوب.	چل.	چیز.	خاک.

خانہ	خرد	خرد	خواب
خوانندہ	خوبیش	دایہ	درست
درمیان	درندہ	درد	دشت
دشمن	دل	دیگر	دیگران
دیو	راست	رخت	روز
روزگار	روش	روشنائی	روشنی
زار	زال	زندان	زنده
زیان	سال	سفید	سنگ
سیاہ	سیاہی	شاه	شب
شکم	شیر	فراوان	فیل
کار	کشتی	کنہ	گاہی
گرد	گزگ	گناہ	گور
گوش	گویا	مادر	ماہ
مردہ	نمر	میوہ	نام
نبیرہ	نگاہ	ہفت	ہمیشہ
یار	یگانہ		

(ب) لغات فارسی خالص بہ صورت صفاتِ خداوندی (غیر از انانی کہ در جواهر دوم جواهرالاولیا آمدہ است) و ما مثال های این نوع لغات را در ذیل می آوریم:

آمزندہ	بیندہ	بخشایندہ	بخشندہ	پذیرندہ
پوشندہ	خوانندہ	دانشدہ	دوزندہ	شکندہ
شنوندہ	گیرندہ			

۲۲- ترکیبات فارسی خالص

(غیر از آنی که در جواهر دوم جواهر الاولیا آمده) و ما مثال های این نوع ترکیبات را در ذیل می آوریم:

(ا) ترکیبات عامه فارسی خالص.

آب ندیده.	آب نرسیده.	آتش نرسیده.	ارج مند.	بادزده.
بخت بسته.	بزنغاله.	بزه کار.	بوستان.	پیایی.
جای گاه.	خداشناس.	خواب گاه.	دیگ دان.	دل گیر.
دو جهان.	زنده دل.	ژنده پیل.	سبز فام.	سر تراشیده.
سنگ ریزه.	شبان روزی.	شبان گاه.	شب خیز.	شب خیزی.
گاه گاه.	گم شده.	گورستان.	گوشه نشین.	گوناگون.
ماده گادان.	نیک بخت.	نیک زاده.	نیکوروی.	نیم شب.
هیزم فروش.				

(ب) ترکیبات فارسی خالص که به صورت صفات خداوندی آمده (و غیر ازانی که در جواهر دوم)

جواهر الاولیا آمده است) و ما مثال های این نوع ترکیبات را در ذیل می آوریم:

آرزو بخش.	امید رساننده.	بر آورنده.	دست گیر.
دوست دار.	روزی دهنده.	فریادرس.	کار ساز.

۲۳- محاورات فارسی خالص

محاورات فارسی خالص نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع محاورات را

در ذیل می آوریم:

آبادان شدن.	آراسته گردیدن.	آشفته بودن.	آشنائی کردن.
آمزش خواستن.	آمزیده شدن.	آه کشیدن.	آهنگ جان داشتن.
از راه رفتن.	انگینخته شدن.	بار گرفتن (حامله شدن).	باز یافتن.
بخت بسته شدن.	برانگیرانیدن.	بردست دمیدن.	بسته شدن.
بلند گردانیدن.	بلند گردیدن.	به تیغ آوردن.	به خاک سپردن.
بیزار شدن.	بی نیاز شدن.	بی بهوش شدن.	پسندیده بودن.
پیش آمدن.	پیوسته خواندن.	تونگر گردانیدن.	تونگر گردیدن.
در جنگ پشت دادن.	در خواب دیدن.	درود فرستادن.	دروغ گفتن.
دست گیری کردن.	راست کردن.	راست گفتن.	روا شدن.
روزی شدن.	روزی گردانیدن.	روشن گردیدن.	ریسمان بستن.
زار زار گریستن.	زاری کردن.	زر شدن.	زهر فرود آمدن.
زیان رسانیدن.	زیر و زبر کردن.	سرخ رو گردیدن (= از عمده کاری برآمدن).	
سرنگون کردن.	شادمان شدن.	شرمنده گردانیدن.	فرود آمدن.
فرود مالیدن.	کار از سر گرفتن.	کار بسته شدن.	کشاده گردیدن.
گذران کردن (زندگی بسر کردن).	گریزان شدن.	گنج نمودن.	گور کاویدن.
مانده شدن.	نگاه داشتن.	نماز گذاردن.	دام دوخته گردیدن.

۲۴- اسم معنی فارسی

(در ایران) و اسم حاصل مصدر فارسی (در شبه قاره)

این نوع اسم ها در جواهرالاولیا کم آمده است، و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم:

آمزش (سه بار) روش (یک بار)

۲۵- اسم معنی فارسی

(در ایران) و اسم حاصل مصدر (در شبه قاره) به اضافه
"پای مصدری" در آخر لغت:

این نوع اسم ها در جواهر الاویلیا آمده است، و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم:

(ا) لغات مفرد:

بدی.	تلخی.	خوبی.	دروغی.	درویشی.	دشمنی.
دشواری.	دوستی.	راستی.	رسوائی.	فراخی.	فراموثی.
نزدیکی.	نیکی.				

(ب) لغات مرکب:

بد خونی.	بد فعلی.	بد نامی.	بزرگ داری.	برخورداری (= اطاعت).
بی کسی.	پرهیزگاری.	توان گری.	دروغ گونی.	دل گوری.
دل گیری.	راست گونی.	راه نمونی.	رست گاری.	سرگردانی.
کم خوری.				

۲۶- یک نوع دیگر از اسم معنی فارسی

(در ایران) و اسم حاصل مصدر فارسی

(در شبه قاره)

لغات فارسی که در آخر آن ها "ه" باشد، در صورت اِهم معنی (یا اِهم حاصل مصدر) "ه" مبتدل
به "گ" می شود، و در آخر آن "پای مصدری" اضافه کنند.

این نوع اسم های معنی یا اِهم حاصل مصدر در جواهر الاویلیا آمده است، و ما مثال های آنها

را در ذیل می آوریم :

دیوانگی .	درماندگی .	چگونگی .	تشنگی .	بندگی .
یگانگی .	همسایگی .	مردگی .	گرسنگی .	شرمندگی .

۲۷- استعمال لغات فارسی به معنی خاص

در شبه قاره پاکستان و هند

بعضی از لغات فارسی که به خصوص در شبه قاره به معنی خاص در استعمال بوده و هست ، در جواهر الاولیا آمده است . و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم :

۱- اصطلاحات برای مقیاس وزن

آثار : برای اجناس ، مثال آن : نیم آثار جو ، (این لغت در دوره حاضر رائج نیست) .

سیر : برای اجناس و دیگر اشیا مادی

من : برای اجناس و دیگر اشیا مادی

یک سیر در شبه قاره = ۸۰ تول .

یک من در شبه قاره = ۴۰ سیر .

۲- لغات فارسی به معنی خاص

آسوده = مدفون .

اندیشه = ترس ،

جمال = صورت انسان ،

حفظ = قوه حافظه ،

دریا = رودخانه ، آب ،

دروغی = دروغ گوئی ،

دیوان	=	دفتر حساب،
زحمت	=	زخم،
زحمتی	=	زخمی،
سایه	=	جن و پری،
شیخ	=	نوعی از دعا و ورد،
عزیمت	=	(۱) افسون، طلسم، (۲) دعا و ورد،
عورت	=	زن،
عورتان	=	زنان،
عسل	=	شست و شوی عادی،
فتوحات	=	اشیای خوردنی یا پولی که به فقرا و درویشان می دهند،
لک	=	صد هزار،
محنت	=	کار،
مردگی	=	مرگ،
مسافری	=	سفر،
واقعه	=	حالت خواب،
همیانی	=	همیان.

۲۸- استعمال ترکیبات فارسی به معنی خاص

در شبه قاره پاکستان و هند

بعضی از ترکیبات فارسی که به خصوص در شبه قاره به معنی خاص در استعمال بوده و هست،

و در جواهر الاولیا آمده است، ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم:

برخورداری = اطاعت،

دل گوری = تاریکی دل،

سرمه دانی = سرمه دان،

سه گان بار = سه بار،

هفتادگان بار = هفتاد بار،

یادگیری = یاد گرفتن.

۲۹- استعمال محاورات فارسی به معنی خاص

در شبیه قاره پاکستان و هند

بعضی از محاورات فارسی که به خصوص در شبیه قاره به معنی خاص در استعمال بوده و هست، و در جواهر

الاولیا آمده است،

ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم:

(۱) محاورات عامه

بی عقل شدن = دیوانه شدن،

دعوت کردن = ورود خواندن،

سرخ رو گردیدن = از عمده کاری برآمدن،

فیل برداشتن آن نتواند = بسیار شکیب است،

گذران کردن = زندگی بسر کردن،

نقل کردن = فوت شدن = مردن

(ب) محاورت خاص فارسی که از لحاظ معنی در به وجود آمدن آن ها سحر و جادو ، و درعکس العمل آنها دعا و ورد مؤثر است ، این نوع محاورت خاص در جواهر الاولیا آمده است ،
و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم :

۱- چشم بستن = از قوه بینائی محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
چشم کشادن = قوه بینائی را به حال اصلی برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۲- خواب بستن = از حالت خواب محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
خواب کشادن = حالت خواب را به حال اصلی برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۳- زبان بستن = از قوه گویائی محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
زبان کشادن = قوه گویائی را به حال اصلی برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۴- مردی بستن = از قوه مردی محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
مردی کشادن = قوه مردی را به حال اصلی برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۳۰- استعمال افعال فارسی به روش قدیم

در جواهر الاولیا افعال فارسی به روش قدیم نیز آمده است ، ولی بسیار کم است . ما مثال های
های آن ها را در ذیل می آوریم :

برداشتن نتواند = نمی تواند بردارد ،

بیان کردن نتواند = نمی تواند بیان کند ،

غسل کناند = (کناند از مصدر کنانیدن) یعنی سبب شود که کسی غسل کند .

۳۱۔ استعمالِ جملاتِ فارسی بہ روشِ قدیم

- در جواہر الاولیا جملاتِ فارسی بہ روشِ قدیم نیز آمدہ است، و ما مثالِ ہای این نوع جملات را بہ ترتیبی کہ در صفحاتِ کتابِ حاضر آمدہ است، در ذیل می آوریم:
- ۱۔ و از سختیِ گرسنگی و تشنگیِ خدایِ تعالیٰ نگاہ دارد اورا (ص ۵۴) ،
 - ۲۔ خدایِ تعالیٰ اورا بیامرزد گناہانِ قدیم و جدید، و پنهان و آشکارا (ص ۶۲) ،
 - ۳۔ بیامرزد خدایِ تعالیٰ گناہانِ خرد و بزرگ (اورا)۔ (ص ۸۳ و ۱۳۸) ،
 - ۴۔ امین شود (او) از جملہ بلاہای دنیا و آخرت (ص ۸۳) ،
 - ۵۔ حق سبحانہ، و تعالیٰ اورا امین گرداند از شیر آدمی و پیری و از ہر آفت و وحشت و از مرض و جراحت۔ (ص ۱۰۱) ،
 - ۶۔ برپیچ امیر و پادشاہ محتاج نہ گردد بہ عظمتِ این نام (ص ۱۱۳) ،
 - ۷۔ دل او صاف گرداند خدایِ تعالیٰ از زنگِ سیاہی (ص ۱۱۴) ،
 - ۸۔ تن او ہمیشہ سلامت باشد از دروہا (ص ۱۱۴) ،
 - ۹۔ خدایِ تعالیٰ متابع اورا در امن و امانِ خود نگاہ دارد از شرّ دشمنان و دزدان و غیرہ (ص ۱۱۵) ،
 - ۱۰۔ عطا کند خدایِ تعالیٰ او را پادشاہی دنیا و آخرت (ص ۱۲۲) ،
 - ۱۱۔ و گناہانِ خرد و بزرگ خدایِ تعالیٰ اورا عفو کند (ص ۱۷۱) ،
 - ۱۲۔ آن را ارشاد کند بہ سوی خدایِ تعالیٰ (ص ۱۸۲) ،
 - ۱۳۔ و بیامرزد خدایِ تعالیٰ گناہانِ او خرد و بزرگ، پنهان و آشکارا (ص ۱۸۴) ،
 - ۱۴۔ از وغدغہ قحطِ حق سبحانہ، و تعالیٰ اورا نگاہ دارد (ص ۱۹۸) ،
 - ۱۵۔ و از سفیدی چشم و درد چشم، کہ اطبا از آن عاجز آیند، خدایِ تعالیٰ اورا نگاہ دارد۔ (ص ۲۰۱) ،
 - ۱۶۔ و از شیر شیر خدایِ تعالیٰ نگاہ دارد (اورا) (ص ۲۰۳) ،

- ۱۷- و از بلاهای گوناگون خدای تعالی او را در امان خود نگاه دارد (ص ۲۰۹) ،
- ۱۸- خدای تعالی پیامرزد گناهان او خرد و بزرگ ، پنهان و آشکارا (ص ۲۱۴) ،
- ۱۹- پیامرزد خدای تعالی او را پیش از آن که عدد تمام کرده باشد (ص ۲۱۷) .
- ۲۰- پیامرزد خدای تعالی او را گناهان خرد و بزرگ ، پنهان و آشکارا (ص ۲۲۱) ،
- ۲۱- و از جمله علت های گوناگون آن کس در امانت خدای تعالی بوده باشد (ص ۲۲۴) .
- ۲۲- و خدای تعالی او را پیامرزد گناهان خرد و بزرگ ، پنهان و آشکارا ، و پرنور گرداند قبر او را از رحمت خود (ص ۲۲۹) ،
- ۲۳- و امین باشد از هر خونی (ص ۲۵۰) ،
- ۲۴- گویا او و قبرهای دیگر ، که گرد او باشد ، تمام روشن و پرنور گردد به فرمان خدای تعالی (ص ۲۵۱) ،
- ۲۵- پرنور گرداند (خدای تعالی) آن قبر را از رحمت خود ، و فراخ گرداند خدای تعالی قبر او را هزار در هزار گز (ص ۲۹۷) ،
- ۲۶- آیاراه نمایم شمارا بر دعائی که جامع جمیع ادعیه به تمام ها باشد (ص ۳۲۵) ،
- ۲۷- و این نصیحت است مرزبان را و غافلان را (ص ۳۳) ،
- ۲۸- و اگر میان دشمنان برود ، دوست جانی گردند از برکت این دعا (ص ۳۴۳) ،
- ۲۹- هیچ اسلحتن او را مجروح نه سازد از برکت این دعا (ص ۳۴۴) ،
- ۳۰- نیکو شود از برکت این دعا (ص ۳۴۴) ،
- ۳۱- حوران و غلمان پیش او بسیار آیند ، و مونس او باشند تا روز قیامت (ص ۳۴۴) ،
- ۳۲- و فراخ شود قبر او هزار در هزار گز ، و پرنور شود قبر او از رحمت خدای تعالی تا روز قیامت (ص ۳۴۲) ،
- ۳۳- و از غم برهد از برکت این حرز (ص ۳۹۸) ،
- ۳۴- پاک شود از گناهان خرد و بزرگ چنان چه از مادر زاده (ص ۳۹۸) ،
- ۳۵- بر برکت آن همه قبورها از مشرق تا به مغرب پیامرزد ، و پرنور گرداند خدای تعالی الی یوم القیمة (ص ۵۲۶) .

۳۲- لغات نادر و کم یاب

لغات نادر و کم یاب نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم:

ایمان داران ،	=	ایمانیان
زیارت کننده ، زائر ،	=	زیارتی
شیرینی (به طور نذر و هدیه) ،	=	شیرنی
قربت داران ، خویشاوندان ،	=	قربتان
ملک ،	=	ملکا
نعیم = نعمت ،	=	نعیما
جمع فارسی لغت عربی "وَلَد"	=	وَلَدان

۳۳- ترکیبات و محاورات نادر و کم یاب

ترکیبات و محاورات نادر و کم یاب نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های آنها را در ذیل می آوریم:

(۱) ترکیبات نادر و کم یاب

بی محتاج - بی نیاز - تونگر ،

بی ناغده (ده خواندن) - ده خواندن بدون ناغده (یعنی ده زبانی)

ماد ورد خواندن روزانه ،

تجران هندی - اشخاص با تجربه هندی ،

جیلہ ناک	=	جیلہ ساز ،
دوست روی	=	دوست داری ،
راستان و چپان	=	راست و چپ ،
زندانی حبس	=	زندانی (جای کہ محکومین را بازداشت کنند) ،
سازواری	=	سازگاری ،
عزت ناک	=	عزت دار ، صاحب عزت ،
ناسازواری	=	ناسازگاری ،
نامزاداری	=	ناسازگاری .
(ب) محاورات نادر و کمیاب		
روزی شدن	=	عطا شدن از خداوند تعالی
		(مثال : اولاد نیک و صالح)
لگت گرفتن	=	اسم "اللہ" را برای ایصال ثواب به کسی صد ہزار مرتبہ گفتن .

۳۴۔ نام های ادویہ در شہر قارہ پاکستان ہند

نام های بعضی از ادویہ، کہ در قدیم در شہر قارہ رائج بوده است در جواهر الاویا آمدہ است و شناخت بعضی از آنها بر طبیبان امروزہ مجہول است :
مانام های ادویہ را در ذیل می آوریم :

بتوق اننا .	بوزیل .	تخم حبّ التیل .	حبّ الاس .	حبّ البان .
حبّ القسط .	حنای ترک .	سعد ازرق .	سنگ خام .	سنگ دخنہ مریم (= قناع) .
سنگ زعفران .	سنگ سارخ کثری .	سنگ صندل سرخ .	سنگ مشک .	شیر خریدیرہ .

قرازی. قسط بحر تلخ. قسط بحر شیرین. ورق انجیل^۱.

۳۵- نام چین ها

نام های جن ها نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما آن ها را در ذیل می آوریم:
 جابرون بملک. جومکان بملک. ستمکون بملک. قنطوس^۲.

۳۶- لغات محلی

لغات محلی نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما آن ها را در ذیل می آوریم:
اجود سن = نام قدیم قریه پاک پتن شریف در بخش ساہی وال (استان پنجاب) که محل آرام گاہ
 عارف معروف شیخ فرید الدین مسعود شکر گنج (متوفی در ۶۶۳/۱۷۲۵ م) می باشد.
 (لغت پتن) نیز لغت محلی است به معنی ساحل پاک رود خانہ.
 انس = نوعی از دانه های خرد که از آن روغن تهیه می شود، که موسوم است به روغن
 انس.
 اولارہ = سرود بیداری بچکان به مقابله "لوری" (کلمه محلی) که سرود خواب بچکان
 می باشد.
 بھنگرہ = بھنگرہ = نوعی از دانه های گیاهی خوردنی.
 پا = پاؤ = اصطلاح برای مقیاس وزن اجناس = ۲ تولا یا $\frac{1}{4}$ سیر در شبہ قارہ.

دھکڑ	=	دھکڑ = پارچہ درشت نخی .
روپیہ	=	واحد پول در پاکستان .
سگ	=	نوعی از خورش معروف سبزی در شبه قارہ .
سپاری	=	ثمر فوفل کہ تکہ های آن با برگ تنبول می خوردند .
فاطمان	=	لجہٴ محلی لغت "فاطمہ" (= فاطمۃ الزہراءؑ) .
کتورا	=	کتورا = کاسہٴ مسی .
کیس	=	کھیس = نوعی از بالا پوش مردانہ ای کہ از پارچہٴ درشت نخی تہیہ می شود .
ناعنہ	=	روزِ خالی در خواندنِ دُعا ہا و ورد ہا و یا در کارِ روزانہ :

۳۷- لغات و اشارات نامفہوم

در کتاب جواہر الاولیا در بعضی جا ہا لغات و اشاراتی آمدہ است کہ مطالب آن ہا نامفہوم

است :

و ما آن نوع لغات و اشارات را در ذیل می آوریم :

(۱) لغات نامفہوم

۱- چاری کندہنج مکن مانیان^۱ .

۲- بعضی از لغاتی کہ در یک اعتصام آمدہ است ، مانند

کیچ	میچ	ککچیچ	جو جو ع	مرخمو ع	ممنخو ع	ایخ
طماج	ایخ	ایخ	آرش	آرش	آرش	آرش ^۲

۱- ص ۳۲۵ و ۵۶۱ کتاب حاضر .

۲- ص ۴۰۰ و ۴۰۱ کتاب حاضر .

۳- نام های ملوک مُلک ارواح .

توتلا .	کوکله .	بهرین .	قیقرس .	منقوش .
شمراج .	ایکرتی .	مصفیون .	عتریس .	کاماک .
دھنش .	دھوش .	معا بر .	صعوک .	باطوغطیبون .
مادوش .	کانوش .	بنی دھنش .	صفرین .	صفر عجن !

۴- چهل اسم یونانی .

نیلکوش .	جیماش .	مندولاش .	مقاش .	بطیایاش .
صعوش .	صعبوش .	صارش .	طھارش .	یعزوش .
مطلش .	طیماش .	ایاش .	ھیمالوش .	دماوش .
طوا طوا .	طویا طویا .	عدیث .	حدیث .	فجد .
عبد .	جیث .	رھنوش .	یراش .	طیش .
ایشاھیش .	داریش .	فیش .	دوش .	معدوش .
یفجفج .	ھجفج .	عکش .	کشتہ .	متا مع .
طیش .	طوش .	ططوش .	رھنوش .	جلججوس .

۵- لغات نامفوم در یک دعا .

ام منو فجر بانیہ ہلکہ ملیکہ ورتیا سمنکا فجر منکا حجر منکا ورتیکمہ و شادوریا ہلاہیا غنجلیتا یوما
دشیتنا ندم و امنخ برھبت لاحتا مبلوتا فیخفجلا . جنمش جموش کموش کورش کنگرش کمرش ہنش
ہنش الزویا الزویا اذاکش اذاکشون کال مال واه یاه ہی الساعۃ ہساعۃ صوکش نموشاخ .

(ب) اشارت نامفوم

۷۱ھ ح - ۱ - ۵ لا I - ح لا ح ۵۵ . ۸۸ .

۱- ص ۴۵۶ و ۴۵۷ کتاب حاضر . ۲- ص ۴۵۸ کتاب حاضر .

۳- ص ۴۵۵ کتاب حاضر . ۴- ص ۴۵۸ کتاب حاضر .

۳۸- موازنہ و سجع

در جواہر الاولیا بہترین نمونہ موازنہ و سجع در یک دعای طولانی آمدہ است ، و ما چند مثال

موازنہ و سجع را از دعای مزبورہ در ذیل می آوریم :

خطاب بندہ بہ خداوند :

- | | |
|-----------------------|---------------------|
| ۱- ای قاضی بی عزل ! | ای حکیم بی معزل ! |
| ای مفضل بی فضول ! | ای عادل بی عدول ! |
| ای توانای بی ظہیر ! | ای ملک بی وزیر ! |
| ای قاهر بی مشیر ! | ای خداوند بی نظیر ! |
| ۲- ای خالق بی عدل ! | ای رازق بی مدد ! |
| ای خالق ہر مخلوقی ! | ای رازق ہر مرزوقی ! |
| ای اول بی ہدایت ! | ای آخر بی نہایت ! |
| ای ظاہر بی صورت ! | ای باطن بی ضرورت ! |
| ای حتی بی حیلت ! | ای قیوم بی حالت ! |
| ای عزیز بی ذلت ! | ای غنی بی قلت ! |
| ای دائم بی عدت ! | ای قائم بی مدت ! |
| ای معطی بی فکریت ! | ای بخشندہ بی منت ! |
| ای بخشاینده بی صنعت ! | ای صانع بی آلت ! |
| ای مہدی بی حالت ! | ای قاضی بی رشوت ! |
| ای علام بی تفکر ! | ای قسام بی تغیر ! |
| ای جبار بی تحیر ! | ای قہار بی تہور ! |

- ۳- ای مقدری که رقم قلم تقدیر تو به صبح آبی محو نگردد !
 ای مدبری که تیر تقدیر ترا صبح تدبیر سپری نگردد !
 ای ملکی که ملک ترا عزل صورت نه بندد !
 ای بخشنده که هرگز ملول نگردی !
 ای قناری که هرگز عاجز نشوی !
 ای کریمی که هزار هزار نعمت زیاده کنی به شکری !
 ای رحیمی که هزار هزار گناه بیامیزی به عذری !

- ۴- ای دانشنده ضماثر ! ای داننده سرائر ! ای آمرزنده صفائر و کباثر !
 ای دست گیر هر سرگشته ! ای فریاد رس هر در مانده !
 ای دوست دار نیکوکاران ! ای ستار توبه کاران !
 ای غفار گناه گاران ! ای روزی دهنده بی کاران !
 ای قبول کننده توبه عاصیان ! ای پذیرنده گریختگان !
 ای رحیم پریشانان ! ای کریم پشیمانان !
 ای مؤسس پر عثمان ! ای موجود در همان^۲ !

- ۵- ای داننده نام ها ! ای شکننده کام ها ! ای دوزنده وام ها !
 ای بر آورنده حاجت ها ! ای داننده راز ها !
 ای بیننده غیب ها ! ای پوشنده عیب ها !^۳
- در این دعا مثال های دیگر از موازنه و سیح نیز آمده است ، ولی ما بنا بر خوف تطویل کلام
 از آوردن آن ها صرف نظر نمودیم .

۳۹- تمثیل

در کتاب جواهر الاولیا تمثیل نیز آمده است، و ما مثال های آن را در ذیل می آوریم:

(۱) "بالای پیش یک کنگره است، و در آن کنگره سه هزار و سیصد و شصت و یک حجره اند از مروارید صاف که به یقین قدرت حق تعالی آفریده است. و در میان هر حجره یکان یکان صندوق از زرد سبز به مقدار ربع دنیا پیدا کرده است، و جمله ثواب اسمای اعظم در آن صندوق ها قفل کرده نهاده است، و بر هر حجره هفت صد و شصت و یک ملک نام زده است، مادام که آن قفل کشاده نگردد، دعوت اسمای اعظم اجابت نشود!"^۱

(۲) هر که این دعای جیبی بخواند هفتاد هزار قدم او را روزی کنم، و در بهشت هفتاد هزار کوشک به نام آن بنده کنم، و در آن کوشک ها حوران بهشت تسبیح گویند، و خود را آراسته پیرایه پوشند، و برای آن بنده منتظری باشند تا روز قیامت.

و پیش هر کوشکی جونی روان باشد، و برگرد برگردد هر جونی هفتاد هزار دخت باشد، و آن درختان از پا قوت باشند، و شاخ های درختان از مروارید باشند، و برگ های درختان از مشک باشند."

۴۰- ترجمه جمله های عربی به فارسی

در آغاز موضوع مختصات زبان کتاب جواهر الاولیا در صفحات گذشته گفته ایم که مؤلف کتاب جواهر الاولیا سید باقر بن سید عثمان بخاری در مقدمه مختصر کتاب ادعا نموده که عبارات عربی را به فارسی ترجمه کرده است تا عوام الناس و اخلاف آنان مطالب کتاب را به آسانی بفهمند.

۱- ص ۱۱۱ و ۱۱۲ کتاب حاضر. ۲- ص ۳۳۷ و ۳۳۳ کتاب حاضر.

و نیز گفته ایم که ادعای سید باقر بن سید عثمان بخاری در باره ترجمه عبارت عربی به فارسی درست نیست، و در این کتاب فقط چند جمله و یک حکایت را پیدا کرده ایم که از عربی به فارسی ترجمه شده است، و اشاره هائی در باره ترجمه در ضمن جمله ها و حکایت مزبوره در کتاب موجود است؛ اکنون ما جمله های مزبوره را به ترتیبی که در این کتاب آمده است، در ذیل می آوریم:

(د)، جمله ها

۱- یا ولدی ! من قرء الفاتحه مع الاخلاص مرة لم یبق من ذنوبه ذرة.
ترجمه: یعنی ای فرزند من سید باقر! هر که سوره الفاتحه مع اخلاص یک بار بگوید، هرگز ذره گناه در وجود وی نماند!

۲- رسول فرمود: صل الله علیه و آله وسلم،:

اثنتان فما فوقها جماعة.

قال ابوحنیفه: بسواء الامام،

وقال آخرون: اثنتان مع الامام جماعة.

(ترجمه): دو نفر و آن چه زیاد است، جماعت است،

و امام اعظم گفته: دو نفر جز امام،

و دیگران می گویند: دو نفر با امام. ۲

۳- حضرت رسالت پناه، صل الله علیه و آله وسلم، فرمود:

"یا ولدی ! من قرء الله لا اله الا هو تا آخر آیت ۳ فی کل یوم و لیلتة ثلث

مؤاة، حفظ الله تعالى من کل البلاء و الآفة من الدنیا و الآخرة.

(ترجمه): حضرت رسالت پناه، صل الله علیه و آله وسلم، سید عثمان بن سید داؤد بخاری را

فرمود که: ای فرزند من! هر که در شب و روز آیت الکرسی سه بار بخواند،

خدای تعالی او را نگاه دارد از جمله بلاهای دنیا و آخرت. ۵

۱- ص ۵ کتاب حاضر. ۲- ص ۱۲ کتاب حاضر. ۳ و ۴- القرآن الحکیم: ۲، ۲۵۵.

۵- ص ۱۵ و ۱۴ کتاب حاضر.

۴۔ حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، فرمودہ است:

”من صلی علی مئة واحدة صلی اللہ علیہ عشر مئة.“

(ترجمہ): حضرت پیغمبر گفت، صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم،:

ہر کہ یک بار درود بر من فرستد، خدای تعالیٰ بروی ده بار درود فرستد!

۵۔ باز حضرت، مخدوم جہانیاں (جہانگشت) را از اندرونِ روضہ مبارک آواز بلند بر آمدی:

یا ولدی من صلی علی هذه الصلوة فی لیلة الاثنين سبع مئة قضی اللہ تعالیٰ لنا

ماية حاجة سبعین منها فی الآخرة و ثلاثین فی الدنيا.

(ترجمہ) حضرت پیغمبر، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مخدوم جہانیاں (جہانگشت) را فرمودی کہ:

ای فرزند من! ہر کہ بر من این درود در شبِ دو شنبہ ہفت بار بفرستد،

خدای تعالیٰ صد حاجتِ وی را بر آورده گرداند: ہفتاد حاجت از حاجت های

آخرت و سی حاجت از حاجت های دنیا!

۶۔ چنان چہ حضرت حجۃ الاسلام ابو حامد محمد غزالی، رحمۃ اللہ علیہ، در کتاب المحبۃ والشوق

و الرضا، کہ کتاب ششم است از رُبَعِ رابع در منجیات از احياء العلوم گفته است:

”دل حا کہ بعید شدہ اند از خدای تعالیٰ بہ سبب آن کہ بہ نفسِ خود مشغول اند یا بہ

غیر خود مشغول اند، و اعظم ازین ہر دو حجابِ شغلِ نفس است.“

بعد ازین ”ترجمہ فارسی حکایت در موضوع شغلِ نفس“ آغاز می گردد و در آخر حکایت مؤلف

جواہر الاولیا سید باقر بن سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید:

”تمام شد ترجمہ عبارتِ امام (ابو حامد محمد غزالی) در احياء العلوم“

مؤلف جواہر الاولیا اگر علاوہ بر ترجمہ های فوق ترجمہ عباراتِ عربی را بہ فارسی کردہ، و در این کتاب

آوردہ است، در بارہ آن در صیح جا اشارہ نہ کردہ است.

۱۔ ص ۲۳۴ کتاب حاضر. ۲۔ ص ۲۶۸ کتاب حاضر. ۳، ۴، ۵۔ ص ۵۱۵ و ۵۱۶ کتاب حاضر. مؤلف جواہر الاولیا در این جا

عبارتِ عربی از کتاب احياء العلوم نیاوردہ، بلکہ تنها ترجمہ فارسی آوردہ است.

بخش پنجم

اهمیت جواهر الاولیا در عصر حاضر

بخش پنجم مقدمه مشتمل است بر دو موضوع ذیل که اهمیت کتاب جواهر الاولیا را در عصر حاضر

توضیح می دهد:

اول: اهمیت جواهر الاولیا به عنوان کتاب علم الاجتماع، و

دوم: اهمیت جواهر الاولیا به عنوان "مختصر دائرة المعارف"

اکنون به شرح این دو موضوع فوق می پردازیم:

۱- اهمیت جواهر الاولیا به عنوان کتاب علم الاجتماع

در بخش سوم مقدمه در ضمن بیان موضوعات کتاب جواهر الاولیا در صفحات گذشته احوال و کیفیات اجتماعی دوره تألیف این کتاب یعنی دوره حکومت شاهنشاهان مغول تیموری را به شرح و بسط بیان کرده ایم و به خصوص احوال و کیفیات اجتماعی افراد طبقه سوم آن دوره و انواع بیماری ها و مصیبت های فردی و اجتماعی و حاجت های دنیوی و خواست های روحانی آنان را به تفصیل گفته ایم.

علاوه بر این اسباب و علل را نیز بیان کرده ایم که بنا بر آن بیشتری از افراد طبقه سوم به بارگاه

صوفیان و مُرشدان می رفتند، و چارهٔ انواع دردها و مصیبت ها را به صورت دعاها و وردها از آنان گرفته به عمل می آوردند، و در نتیجهٔ اعتقاد قوی بر عملیات صوفیان و مُرشدان از آن ها سود می بردند.

بنا بر دلائل مزبوره بدین نتیجه رسیدیم که بیشتری از مطالب جواهر الاولیا مربوط به کارهای اجتماعی می باشد، و این کتاب چنان که مؤلف آن در مقدمهٔ مختصر این کتاب گفته است برای افادهٔ عوام الناس یعنی افراد طبقهٔ سوم نوشته شده و دارای اهمیت بوده است.

در عصر حاضر نیز که عدهٔ صوفیان و مُرشدان نسبت به دورهٔ گذشته افزایش یافته، و به همین نسبت عدهٔ کسانی که برای چارهٔ دردهای خود متوجه به بارگاه صوفیان و مُرشدان می شوند، کم نیست، و مُرشدان امروزه نیز محتاج به کتاب هائی می باشند که دارای انواع دعاها و وردها باشد، تا آنان در ادای وظایف خود دربارهٔ اجتماع که از اسلاف خود به ارث به عهدهٔ خود داشته اند، به نحو اکل موفق گردند.

و نظر به امور مزبوره کتاب جواهر الاولیا به عنوان کتاب علم الاجتماع برای صوفیان و مُرشدان امروزه عاقلانه اهمیت خاصی می باشد، و آنان می توانند از محتویات این کتاب به طوری واقعی استفاده نمایند.

۲- اهمیت جواهر الاولیا به عنوان مختصر دائرة المعارف

در بخش سوم مقدمه در ضمن بیان موضوعات کتاب جواهر الاولیا در صفحات گذشته دربارهٔ جنبهٔ باطنی و معنوی این کتاب به دو امر مهمی اشاره کرده ایم:

یکی این که در دورهٔ حاضر در نتیجهٔ پیشرفت های سریع و شگفت آوری که در علوم و فنون به عمل آمده و مادیت بر روحانیت غلبه یافته است. عموم مردم این دوره به دعاها و وردهای صوفیان و مُرشدان کمتر توجه دارند، و به تأثیر دعاها و وردها نیز اعتقادی واقعی ندارند.

دوم این که محققین زبان در عصر حاضر نسبت به جنبهٔ ظاهری کتاب توجه خاص خود را به جنبهٔ باطنی و معنوی آن مرکوز دارند، و اهمیت کتاب را از لحاظ جنبهٔ باطنی و معنوی متعین کنند.

و نیز شرح دادیم که کتاب جواهر الاولیا از لحاظ جنبهٔ باطنی و معنوی نسبت به جنبهٔ ظاهری مهمتر

می باشد. بنا بر این اهمیت این کتاب را از این لحاظ بیشتر باید شمرد.
 سید باقر بن سید عثمان بخاری، مؤلف کتاب جواهرالادبیا، چنان که در صفحات گذشته گفته ایم،
 در ضمن دعاها و وردها نام صدها اشخاصی را آورده است.
 و در میان نام های اشخاص طبقه های مختلفه نام صدها مؤلفین بانام های تالیفات آنان نیز آمده
 است، و بدین لحاظ جواهرالاولیا مجموعه نام های مؤلفین ادوار گذشته بانام های تالیفات آنان می باشد.
 و نظیر به امور فوق کتاب جواهرالاولیا را باید "مختصر دائرة المعارف" قرار داد، و ارزش "دائرة المعارف"
 محتاج به بیان نیست.

و همین جنبه باطنی و معنوی کتاب جواهرالاولیا است که اهمیت این کتاب را در عصر حاضر
 و نظر محققین زبان فارسی مشخص می نماید.



خاتمه

در خاتمه مقدمه لازم نیست به شرح و بیان زحمت هانی سپرداریم که در این کار مهم کشیده ایم، زیرا محققین زبان فارسی که این نوع کار مهمی را به دست گرفته، و زحمت هانی را که در تکمیل آن کشیده اند، به نحو اکل آشنای باشند.

و کسانی که در این وادی قدم نه نهاده، و منازل این وادی دشوار گذار را نه پیموده، و سختی های این جاده نشناخته را نه کشیده اند، به این نوع کارهای مشکل تحقیقی آگاهی ندارند. البته در ضمن این نمی توانیم از اظهار یک حقیقت روشن خود داری نماییم. و این که اگر مقدمه های تحقیقی که محققین زبان و ادبیات ایرانی در ضمن متون قدیمه نوشته اند و از ایران به دست ما رسیده است، و کتاب سبک شناسی تألیف ملک الشعرا بهار در باره اصول و ضوابط شناختن سبک های نثر فارسی ادوار قدیم مورد مطالعه دقیق مآثور نگرفته بود، و پیش از همه اگر توفیق خداوندی شامل حال ما نمی بود، ما نمی توانستیم در تکمیل این کار مهم تحقیقی موفق شویم.

و لازم است بگوئیم که فواهم آوردن مواد لازم از داخل این کتاب ضمیمه کار آسانی نبوده است، و ما این کتاب را چندین بار به نظر دقیق مطالعه کردیم، و در نتیجه آن، در مرحله اول تمام جواهری را که سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلف کتاب جواهر الاولیا در مدت عمر خود از اولیا و آثار آنان گرفته، و در این کتاب جمع نموده بود، بیرون کشیده در رشته های مختلف مقدمه در آوردیم.

و اگر بگوئیم که در این کتاب گوشه ای نبوده است که نه گاه دیدیم، و مواد مطلوبه را به دست

نیارویم، هیچ راه مبالغه‌رانی پیماییم، و محتویات مقدمه بر بیان ما شاهد است. چنان چه بعد از این که تمام مطالب لازم را به دست آوردیم، همه آن را طبق اصول جدید تحقیق در بخش‌های مختلف به صورت مقدمه ترتیب دادیم. و از تمام مباحث مهمه‌ای که در این مقدمه آمده است، هیچ مبحثی نیست که مبنی بر شواهد داخلی نباشد.

و ظاهر است که برای تکمیل این نوع کارهای دقیق نه تنها وقت زیاد لازم است، بلکه صبر و تحمل و استقامت نیز لازم است، و بدون صفات مزبوره هیچ کس نمی‌تواند، به طوری که باید از عمده این کار بر آید.

در آخر مقدمه از محققین زبان و خوانندگان گرامی این مقدمه التماس می‌نماییم، که در مطالب این مقدمه در هر جایی یا مبحثی که خطائی راه یافته است، مطلع فرموده بر نگارنده خطا کار منت نهند.

دکتر غلام سرور،

استاد و رئیس سابق بخش فارسی،
دانش‌گاه کراچی.

۹۶۸ پی‌ال‌ئی بخش کالونی کراچی ۵.

۲۰ دسامبر ۱۹۷۵ میلادی



ضمیمه مقدمه

در ضمن شرح حال سید باقر بن سید عثمان بخاری^۱ و مؤلف کتاب جواهر الاولیا، و بیان وقایع خانواده های سادات بخاری در اُح بخاری^۲ در مقدمه حاضر گفتیم که مایک بار در سال ۱۹۷۶ میلادی و دو بار در سال ۱۹۷۳ میلادی به اُح بخاری رفتیم، و هر چه در باره سید باقر بن سید عثمان بخاری و خانواده اخلاف او جستجو کردیم، و آرزوی زیارت مسجد سید باقر بن سید عثمان بخاری و مزارات آنان در دل داشتیم، متأسفانه با وجود کوشش بسیار به مقصود خود نرسیدیم، بلکه گفته شد: سید باقر بن سید عثمان بخاری اصل اُح بخاری نه بوده، و شاید در جای دیگر زیسته است؛ بدبختانه ما حرف مزبوره را قبول نموده بی نیل و مرام و باتأسف تمام از اُح بخاری مراجعت نمودیم.

ولی بنا بر شواهد داخل کتاب جواهر الاولیا سید باقر بخاری در اُح بخاری ولادت یافته، و زیر سرپرستی پدر بزرگوار خود سید عثمان بن سید داؤد بخاری پرورش و تربیت یافته، و در محضر استادان بزرگوار خود علوم متداوله را تحصیل نموده بود. او طبق مراسم خانوادگی خود بر دست پدر خود بیعت نموده و مدتی در عبادت و ریاضت از نوع اعتکاف ها و چله ها در اُح بخاری مشغول بوده، و بعد از آن

۱- مقدمه حاضر، ص ۵۱ و ۵۰.

۲- ایضاً ص ۴۰ تا ۴۳.

۳- ایضاً ص ۵۲ تا ۵۸.

خرقه خلافت را از دست پدر خود یافته است .

او بعد از وفات پدر خود جانشین او گردیده وظایف راهنمایی مردم را به دین اسلام بعهده خود داشته بود . او در اوقات فرصت به تألیف و تصنیف کتب در موضوع دین اسلام و تصوف اسلام پرداخته بود ، و آثار او بر بیان ما شاہد می باشد .

و ما بنا بر بیانات فوق یقین داشتیم که حرف آتانی که گفته : "سید باقر بن سید عثمان بخاری" اهل اچ بخاری نه بوده ، و شاید جای دیگر زیسته است " به طور قطعی غلط است .

چنانچه ما در سال های بعد متصلاً در جستجو بودیم که اطلاعات صحیحی درباره سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او را که به عقیده ما در همان اچ بخاری زیسته اند ، به دست بیاریم .
بالآخره بعد از کوششهای بسیار اطلاعاتی به ما رسید که اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری بالیقین در اچ بخاری زیسته ، و دور از نزاعات خانوادگی در گوشه امنیت و سلامتی تنها وظایف راهنمایی و هدایت مردم را به عهده خود می داشته اند .

آنان در عصر حاضر به لقب "دیوان" ملقب و به همین لقب در اچ بخاری و در اطراف معروف اند ، و جانشین (به اصطلاح پاکستان تجداده نشین) کنونی سید باقر بن سید عثمان بخاری در اچ بخاری نیز موسوم به "سید محمد باقر بخاری" و معروف به "دیوان سید محمد باقر بخاری" می باشد .
اگرچه منزل اصلی حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری در اچ بخاری می باشد ، ولی در این ایام ایشان در یکی از توره های بخش ملتان اقامت دارند .^۱

بعد از حصول اطلاعات صحیح فوق درباره سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او تصمیم گرفتیم که یک بار دیگر به اچ بخاری برویم ، و منازل و مساجد سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او را ببینیم ، و مزارات آنان را زیارت کنیم ، و به اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری ملاقات کنیم .
و در آخر به دبی در بخش ملتان که از املاک تجداده نشین کنونی می باشد ، برویم ، و به زیارت ایشان مشرف شده اطلاعات تازه ای در باره خانواده ایشان به دست بیاریم .

۱- مقدمه حاضر، ص ۶۲ و ۶۳ .

چنانچه در اواخر سال گذشته نامه ها به خدمت شریف حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجاده نشین کنونی اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری به نشانی اُچ بخاری و ده چاه ٹھیری والا بخش ملتان فرستادیم.

و نیز یک نفر از اہالی اُچ بخاری را کہ بہ محض اتفاق پیش ما آمدہ بود، بہ اُچ بخاری فرستادیم تا خبر تازہ ای دربارہ حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری بیاورد.

او بعد از چند روز از اُچ بخاری مراجعت نمود، و خبر تازہ ای دربارہ حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری و اعضای خانوادہ ایشان آورد، و نیز کتابچہ ای آورد کہ موسوم است بہ "تذکرہ اولیای اُچ شریف" تألیف مولانا مولوی دین محمد عباسی علامہ کہ مشتمل است بر مختصر شرح حال بزرگان معروف خانوادہ سادات بخاری اُچ بخاری و خانوادہ سادات گیلانی گیلانی.

و روزی بعد نامہ ہر آمیزی از جانب جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی، خطیب مسجد جامع حضرت مخدوم سید جلال جہانپان جہانگشت در اُچ بخاری رسید کہ مشتمل بود بر نامہ ورود حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجاده نشین کنونی روز ۲۷، آوریل ۱۹۷۶ میلادی در اُچ بخاری بہ مناسبت عرس مجلس یاد بود سالیانہ، حضرت سید فیض اللہ بخاری معروف بہ سید فضل اللہ و سید فضل الدین لاڈلہ (بن سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جہانپان جہانگشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بزرگ).

و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی از جانب حضرت سجاده نشین کنونی مرقوم فرمودند کہ این جانب برای حصول شرف ملاقات حضرت سجاده نشین روز ۲۷، ماہ آوریل ۱۹۷۶ میلادی در اُچ بخاری حضور بہم رسانم.

چنانچہ ما بہ مشورت جناب مدیر محترم مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان دہ کنون از راولپنڈی بہ اسلام آباد انتقال یافتہ است، روز ۲۷، ماہ آوریل ۱۹۷۶ از اسلام آباد برای اُچ بخاری حرکت کردیم، و روز دیگر قبل از ظہر بہ اُچ بخاری رسیدیم.

در اُچ بخاری در اوایل حال با حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری و اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری، و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی ملاقات کردیم، و معلوم شد کہ حضرت دیوان

سید محمد باقر بخاری سجاده نشین بعد از ختم مراسم عرس حضرت سید فضل الدین لاڈل عصر روز گذشته
به ملتان مراجعت فرمودند.

اطلاعاتی که در این موقع از حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد
اولیس درباره خانواده سید باقر بن سید عثمان بخاری با دست رسیده، کمابیش همان بوده است که ما در
ضمن بیان و قالیح خانواده های سادات بخاری در آپج بخاری اختصاراً در مقدمه حاضر آورده ایم.
البته منزل قدیم خانواده سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او که بعد از او منصب سجاده
نشینی را می داشتند، از بیرون زیارت کردیم، زیرا تمام درها بسته بود، و کتابخانه معروف سید
باقر بن سید عثمان بخاری نیز در یکی از اطاق های همان منزل بوده است.

و نیز به زیارت مساجد و مزارات متبرکه سید عثمان بخاری و سید باقر بخاری و اخلاف آنان مشرف
شدیم،

و عکاس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، که برای عکس گرفتن همراه ما از
اسلام آباد آمده بود، به راهنمایی این جانب عکس های مطلوبه منزل قدیم خانواده سید باقر بن سید
عثمان بخاری و مساجد و مزارات متبرکه گرفت، که بامتن کتاب جواهر الاولیا و مقدمه حاضر به چاپ
رسیده است.

و تمام کار به راهنمایی و هربانی حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد
اولیس با اطمینان خاطر انجام گرفت.

البته از حصول شرف زیارت حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجاده نشین، که روز گذشته بعد
از ختم مراسم عرس به ملتان مراجعت فرموده بودند، محروم ماندیم.
مخومی از دیدار فیض آنگاه حضرت سجاده نشین مبدل به حسرت گردید، و ما به همراهی جناب مولوی
محمد فیض احمد اولیس از آپج بخاری برای ملتان حرکت نمودیم تا در ملتان به زیارت حضرت سجاده نشین
مشرف شویم.

به ملتان رسیدیم، و به منزلی که حضرت سجادہ نشین درملتان دارند، رفتیم، و با پسر ایشان موسوم به دیوان سید اعجاز احمد بخاری، که در دانشکده اسلامیہ ملتان درس می خوانند، ملاقات کردیم. معلوم شد که حضرت سجادہ نشین قبل از ورود ما به ملتان به دہ خود موسوم به چاہ پھیڑی والا تشریف بردند. و ما مقصود خود را که زیارت حضرت سجادہ نشین بود، با دیوان سید اعجاز احمد بخاری بیان کردیم. چنانچه ما به ہمراہی دیوان سید اعجاز احمد بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی از ملتان به چاہ پھیڑی والا رفتیم، و به دیدار ہر آثار حضرت سجادہ نشین، کہ از چار سال گذشتہ آرزوی آن را در دل می پروریم، مشرف شدیم.

حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجادہ نشین کنونی خانوادہ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری شخصی می باشند متصف به اوصاف نیکو و عادات کریم، و آراستہ به اخلاق فاضلہ و سجایای نیک، و بنا بر طبع حلیم و خاطر شریف اشرف اشرف خانوادہ خود می باشند. ایشان در یک طرف به عبادت و ریاضت و بہ طرف دیگر بہ راہنمائی و ہدایت مردم بہ دین بین اسلام مشغول می باشند.

موقی کہ شرح حال بزرگان سادات بخاری و بہ خصوص سید باقر بن سید عثمان بخاری و خدمات آنان را بہ دین اسلام بیان کردیم، و زحماتی را کہ برای بہ دست آوردن نسخ خطی کتاب جواهر الاولیا تألیف سید باقر بن سید عثمان بخاری و در تصحیح آن کتاب متحمل شدیم، و مسافرتہای خود را در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ میلادی بہ اچ بخاری برای بہ دست آوردن نسخہ خطی جواهر الاولیا و جمع آوری اطلاعاتی دربارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او و بی نیل مقصود از اچ بخاری مراجعت کردن را بیان نمودیم، و نیز آرزوی زیارت خود ایشان را شرح دادیم، رقت قلب بر ایشان طاری و اشکهای تأسف از چشمان ایشان جاری گردید، و تا دیر ساکت ماندند.

چون بہ حالت اصلی طبیعی آمدند، از مسامی بندہ نا چیز در تصحیح کتاب جواهر الاولیا و در خدمت بہ خانوادہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او اظہار تعجب و تعریف نمودند، و بعضی از وقایع را کہ دربارہ خانوادہ خود و کتابخانہ معروف خانوادہ خود، کہ بیشتری از کتابهای آن تلف شدہ بود، بیان فرمودند.

موقعی که می خواستیم از آن جا به ملتان مراجعت نماییم، ایشان با مهربانی ها و دعاها برای تکمیل کار این بنده عاجز را مرخص فرمودند.

در آخر لازم می دانیم که از حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجاده نشین اچ بخاری و پسر ایشان دیوان سید اعجاز احمد بخاری و حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی اظهار تشکر نماییم که در نتیجه اخلاق کریمانه همه آنان در تهیه آخرین مطالب همه در باره سید باقر بن سید عثمان بخاری و اطراف در اچ بخاری موفق شدیم، و می گوئیم:

لله الحمد هر آن چیز که خاطر می خواست

آخر آمد ز پس پرده تقدیر پدید

دکتر غلام سرور

استاد و رئیس سابق بخش فارسی

دانشگاه کراچی

کالس بخش جلم (پنجاب)

۵ ماه مه ۱۹۷۶ میلادی



فهرست‌ها

- ۱- فهرست‌نامه‌های شخص‌ها و خانواده‌ها و سلسله‌ها.
- ۲- فهرست‌نامه‌های کتاب‌ها و رساله‌ها.
- ۳- فهرست‌نامه‌های جاها.

۱- فہرست نامہای شخص ہا و خانوادہ ہا

و سلسلہ ہا

	آ
ابو المنذر ہشام ۱۰	آدم ۷۲، ۷۱
ابوبکر ۱۰	آق قویونلو ۹۸
ابوبکر بن محمد بن علی بن محمد الحدادی العبادی الیمینی ۷۷	آن حضرت (درک: محمد) ۲۵
ابوحنیفہ کوفی (درک: امام اعظم) ۱۵۲	۱
ابوزکر یاججی بن شرف التتوی ۷۸، ۷۵	آئمہ معصومین ۹۶
ابوعبد اللہ محمد ۱۰	ابدال ۱۱۹، ۱۱۴
ابوعلی المحسن بن علی معروف بہ قاضی التتوخی (درک: قاضی - التتوخی) ۷۶	ابن ابی الجہید ۱۰
ابوعیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سوریہ التردی ۷۷	ابن المطر جل ۱۰
ابومحمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی الشافعی ۷۹	ابن عباس ۲۶
احمد (درک: احمد) ۳۱	ابو الرضا (لقب: بابائین ہندی) ۱۱۷
احمد المدعو بہ بہا بن حسن بن محمود بن سلیمان تلبینی ۳۵	ابوالفضل علامی ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۳
احمد برنی ۳۶	ابوالمنظرفیروز شاہ تغلق (درک: سلطان فیروز شاہ تغلق)
احمد حسین احمد قریشی ۵	۳۳

امام عبداللہ یافعی ۳۸، ۳۹، ۴۲
 امیر ابو اسحاق شیرازی ۱۰
 امیر علی (رک: علی بن ابی طالبؑ) ۲۹
 اوزنگ زیب بن شاہ جهان (رک: اوزنگ زیب پادشاہ)

۸۳، ۸۲

اوزنگ زیب پادشاہ (رک: اوزنگ زیب بن شاہ جهان)

۸۱، ۸۰، ۴۵

اہل البیت ۲۱

ایرانیان ۱۰۷

اہل خانان ایران ۹۷

ب

بزرگان بخاریان ۱۲۵

بی بی حواؑ ۷۴

بی بی رینب (بنت شیخ شکر اللہ) ۶۷

بی بی، فاطمہ الزہراءؑ ۱۳۷

بیدل عظیم آبادی (رک: مرزا عبد القادر) ۱۰۹

پ

پیران بخاریان ۱۲۵

پیران قادیان ۱۲۵

پیغمبر آخر الزمان (رک: محمدؐ) ۹۶، ۱۱۷

ت

تجران ہندی ۱۳۴

ترخان (خانوادہ شاہی) ۹۸

احمد دین (رک: مولوی احمد الدین) ۱۶

اختیار بن غیاث الدین المحسنی ۷۷

ارغون (خانوادہ شاہی) ۹۸

استانلی لین پول ۸۱

اسد اللہ خان غالب دہلوی ۱۲۹

اشاعرہ ۱۱۹

اکبر شاہ کبیر ۱۰۸

امام ابو حامد محمد غزالی ۲۱، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۱۱۲

۱۵۳

امام ابو عمر ۱۰

امام اعظم (رک: امام ابو حنیفہ کوفی) ۱۵۲

امام حسن بن علی العسکریؑ ۷۶

امام زادہ المثنیٰ (رک: محمد بن ابی بکر) ۷۸

امام سید ابو الحسن علی بن موسیٰ رضاؑ ۳، ۴۴

امام سید جعفر صادقؑ ۳، ۴۴

امام سید حسنؑ ۳، ۴۴

امام سید حسن عسکریؑ ۲۹، ۳۰

امام سید حسینؑ (رک: شہید دشت کر بلا) ۳، ۴۴

امام سید علی زین العابدینؑ ۳، ۴۴

امام سید علی نقیؑ ۲۹، ۳۰، ۴۳، ۴۴

امام سید محمد باقرؑ ۳، ۴۴

امام سید محمد تقیؑ ۳، ۴۴

امام سید موسیٰ کاظمؑ ۳، ۴۴

خواجہ بہاء الدین عاسلی ۱۰	تغلقان ۹۸
خواجہ عبد اللہ انصاری ۱۳۸	تیموریان ایران ۹۸
خواجہ نصیر الدین طوسی ۷۸، ۱۰	ج
خوارزم شاہیان ۹۷	جام (خانوادہ شاہی) ۹۸
د	جائگیر بن اکبر شاہ کبیر ۱۰۹
دکتر ذبیح اللہ صفا ۱۰۵	ح
دکتر رضا زادہ شفق ۱۰۵	حافظ الدین ابوالبرکات عبد اللہ نسفی ۷۹، ۷۸
دکتر غلام سرور ۱۶۰، ۱۴۶	حامد بن فضل اللہ جمالی ۷۸
دکتر وحید قریشی ۱۱۰	حضرت پیغمبر (رک: محمد) ۱۰۴، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳
دیلمیان ۹۷	حضرت رسالت پناہ ۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۵
دیوان سید اعجاز احمد بخاری ۱۴۵، ۱۴۶	۴۶-۴۹، ۵۳-۵۶، ۸۲، ۱۵۲، ۱۵۳
دیوان سید محمد باقر بخاری ۱۴۲، ۱۴۶	خ
دیوان سید محمد حسن بخاری ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶	خاتم النبیین (رک: محمد) ۴۹
د	خانان بزرگ مغول ۹۷
رسول اکرم (رک: محمد) ۲۵، ۳۴، ۳۱، ۹۶، ۱۰۱	خاندان تیموری ہند ۱۰۷
رسول اللہ (رک: محمد) ۴۹، ۵۹، ۷۱، ۷۵، ۸۵، ۱۱۱	خانوادہ بخاری ۶۷
۲۵۲	خانوادہ گیلانی ۶۷
ز	خطیب خوارزم ۱۰
زجاج نحوی ۱۰	خلجیان ۹۸
س	خلفای اموی ۹۶
سادات بخاری ۳، ۲۱، ۲۳، ۲۶-۲۸، ۳۱، ۳۶	خلفای راشدین ۹۶
۸۲، ۷۵، ۶۲، ۶۰، ۵۵، ۴۶، ۴۴، ۳۷	خلفای عباسی ۹۶
	خواجہ احمد سیوسی ۱۰

سید ابراہیم (بن سید راجو کشف المعانی) بخاری ۳۱، ۴۵

سید ابو عبد اللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی
القریشی الحسینی ۳۴، ۳۵، ۷۶

سید احمد کبیر (بن سید جلال بخاری) ۱۰، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۱۶۳

۳۷، ۴۰، ۶۲، ۶۵، ۷۵

سید احمد کسروی تبریزی ۱۲۸، ۱۲۹

سید احمد مقبول اللہ ۳۰، ۶۴

سید اسماعیل (بن سید فیض اللہ) بخاری ۳۱، ۴۵

سید باقر بخاری (رک: سید باقر بن سید عثمان بخاری) ۳۱، ۳۲

۳۲، ۳۴، ۴۰، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۶۳، ۶۵

۴۷، ۶۹، ۱۴۱، ۱۶۴

سید باقر بن سید عثمان بخاری ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۸، ۲۱

۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸

۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۱، ۵۴، ۶۰، ۶۳، ۶۴

۶۸، ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۹۵، ۱۱۱

۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۶

سید بدر الدین (بھگڑی) ۳۳، ۶۷

سید برہان الدین ملقب بہ قطب عالم گجراتی (رک: قطب
عالم گجراتی) ۸۰، ۸۱

سید بہاء الدین (بن سید جلال بخاری) ۳۵، ۶۱

سید بہاء الدین بن سید شمس الدین قادری ۶۷

۱۰۹۴، ۱۰۱، ۱۶۳، ۱۶۵

سادات بخاریان ۱۲۵

سادات بھگڑیان ۱۲۵

سادات بخاریان ۱۲۵

سادات (سلاطین دہلی) ۹۸

سادات گیلانی ۱۶۳

سامانیان ۹۷

سرور کائنات (رک: محمد) ۲۲، ۲۳، ۷۱

سعدی (شیرازی) (رک: شیخ مشرف الدین مصلح بن عبد اللہ)

۷۸، ۳

سلاطین دہلی ۹۸، ۱۰۶

سلجوقیان بزرگ ۹۷

سلسلہ چشت ۴۲

سلسلہ چشتیہ ۹۴، ۴۱

سلسلہ سروردیہ ۳۳، ۳۴، ۹۶

(سلسلہ) قادریہ ۱۹، ۹۶

سلسلہ نقشبندیہ ۹۶

سلطان فیروز شاہ تغلق (رک: ابوالمنظف فیروز شاہ) ۴۲

۴۴

سلطان محمد خدا بندہ ۱۰

سلطان محمود غزنوی ۱۰۵، ۱۰۶

سلطان ناصر الدین محمود ۱۰

شیخ ابو طالب بن شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ سندی توی

۲۴۰۲۰

شیخ ابو علی بن سینا ۱۰

شیخ احمد بن حسن ۱۰

شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ ۲۰

شیخ بہاء الدین زکریا می ملتان ۳۲-۳۵، ۳۷، ۳۷

شیخ بھنبو درک: شیخ شکر اللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ

ممن بن شیخ مراد قادری ۸

شیخ جمال درویش اچھی ۴۴

(شیخ حاجی حمید معروف بہ) شیخ محمد غوث ۷۷

شیخ حاکم ابو عبد اللہ نیا بوری ۱۰

شیخ حسن بن محمد ۱۰

شیخ حسن سنانی ۱۰

شیخ حماد بن شیخ رشید الدین جمالی ۴۴

شیخ حاد حشتی ۴۴

شیخ رکن الدین ابو الفتح (ملتان) ۳۶، ۳۷، ۴۲

شیخ سلیم سادار ۴۴

شیخ شرف الدین احمد بھنبو مینری ۷۹

شیخ شکر اللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ ممن بن شیخ مراد

قادری درک: شیخ بھنبو ۷۹، ۹۷

شیخ شمس الدین ۳۸

شیخ شمس الدین عمر زاوی دوتا بادی ۴۴

شیخ شہاب الدین البحر حیتھی مکی ۷۷

سید مراد بخاری ۶۶

سید مرتضیٰ حلی ۱۰

سید نصیر الدین بن سید حامد قادری ۶۷

سید نظام الدین (بن سید فضل اللہ) بخاری ۳۱، ۴۵،

سید نظام الدین علی اصغر ۳۰، ۶۴

سید نوبہار شاہ سادس (بخاری) ۶۲

سید وریہ بخاری ۶۶

سید یعقوب بن سید علی ۱۰، ۷۹

سید یوسف بن سید احمد ماوراء النہر ۴۳، ۴۴، ۷۸

سید یوسف بن سید داؤد بخاری ۴۸، ۴۹، ۶۶، ۷۶

سید یوسف محمد ۴۴، ۷۷

ش

شاہ جاں بن جہانگیر ۸۲، ۸۳

شاہ سید علی بخاری خوشنویس ۶۶

شاہ عالم گجراتی درک: سید محمد، ۸۰، ۸۱

شاہ عثمان درک: سید عثمان بن سید داؤد بخاری ۲۲،

۵۷، ۵۹

شاہنشاہان مغول تیموریہ ۸۲، ۸۳، ۹۸، ۱۰۶-

۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۵

شفیع المذنبین درک: محمد، ۴۹

شہید دشت کربلا درک: امام سید حسین ۳۰

شیخ ابو الحسن علی ۱۰

شیخ ابو بکر نساخ ۱۰

(درک: سعدی شیرازی) ۷۸

شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی ۴۱-۴۳

شیخ نظام الدین اولیا ۱۰

شیخ نور الدین بلخی ۱۰

شیخ ولی الدین ۱۰

ص

صفاریان ۹۷

صفویان ۹۸

ع

عالی (درک: مرزا نور الدین محمد) ۱۰۹

عباس اقبال ۸۱، ۱۰۶

عبدالرسول تتوی ۱۰، ۱۲

عبدالعظیم قریب ۳

عبداللطیف ۱۶

عثمانی ۹۸

عشرۃ البشیرہ ۱۱۷

علی (بن ابی طالب) ۳۱، ۳۳، ۳۴

علی اصغر مکت ۱۲۸

غ

غزویان ۹۷، ۱۰۶

غلامان (سلاطین دہلی) ۹۸

غوریان ۹۷، ۱۰۶

=

شیخ شہاب الدین سروردی ۶۷

شیخ صدر الدین عارف (ملانی) ۳۳، ۳۷

شیخ صفی الدین ۴۴

شیخ ضیا شہاب نصیر کمال ۴۴، ۷۸

شیخ عبدالحق محدث دہلوی ۷۸

شیخ عبدالرحمن عباسی چشتی ۷۶

شیخ عبداللہ المطری ۳۸، ۳۹، ۴۲

شیخ عبدالواسع صوفی ۲۴

شیخ علی بن عیسیٰ الایلی ۱۰

شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برهان پوری ۷۸

شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برهان پوری ۷۸

شیخ فضل اللہ بن ضیاء الدین العباسی ۴۴، ۷۶

شیخ فضل اللہ روز بہان بن فضل اللہ محمد السنی الخنجی ۷۶

شیخ قطب الدین دمشقی ۴۶

شیخ قطب الدین قوقانی ۱۰

شیخ قطب الدین نصیر جون پوری ۴۴

شیخ محمد اکرام ۱۱۰

شیخ محمد بن بابویہ قمی ۱۰

شیخ محمود بن محمد بن محمود درگزینی ۷۹

شیخ محمود قطب ۴۴

شیخ محی الدین ابن العربی ۷۸

شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی ۱۹، ۶۷

شیخ مشرف الدین مصلح بن عبداللہ سعدی شیرازی

ف

فاطمان ۱۴۷

فاطمہ ۱۴۷

فصل اللہ بن عنیا العباسی ۴۶

ق

قاضی التنوخی (رک: ابوعلی الحسن بن علی) ۷۶

قاضی یعقوب ۱۰

قطب عالم گجراتی (رک: سید برهان الدین) ۸۱، ۸۰

ک

کعب بن زہیر صحابی ۱۰

ل

لودیان ۹۸

م

محدثہ (رک: آن حضرت، احمد، پیغمبر آخر الزمان)

حضرت پیغمبر، حضرت رسالت پناہ، خاتم النبیین

رسول اکرم، رسول اللہ، سرور کائنات، شفیع

المنذبین، محمد مصطفیٰ، نبی، ۶

محمد ایوب قادری ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۰، ۳۲، ۳۲

۶۲، ۶۱، ۳۶، ۳۵

محمد باقر (رک: سید باقر بن سید عثمان بخاری) ۲۲، ۲۱

محمد بن ابی بکر معروف بہ امام زادہ الحنفی (رک: امام زادہ الحنفی)

۷۸

محمد بن مجیر بن وجیہ الدین ۷۹

محمد حسین تسبیحی ۶

محمد داراشکوہ ۴۵، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۱۱۰

محمد دین ۱۴-۱۶

محمد شاہ بادشاہ ۱۱، ۱۲

محمد علی بن شیخ عبد الواسع صوفی (رک: محمد علی بکاتب)

۱۹-۲۶، ۵۸، ۶۰، ۷۲

محمد علی (کاتب) (رک: محمد علی بن شیخ عبد الواسع صوفی) ۶

۵۲، ۱۸، ۸

محمد مصطفیٰ ۱۷، ۸، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۸، ۴۷

۴۹، ۵۲، ۵۴، ۷۱، ۸۱، ۹۶

مخدوم جهانی (رک: مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت)

۵۸، ۵۷

مخدوم جهانیان (رک: مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت)

۳۵، ۳۸، ۴۳، ۱۵۳

مخدوم حسن جهانیان ۶۱، ۶۲

مخدوم سید جلال بخاری (رک: مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت)

۳۸

مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت ۱۰، ۲۱، ۲۲، ۲۷

۳۱، ۳۲، ۳۳-۳۴، ۳۶، ۳۹، ۴۰-۴۲، ۴۵

۵۷، ۷۹، ۸۱، ۱۶۳

مرزا عبدالقادر بیدل عظیم آبادی (رک: بیدل عظیم آبادی) ۱۰۹

مرزا نور الدین محمد ملقب بر نعمت خان و متخلص بہ عالی

(رک: نعمت خان و عالی) ۱۰۹

ن

نبی (درک: محمد) ۱۱۸، ۱۱۷، ۷۱
 نظام حاجی غریب الیمینی (درک: نظام الدین الیمینی) ۷۸
 نظام الدین الیمینی ملقب بہ نظام حاجی غریب الیمینی (درک:

نظام حاجی غریب الیمینی) ۷۸

نعمت خان (درک: مرزا نور نور الدین محمد) ۱۰۹

نور الدین محمد ظہوری ترشیزی ۱۰۹

و

ولی الدین ابو عبد اللہ محمد بن عبد اللہ خطیب تبریزی ۷۹

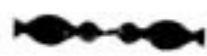
ھ

ھرمان اتہ ۱۰۵

ی

ینیان ۹۸

یونس نحوی ۱۰



مسعود حسن شہاب ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲

منظریان فارس ۹۷

ملا طغرای مشہدی ۱۰۹

ملا محمد بن ابراہیم بن محمد چلی ۷۸

ملک الشعرا بہار ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۵۹

مولانا مولوی دین محمد عباسی علامہ ۱۴۳

مولانا نامی ۷۸

مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی ۷۸

مولوی احمد الدین (درک: احمد دین) ۱۵، ۱۶

مولوی فیض بخش ۱۰۳

مولوی محمد فیض احمد اویسی ۱۶۳-۱۶۶

مہتر ابراہیم ۳۹

میر ابو البقا ۱۰

میر ابو القاسم ۱۰

میر سید اشرف جہانگیر سنائی ۴۴

میر علی شیر قانع تنوی ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۵۹، ۶۶



۲۔ فهرست نامہای کتاب ہا و رسالہ ہا

	آ	
		آئین اکبری ۱۱۲، ۱۰۸
	ا	
		ابطال پنج اباطل ۷۶
		احیاء العلوم (الدین) ۷۶، ۱۱۲، ۱۵۳
		اربعین صوفیا ۴۶
		اکبر جلالی ۷۶، ۵۸، ۲۱
		الفرج بعد الشدة و المصیقة ۷۶
		القرآن الحکیم ۱۵۲، ۱۰۳، ۱۰۰، ۵۷، ۵۳، ۴۹
		انوار الاولیا ۷۶، ۳۸
		انوار العابدین ۷۶
		اورادِ چشتیہ ۷۶
		اورادِ عظیم ۷۶
	ب	
		باقر الانوار ۷۶، ۵۹، ۵۳
		باقر المرادات ۸۶، ۵۸
		بحر الانوار ۷۶، ۳۳
بحر العجائب ۷۶، ۵۰		
بزم صوفیہ ۳۱۳		
بستان البخاری ۷۶		
بوستان ۳		
بہارہ ۱۰۹		
پ		
پارسی نغز ۱۲۸		
پنج رقعہ ۱۰۹		
ت		
تاریخ ادبیات ایران ۱۰۵		
تاریخ ادبیات در ایران ۱۰۵		
تاریخ ادبیات فارسی ۱۰۵		
تاریخ ایران و اروپا ۱۰۶		
تاریخ زبان فارسی ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۹		
تحفۃ الکرام ۴۴، ۲۶، ۲۸، ۵۹، ۶۶		
تذکرہ اولیای اوچ شریف ۱۶۳		

خ

خزانہ البخاری ۷۷

خزانہ الجلالی ۷۷، ۴۵

خطہ پاک اوچ ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲

خلاصۃ التصانیف ۷۷

خمس الانوار ۷۷، ۵۸

د

داثرۃ المعارف ۱۵۷

دربارہ مٹل ۱۱۰

ر

راختہ البخاری ۷۷

راختہ الجلالی ۷۷، ۴۶

رسائل (ملا طغرای مشہدی) ۱۰۹

رسالہ حبیبیہ ۷۷

رسالہ در مجموعہ ۱۰۹

رسالہ سوال و جواب مخدوم سید جلال جانیان جاگشت

۷۷

رسالہ (سید شرف الدین مشہدی) ۷۷، ۳۸

رسالہ کنز الاربعین ۴۶

رسالہ کنز العارفین ۷۷

رسالہ گلشن ۷۷

رسالہ مکیہ (ترجمہ فارسی) ۴۶

رقعات (ملا طغرای مشہدی) ۱۰۹

تعرف (فی التصوف) ۱۱۸

تفسیر (امام حسن بن علی العسکری) ۷۶

تفسیر بخاری ۷۶

توزک جانگیری ۱۰۹

ج

جامع العلوم ۷۶، ۴۵

جامع ترمذی ۷۷

جواہر الاولیا ۳-۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۳۳-۳۵، ۳۳

۳۵-۵۴، ۵۴-۵۶، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۷۱

۷۶، ۷۹-۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۳-۹۵

۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶

۱۱۷، ۱۱۹-۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۸

۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴-۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳

۱۵۵-۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵

جواہر البخاری ۷۷

جواہر جلالی ۴۶

جواہر خمسہ ۷۷

جوہرۃ النیرہ (شرح مختصر القدوری) ۷۷

ج

چار عنصر ۱۰۹

ح

حدائق الاخبار ۷۷

حسن التوسل فی زیارۃ اکرم الرسل ۷۷

شرف الاولیا ۷۸	رقعات (مرزا نور الدین محمد ملقب بہ نعمت خان و متخلص بہ عالی) ۱۰۹
شمال نامہ ۱۲۶	رقعات میرزا عبد القادر بیدل عظیم آبادی، ۱۰۹
شواہد النبوة ۷۸	س
ط	سبک شناسی ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹
طبقات سلاطین اسلام ۸۱	سراج المہدیہ ۴۶
ع	سیر اکبر ۱۱۰
عجوبہ ۷۸	سفر نامہ مخدوم جہانیاں جاگشت ۳۰
عمل ایوم و اللیلۃ ۷۸	سفینۃ الاولیا ۳۵، ۷۷، ۸۰، ۸۱
عین المعانی ۷۸	سلسلۃ الذهب (شجرہ منظوم بخاریان) ۷۷
ف	سیر العارفین ۷۸
فتوح الاوراد ۷۸	سہ نشر (ظہوری ترشیزی) ۱۰۹
فتوحات فیروز شاہی ۴۲	سیر نامہ (مخدوم سید جلال جہانیاں جاگشت) ۳۹
فتوحات مکیہ ۷۸	۳۰
فضایل الاعمال ۷۸	ش
فوائد البخاری ۷۸	شجرہ ایلان ۷۸
فوائد (خواجہ نصیر الدین طوسی) ۷۸	شجرہ بخاریان ۲۶
ق	شجرہ سادات بخاری ۲۱، ۲۶
قرآن حکیم درک: القرآن الحکیم، ۹	شجرہ منظوم بخاریان ۹، ۱۳، ۱۷
ک	شجرہ العالم ۷۸
کتاب علم الاجتماع ۱۷۳، ۹۴، ۱۵۵، ۱۵۶	شرح صغیر نیبۃ المصلیٰ ۷۸
کشف الکرامات ۷۸	شرح مشکوٰۃ ۷۸
کنز الانوار ۴۳، ۷۸	شرعۃ الاسلام ۷۸
کنز المعرفۃ ۷۸	

مقصود القاصدین ۷۹
 مقصود المریدین ۷۹
 مکتوبات ۷۹
 مناقب مخدوم جہانیاں ۴۶
 مؤنس البخاری (خرد) ۷۹، ۵۰
 مؤنس البخاری (کلان) ۷۹، ۵۰
 منہاج العابدین ۷۹، ۲۱
 مینا بازار ۱۰۹
 ن
 نجوم الفرقان ۱۰۳
 نزل السائرین ۷۹
 نسخہ صغیر جواہر الاولیا ۲۵، ۲۰، ۱۹
 نسخہ کبیر جواہر الاولیا ۲۵، ۲۰، ۱۸
 نسخہ وسیط جواہر الاولیا ۲۵، ۲۰، ۱۸
 نکات ۱۰۹
 و
 وقایح حیدرآباد ۱۰۹

گ

گلستان ۸۷

ل

لطائف اشرفی ۷۸

م

مجموع البخاری ۷۹، ۵۰، ۴۹

مختصر دائرۃ المعارف ۱۵۷-۱۵۵، ۹۵، ۷۴

مخدوم جہانیاں جہانگشت ۳۷، ۳۶، ۳۳، ۳۲

۴۲، ۴۱، ۳۶، ۳۵، ۳۲، ۳۰

مدارک التزیل ۷۹

مشکوٰۃ المصابیح ۷۹

مصابیح (اصل مشکوٰۃ) ۷۹

منظر جلالی ۳۶

معدن المعانی ۷۹

مفاتیح الجنان (شرح شریعۃ الاسلام) ۷۹

مفتاح الجنان ۷۹

مقرر نامہ ۳۶



۳۔ فهرست نامہای جاہا

ب	ا
بخارا ۳۱-۳۵	اجودھن ۱۴۶
بلخ ۳۳	اُچ (درک: اُچ بخاری) ۲۴، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶
بھارت ۶	۵۷، ۵۳، ۴۹
بہاول پور ۳	اُچ بخاری ۳، ۸، ۱۸-۲۰، ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۳۶
بھکر ۳۳، ۳۴	۳۷، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۰-۵۲
بھکری ۱۴	۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰-۶۳، ۶۷، ۷۵
بیت اللہ ۳۸	۷۶، ۹۶، ۱۶۱-۱۶۶
بیت المقدس ۳۹، ۴۰، ۱۱۷	اُچ بخاریان ۴۵، ۵۲، ۸۱
پ	اُچ گیلانی ۷۷، ۱۴۳
پادشاہان ۱۶	اُچ ملتان (درک: اُچ بخاری) ۴۵
پادشاہانی ۱۵، ۱۶	احمد آباد ۸۰
پاک تین شریف ۱۴۶	اسلام آباد ۱۴۳، ۱۴۴
پاکستان ۳، ۵، ۳۳، ۴۰، ۶۲، ۷۵، ۸۶	اعظم گڑھ ۳۳
۱۰۶، ۱۴۷، ۱۴۲	ایران ۵، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۶
پنجاب ۳، ۵، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۸۶، ۸۹	۱۳۷، ۱۵۹

شبه قارہ پاکستان و ہند ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶،

۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۰۷-۱۰۵، ۱۲۸،

۱۲۹، ۱۳۸-۱۴۰، ۱۴۴

ب

طہران (درک: طہران) ۳، ۱۱، ۱۰۶

ع

عرب ۱۰۱-۱۰۳

عربستان ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲

غ

غزنین ۱۰۶

ف

فیروزپور ۱۰۳

ک

کاس ۱۴، ۱۶

کراچی ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۷، ۴۰، ۴۲، ۴۵

۱۰۴، ۱۰۳، ۸۰، ۶۴، ۶۲، ۶۱، ۵۹، ۴۶

۱۰۸، ۱۲۹، ۱۶۰

کشیر ۶

کعبۃ اللہ ۳۳، ۳۴، ۱۱۳، ۱۱۷

کوٹھ لگان ۵

گ

گجرات ۵

گجراتوالہ ۵، ۱۵، ۱۷

۱۶۶، ۱۴۶۰

ت

تتہ ۲۰، ۲۴، ۴۸، ۵۷

تہران (درک: طہران) ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۸

ج

جہوں ۸، ۶

جلم ۱۴، ۱۷، ۸۹

چ

چاہ تغیری والا ۱۶۳، ۱۶۵

چکوال ۱۴، ۱۶

د

دشت کربلا ۳۰

دھلی ۴۱، ۴۳

ر

راولپنڈی ۵، ۶، ۱۴، ۸۶، ۱۶۳

س

ساحیوال ۱۴۶

سند ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۵۷، ۹۰، ۹۹

ش

شاہ جہان آباد ۱۱، ۱۲

شبه قارہ (درک: شبه قارہ پاکستان و ہند) ۸۳،

۹۷-۹۹، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۷-۱۱۰، ۱۳۶-

۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۷

مکه معظمه ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲
ملتان ۳۳-۳۷، ۴۳، ۱۴۲-۱۴۴

د

هند ۱۰۶، ۱۰۷

هندوستان ۳۴، ۴۱

ل

لاهور ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۳۲، ۳۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲

۱۱۰

م

ماوراءالنهر ۱۱۷

مدینه معظمه ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲



All this work was completed satisfactorily, and I set out for **Multān** along with **Mawlawī Muḥammad Fayd Aḥmad Uwaysī** to meet the present Head of the Family.

We reached **Multān** and came to know that the present Head of the Family has left for his village, namely **Chāh Thriwālā** far away from **Multān**.

We set out for that village along with **Dīwān Sayyid 'Ijāz Aḥmad Bukhārī** son of the present Head of the Family.

We reached **Chāh Therīwālā** and I met the **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī** the present Head of the Family. He is a man of fine habits and polished manners, and possesses all the noble qualities required for a Spiritual Head of the Family.

I related the whole story of my travels to **Uch Bukhārī** in 1972 and 1973, and told him how much I desired to know the correct account of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendant, and how was I misled by others.

He listened to me very patiently, and gave me some information about his family. He told me that unfortunately most of the books of his ancestral library at **Uch Bukhārī** have been destroyed.

At the time of my departure from there he prayed for my success in my work.

In the end it is my most pleasant duty to offer my sincere thanks to **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**, the present Head of the Family of **Uch Bukhārī**, his son **Dīwān Sayyid 'Ijāz Aḥmad Bukhārī**, **Dīwān Sayyid Muḥammad Ḥasan Bukhārī** and **Mawlawī Muḥammad Fayd Aḥmad Uwaysī** for their kind help in getting correct information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants at **Uch Bukhārī**.

Kālis,
District Jhelum (Panjāb)
May 5, 1976.

Ghulam Sarwar
Professor and former Head,
Department of Persian
University of Karachi,
Karāchī.

the village where the present Head of Family is residing, and seek first hand information about them.

I wrote letters to the present Head of the Family requesting him to permit me to meet him at **Uch Bukhārī** or at his village.

I then received a letter from **Mawlawī Muḥammad Fayḍ Aḥmad Uwaysī**, the Imām of the mosque of **Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht** at **Uch Bukhārī** informing me that **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**, the present Head of the Family shall come to **Uch Bukhārī** to celebrate the 'Urs (death anniversary) of his ancestor **Sayyid Faḍluḍ-Dīn Lādīlā** on April 27, 1976, and that I should reach **Uch Bukhārī** on that day and meet him there.

Thereupon, I set out for **Uch Bukhārī** and reached there on April 28, 1976. I met **Dīwān Sayyid Muḥammad Ḥasan Bukhārī** (a descendant of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and **Mawlawī Muḥammad Fayḍ Aḥmad Uwaysī** and came to know that after the completion of the ceremony of 'Urs on April 27 1976, **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī** has left for **Multān**.

The information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants which I gathered from the above two persons at **Uch Bukhārī** was more or less the same which I have already given in my Persian Introduction.

I, however, visited the old house of the family from out side as all the doors were closed, and came to know that the ancestral library was located in one of the rooms. I also visited the mosques and graves of **Sayyid Faḍluḍ-Dīn, Lādīlā, Sayyid 'Uthmān Bukhārī, Sayyid Baqir Bukhārī** and those of their descendants.

The photographer of the **Īrān Pākistan Istitute of Persian Studies** (now at **Islāmabād**), who had come with me, took the photographs of the old house of the family, the mosques and the graves, which are given with the text of **Jawāhirūl-Awaliyā** and the **Persian Introduction**

Addendum

While giving the biographical sketch of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and the account of the families of the Bukhārī Sayyids at **Uch Bukhārī** in my Persian Introduction to **Jawāhirul-Awliyā** I have already mentioned that I went to **Uch Bukhārī**, once in 1972 and twice in 1973, to seek information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukārī** and his descendants, but I did not succeed in my object. I was told that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** did not belong to **Uch Bukhārī** and that he might have lived elsewhere.

The external evidence, however, clearly showed that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** was born at **Uch Bukhārī**, and was brought up and educated under the care and guidance of his father. He was initiated into the Spiritual Order by his father, and received the **Khirqā-i-Khilāfat** (Robe of spiritual succession) from him.

On the death of his father, he became the Head of Order, and carried on the duties of guiding the people to the right path of Islam.

I, therefore, did not believe in the words of those who had told me that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** did not belong to **Uch Bukhārī** and that he might have lived elsewhere.

During the following years I tried my best to find out the real facts about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants.

At last I received an information that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** lived at **Uch Bukhārī**, and his descendants still live there. They are now better known by the title of "**Dīwān**". The present Head of the family is **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**. He actually belongs to **Uch Bukhārī**, but now a days he lives in a village in the district of **Multān**.

Since then I desired to go to **Uch Bukhārī** once again, meet the descendants of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and also go

It was a century and a half after the death of Abūl-Faḍl that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī used Pure Persian while giving the meanings of the names of Almighty God in Jawāhir-II of Jawāhirūl-Awliyā.

It may, however, be pointed out that Abūl-Faḍl was the inventor of a new style, and used Pure Persian in his prose with a definite purpose. Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī appears to have found the meanings of the names of Almighty God in Pure Persian in some old book and copied them in his own book without mentioning the original source.

Part Five

This part contains a brief note on the importance of Jawāhirūl-Awliyā in the present time,

So far as the **external aspect** of this book (i.e. the prayers) is concerned, the book is as important for the spiritual guides of the present time as it was to those of the past. The prayers contained in this book are still valuable for those who believe in their efficacy.

So far as the **internal aspect** of this book is concerned, it is, as has been stated before, a kind of a "**short Encyclopaedia**", and no one can question the importance and value of an "**Encyclopaedia**" in the present time.

It may be noted at the end that the English version of the introduction to Jawāhirūl-Awliyā contains a summary of the facts elaborately discussed in its Persian version.

968, P.I.B. Colony,
Karachi-5
December 30, 1975.

Ghulam Sarwar
M.A., Ph.D. (Alig),
Professor & Former Head,
Department of Persian
University of Karachi,
Karachi.

PART FOUR

Characteristics of the language of Jawāhirūl-Awliyā.

This part contains the following main points:

- (i) the language of Jawāhirūl-Awliyā, and
- (ii) the use of Pure Persian in Jawāhirūl-Awliyā.

A brief discussion on the above points is given below :

(I) The Language of Jawāhirūl-Awliyā.

As has been stated before, the book Jawāhirūl-Awliyā was composed during the second half of the 11th century of Hijrī era/ second half of the 17th century of the Christian era, i.e., during the period of the Timurid Mughal emperors in the Pāk-Hind Sub-Continent.

Persian Prose during this period had the following different styles :

- (I) Ornate Prose,
- (II) Simple Prose, and
- (iii) Mixed (Persian and Arabic) Prose.

Jawāhirūl-Awliyā was composed in mixed (Persian and Arabic) Prose.

It is hardly possible in this brief introduction to give all the characteristics of the language of Jawāhirūl-Awliyā. Only one characteristic i.e., the use of Pure Persian by the author is given below.

(ii) The use of Pure Persian in Jawāhirūl-Awliyā

In this connection it may be mentioned that Abūl-Faḍl 'Allāmī (died in 1011 A.H./1602 A.D.) was the first great writer of the period of the Timurid Mughal Emperors, who used in his books (like Āin-i-Akbarī) Pure Persian which was not common during that period. He invented a new style of Persian Prose, but no writer could follow him after his death.

4. The Umayyids,
5. the Abbasids,
6. the Bukhārī Sayyids,
7. the Heads of spiritual orders,
8. the rulers of Irān,
9. the rulers of other Islāmic lands,
10. the rulers of the Pāk-Hind Sub-Continent,
11. the darwīshes, and
12. the pious women.

The different categories of writers are given below:

1. Writers of books on Islām,
2. Writers of books on Islāmic mysticism,
3. Writers of books on various sciences,
4. Historians,
5. Taḥkīra-writers,
6. Poets,
7. Physicians,
8. Mathematicians,
9. Astronomers,
10. Geographers,
11. Inventors of characters (for writing)
12. Scribes,
13. Linguists,
14. Philosophers,
15. Logicians,
16. Writers of books on travel,
17. Story-writers, and
18. Writers on other topics,

The above groups of writers belonged to the Arablands, Persia and Pāk-Hind Sub-Continent.

- (i) the upper class,
- (ii) the middle class, and
- (iii) the lower class

The first two classes of people possessed all means of solving their problems. They seldom stood in need of prayers and hardly believed in their efficacy.

It was only the lower class of people which did not possess means for overcoming their difficulties. The members of this class generally lived in far off places and were deprived of all facilities. No attention was paid to them by public officers for removing their troubles. Only they had faith in the efficacy of prayers.

The author gave long lists of ailments and worldly troubles of the people in his book; and along with them he quoted the prayers which were meant to remove the ailments and troubles of the people. Therefore most of the members of the lower class used to go to the spiritual guides to get from them prayers for their specific purposes.

It was for this purpose that this book was composed. As the external aspect of the book deals with the problems of the society, the book may, therefore, be regarded as a "**book of socialogy**".

2. The Internal aspect of **Jawāhirul-Awliyā**.

Only a careful study of the book reveals the importance of the internal aspect of the book. The author, besides quoting the prayers, has given the names of hundreds of persons of different professions and views. He has also given the names of a large number of writers along with their books on different subjects.

A complete list of persons and books is given in the index. The list of various groups of persons is given below:

- 1. the Holy Prophets,
- 2. the pious caliphs.
- 3. the immaculate Imāms,

Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had inherited a library from his ancestors, and his descendants must have inherited it from him. It is presumed that this library is still in the possession of the present Head of the family. I was, however, not informed of it when I visited Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973.

2. Historical back ground of the period during which the book was composed.

The author copied a few facts about Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht, Sayyid Burhānu'd-Dīn Gujrātī and his son Sayyid Muḥammad Shāh 'Ālam Gujrātī from Safīnatul-Awliyā by Muḥammad Dārā Shukūh.

As safīnatul-Awliyā was completed in 1049 A.H./1639 A.D., it is, therefore, clear that the author started composing this book after 1049 A.H./1639 A.D.

The last date mentioned in the book is 1098 A.H./1687 A.D., (text p. 333), which shows that the book was being composed during that year and that it was completed after that date.

This also shows that the book was composed during the second half of the 11th century of the Hijrī era/second half of the 17th century of the christian era. During this period the following two Timurid Mughal emperors ruled over the Pak-Hind Sub-Continent:

1. Shāh Jahān (1037 – 1068 A.H./1628 – 1658 A.D.), and
2. Aurangzib (1069 – 1119 A.H./1659 – 1707 A.D.).

(iii) The External and Internal Aspects of Jawāhirul-Awliyā

A brief discussion on the above aspects is given below :

1. The External Aspect of Jawāhirul-Awliyā.

So far as the external aspect of the book is concerned, it seems to be a book of prayers in the efficacy of which people in general had a firm belief.

The people of the Pak-Hind Sub-continent, during the period in which the book was composed, were divided into the following three classes :

Jawahir II. on the spiritual blessings of 99 names of Almighty God.

Jawahir III. on the spiritual blessings of 40 other names (of Almighty God) and 99 names of the Holy Prophet and other facts about him.

Jawahir IV. on the spiritual blessings of prayers for the Holy Prophet and other facts about him, and the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Bukhārī saints

Jawahir V. on the spiritual blessings of a number of prayers.

3. Addition to the text by the original scribe,

4. Supplement to the text, and

5. Another addition to the text.

(ii) **The Contents of Jawāhirūl-Awliyā.**

The contents of Jawāhirūl-Awliyā have two distinct aspects, i.e.,

(a) the external aspect, and

(b) the internal aspect.

Before explaining the above aspects of Jawāhirūl-Awliyā it seems advisable to deal with the following two points, as they are directly related to the above aspects :

1. Sources of Jawāhirūl-Awliyā the names of which are clearly mentioned in the book and

2. Historical back ground of the period during which the book was composed.

A brief discussion on the above two points is given below :

1. Sources of Jawāhirūl-Awliyā.

The sources of Jawāhirūl-Awliyā the names of which are clearly mentioned in the book show that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had a big private library at his house.

The author has given in the text names of many books he has used as his sources. He has also made a mention of this fact in his brief introduction to the book.

Sayyid Bāqir Bukhārī's family at Uch Bukhārī.

As a result of the quarrels which broke out in the Bukhārī families for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī kept themselves aloof from the parties in quarrels founded a separate spiritual order, and guided the people to the right path of Islām.

Persons from amongst the family of the new spiritual order, who had received good education, and were interested in composing books, have left some works on Islām and Islāmic mysticism.

The descendants of Sayyid Bāqir Bukhārī still live at Uch Bukhārī, and are better known by the title of "Dīwan". The present Head of this family is Dīwan Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī, and is now residing in a village in the district of Multān.

I am extremely sorry to state that I could not meet the descendants of Sayyid Bāqir Bukhārī when I went to Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973, as I was told that he did not belong to Uch Bukhārī, and that he might have lived elsewhere.

Part Three

Notice on the book Jawāhirūl-Awliyā.

This part contains the following main points:

- (i) the book Jawāhirūl-Awliyā,
- (ii) the contents of Jawāhirūl-Awliyā, and
- (iii) the external and internal aspects of Jawāhirūl-Awliyā.

A brief discussion on the above points is given below:

(i) The book Jawāhirūl-Awliyā.

The book Jawāhirūl-Awliyā consists of the following parts:

1. A brief introduction to the book about the subject matter and the motives of composing the book,
2. The text of the book which contains the following chapters called "Jawāhir" (gems) :

Jawāhir I. on the spiritual blessings of the Chapters and Verses of the Holy Qurān.

(iii) Sayyid Muḥammad Ghawth..

The following persons succeeded Sayyid Jalāl Bukhārī as Heads of the family and the custodians of his shrine :

- (1) Sayyid Aḥmad Kabīr (date of death not known).
- (2) Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht bin Sayyid Aḥmad Kabīr (died in 785 A.H./1383 A.D.)
- (3) Sayyid Rājū Qattāl bin Sayyid Aḥmad Kabīr (died in 827 A.H./1424 A.D.), and
- (4) Sayyid Faḍluḍ-Dīn bin Sayyid Maḥmūd Nāsiruḍ-Dīn bin Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht (date of death not known).

Reference has already been made before about the family quarrels for holding the office of the custodian of the Shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī.

On the death of Sayyid Faḍluḍ-Dīn Bukhārī quarrels broke out in the Bukhārī family for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, as a result of which the above office was held by the following Heads of the family :

1. Descendants of Sayyid Bahauḍ-Dīn bin Sayyid Jalāl Bukhārī till the end of the 9th century of Hijri era/end of the 15th century of the christian era. The last holder of this office was Sayyid Raḥmatullāh Shāh Chāndna Chirāgh.
2. Makhdūm Ḥasān-i-Jahāniyān, a descendant of Sayyid Aḥmad Kabīr, collected a strong group of disciples, attacked Sayyid Raḥmatullāh Shāh Chāndna Chirāgh, seized the office of the custodian by force, and compelled Sayyid Chāndna Chirāgh to leave Uch Bukhārī. Since then the office of the custodian is held by the descendants of Makhdūm Ḥasān-i-Jahāniyān.

The present holder of this office is Sayyid Ghulām Asghar Bukhārī bin Sayyid Nawbahār Shāh VI. I thrice met him at Uch Bukhārī.

and astatic practices. He received the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) from his father.

On the death of Sayyid 'Uthmān Bukhārī, Sayyid Bāqir Bukhārī became the Head of the spiritual Order, and began to perform the duties of his office :

His prayers.

He also used to observe the prayers which have already been mentioned with respect to his father (text pp. 297 and 239). He also used to see the Holy Prophet in sleep and receive instructions from him during the observance of prayers (Text p. 333).

His Travels.

Sayyid Bāqir Bukhārī set out from Uch Bukhārī and travelled to other places, but the names of places to which he travelled are not mentioned in Jawāhirūl-Awliyā.

Only one clear reference to his return journey from Thattā in the province of Sind to Uch Bukhārī is given in his verses (text p. 552).

Jawāhirūl-Awliyā was completed during his life time. The last date mentioned in the book is 1098 A.H./1687 A.D., which shows that he died after this date.

Sayyid Bāqir was a good scholar, and has left the following works :

- (i) Khamsūl-Anwār,
- (ii) Akbar-i-Jalālī,
- (iii) Bāqirūl-Murādāt, and
- (iv) Jawāhirūl-Awliyā,

The Bukhārī Families of Uch Bukhārī.

A brief survey of the historical events with respect to the Bukhārī families of Uch Bukhārī are given below :

Sayyid Jalāl Bukhārī left three sons, namely:

- (I) Sayyid Aḥmad Kabīr,
- (II) Sayyid Bahāud-Dīn, and

It may be noted that such meetings of Sayyid 'Uthmān Bukhārī with the Holy Prophet took place when he was asleep during his retirement for prayers.

The Year of 1051 A.H./1641 A.D. mentioned above in connection with the prayers of Sayyid 'Uthmān Bukhārī shows that he was alive in that year and that he died later. The exact date of his death is not mentioned in *Jawāhirūl-Awliyā*.

Sayyid 'Uthmān Bukhārī was a man of learning and has left the following works :

- (i) *Mūnisūl Bukhārī* (large edition),
- (ii) *Mūnisūl Bukhārī* (short edition),
- (iii) *Majmūūl-Bukhārī*, and
- (iv) *Baḥrūl-Ājāib*.

Biographical note on Sayyid Bāqir Bukhārī (author of *Jawāhirūl-Awliyā*).

Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī was not only the spiritual Head of the family, he was also a man of learning and was interested in composing books on Islām and Islāmic mysticism. No details of his life are given in *Jawāhirūl-Awliyā*.

As has been stated before, I thrice went to Uch Bukhārī (one in 1972 and twice in 1973) to seek information about Sayyid Bāqir Bukhārī and his descendants, but I did not succeed in my object. I was told that he did not belong to Uch Bukhārī and that he might have lived elsewhere.

Although the internal evidence clearly showed that he was born and brought up at Uch Bukhārī and had spent his whole life in the same town.

A few references mentioned in *Jawāhirūl-Awliyā*, which throw some light on his life, are given below :

Sayyid Bāqir Bukhārī, who was born at Uch Bukhārī, was brought up and educated under the care of his pious father. After the completion of his formal studies, he was initiated by his father into the spiritual Order, whereupon he devoted himself to prayers

3. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī)

Sayyid 'Uthmān bin Sayyid Dāūd Bukhārī was also a famous saint, but no details of his life are given in *Jawāhirul-Awliyā*. Even the dates of his birth and death are not known.

It is, however, evident that he was born in the house of the spiritual Head, Sayyid Dāūd Bukhārī, and was brought up in a religious and spiritual environment. He received education under the guidance of his father.

On the completion of his formal studies he was initiated into the spiritual order by his father, whereupon he devoted himself to prayers and ascetic practices. He received the robe of spiritual succession (*Khirqā-i-Khilāfat*) from his father.

On the death of his father Sayyid 'Uthmān Bukhārī succeeded him as the Head of the Spiritual Order, and began to perform the duties of guiding the people to the right path of Islam.

Sayyid Bāqir Bukhārī mentions two special prayers which his father used to observe during his life, i.e.,

- (i) 'Itikāf i.e., retirement to a corner of a mosque for constant prayers every year during the last ten days of Ramaḍān (the month of fasting),

In this connection Sayyid Bāqir Bukhārī mentions the year 1051 A.H./1641 A.D. (text pp. 218 and 219) during which his father retired for constant prayers.

- (ii) Chilla i.e., retirement to a secluded place for continuous prayers consecutively for forty days.

One strange fact mentioned by Sayyid Bāqir Bukhārī in connection with the observance of the above prayers by his father is that during the observance of those prayers he used to see the Holy Prophet and receive instructions from him.

(iii) His Return to Uch Bukhārī to serve Islām.

On his return from abroad Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht first went to Dihlī. He had already heard the fame of piety and Spiritual greatness of Shaykh Naṣīru'd-Dīn Mahmūd Chirāgh-i-Dihlī, the Head of the **Chishtī Order**.

The Makhdūm met the Shaykh and accepted him as his spiritual guide. The Shaykh bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the **Chishtī Order**.

Thereafter the Makhdūm returned to Uch Bukhārī, and spent the rest of his life in offering prayers and guiding the people to the right path of Islam. He was greatly respected in the Pak-Hind Sub-Continent. Sulṭān Fīrūz Shāh Tughlaq (752-790 A.H./1351-1388 A.D.) had accepted him as his spiritual guide and held him in great honour.

He died in 785 A.H./1383 A.D., and was buried at Uch Bukhārī.

He was a man of great learning and has left a large number of sermons which have been collected in the form of books by his disciples. The books containing his sermons are:

1. Jāmi'ul-'Ulūm,
2. Khazīnatul Jalālī,
3. Rāḥatul-Jalālī,
4. Sirajul Hadāyah.
5. Jawāhir-i-Jalālī
6. Mazhar-i-Jalālī
7. Manāqib-i-Makhdūm-i-Jahāniyān
8. Muqarrir Nāma (his letters and instructions),

His other works are:

1. Risāla-i-Kanzul-'Ārifīn,
2. Persian Translation of Risāla-i-Makkiyya by Shaykh Quṭbu'd-Dīn Damishqī,

He was then sent by his father to Multān to receive higher education under the guidance of Shaykh Ruknu'd-Dīn Abul Fath bin Shaykh Şadru'd-Dīn 'Arif bin Shaykh Bahāu'd-Dīn-i-Zakariyā-i-Multānī.

On the completion of his formal studies he returned to Uch Bukhārī, and was initiated by his father into the Spiritual Order. Thereafter he devoted himself to prayers and ascetic practices.

After sometime he again went to Multān and accepted Shaykh Ruknu'd-Dīn Abul-Fath Multānī as his spiritual guide. The Shaykh bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardī Order.

His father Sayyid Aḥmad Kabīr had already accepted Shaykh Sadru'd-Dīn Arif Multānī as his spiritual guide, and had received from him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardī Order.

(ii) His Travels in Islamic Lands.

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān remained at Uch Bukhārī till the death of Shaykh Ruknu'd-Dīn Abul Fath Multānī, which occurred in 735 A.H./1335 A.D. Sometime after the death of the Shaykh, he set out from Uch Bukhārī and travelled to Arabia to perform a pilgrimage to Mecca and to pay a visit to the tomb of the Holy Prophet at Madīna.

He stayed in the Holy cities for seven years, and studied Ḥadīth (Traditions of the Holy Prophet) with Shaykh Imām 'Abdullāh Yāfiē (died 768 A.H./1366 A.D.) at Mecca and with Shaykh 'Abdullāh at Maṭrī (died 765 A.H./1364 A.D.) at Madīna.

On completing his studies of the Ḥadīth (Traditions of the Holy Prophet) he returned to the Pak-Hind Sub-Continent. No details of his travels to other Islamic lands are given in Jawāhirul-Awliyā; but because of his long travels in Islamic lands he acquired the title of "Jahāngasht" (the world traveller).

At Bhakkar he married the daughter of Sayyid Badru'd-Dīn Bhakkārī, a man of a noble descent. The period of his stay at Bhakkar is not known.

From Bhakkar he came back to Multān; and on bearing the piety and spiritual greatness of Shaykh Bahāu'd Dīn-i-Zakariyā-i-Multānī the Haed of the Suhrawardī Order, he met the Shaykh and accepted him as his spiritual guide.

Sayyid Jalāl Bukhārī had already completed the series of prayers and undergone the ascetic practices, the Shaykh, therefore, bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardi Orders.

Sayyid Jalāl Bukhārī spent thirty years in the service of the Shaykh at Multān; and sometime after the death of the Shaykh, which occurred in 661 A.H./1263 A.D., he went to the town of Uch (now in the district of Bahāwalpūr in the province of the Panjab).

He spent the rest of his life at Uch in guiding the people to the right path of Islām, and a large number of persons embraced Islām at his hands. He died in 690 A.H./1291 A.D., and was buried at Uch.

The town of Uch acquired the fame of his name, and, hence forward it was known as "Uch Bukhārī".

2. Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht.

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht was the most famous of the Bukhārī saints. He was born in 707 A.H./1307 A.D. at Uch Bukhārī. His life is divided into three periods i.e.,

- (i) his education and initiation into the spiritual order,
- (ii) his travels in Islamic lands, and
- (iii) his return to Uch Bukhārī to serve Islām.

A brief account of the above periods of his life is given below:

(i) His Education and initiation into the spiritual order.

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān was brought in a religious and spiritual environment. He received his early education under the guidance of his father Sayyid Aḥmad Kabīr.

He settled down at Uch (now in the district of Bahāwalpūr in the province of the Panjāb), and founded the Spiritual Order of the Bukhārī Sayyids.

From amongst the ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī, who lived at Uch Bukhārī, guided the people to the right path of Islām, and became famous for their piety and spiritual greatness, were:

1. Sayyid Jalāl Bukhārī,
2. Makhdum Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht, and
3. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī).

Biographical notes on the above Bukhārī saints are given below:—

I. Sayyid Jalāl Bukhārī

Sayyid Jalāl Bukhārī bin Sayyid 'Alī Abūl-Mu'ayyad was born at Bukhārā in 595 A.H./1199 A.D. He was brought up in a religious and spiritual environment, and received his education under the guidance of his father.

His ancestors were all devoted to Islām and had passed their lives in its service.

On the completion of his formal studies he was initiated by his father into the spiritual order, whereupon he devoted himself to prayers and ascetic practices.

Sayyid Jalāl Bukhārī spent several years at Bukhārā; and, according to the statement of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī given in Jawāhirul-Awliyā, (Text P.P. 8 and 9) he set out from Bukhārā and travelled to Arabia to perform a pilgrimage to Mecca and pay a visit to the tomb of the Holy Prophet at Madīna.

He spent seven years in the Holy cities and returned to Bukhārā (Text P. 9)

At the age of forty (i.e., in 635 A.H./1237 A.D.) he again set out from Bukhārā and came to the north-west regions of the Pak-Hind Sub-continent, now called Pākistān. He passed through Multān and arrived at the town of Bhakkar in the province of Sind.

Group II. From Sayyid Jāfar Thāni bin Imām Sayyid 'Alī Naqī to Sayyid 'Alī Abūl Mu'ayyad.

1. Sayyid Jāfar Thāni bin Imām Sayyid 'Alī Naqī (the eleventh in the above table),
2. Sayyid Niẓamu'd-Dīn 'Alī Aṣghar,
3. Sayyid 'Abdullāh,
4. Sayyid Aḥmad,
5. Sayyid Maḥmūd,
6. Sayyid Muḥammad,
7. Sayyid Jāfar, and
8. Sayyid 'Alī Abūl-Mu'ayyad.

2. The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī after their arrival in Pak-Hind Sub-continent.

1. Sayyid Jalāl Bukhārī bin Sayyid 'Alī Abūl-Mu'ayyad.
2. Sayyid Aḥmad Kabīr,
3. Makhdūm Sayyid Jalāl Jahāniyān Jahāngasht,
4. Sayyid Maḥmūd Nasīrud-Dīn,
5. Sayyid Fayḍullāh,
6. Sayyid Ismā'īl,
7. Sayyid Rājū (Kashfūl-Mā'ānī),
8. Sayyid Ibrāhīm,
9. Sayyid Quṭbu'd-Dīn,
10. Sayyid Faḍlullāh,
11. Sayyid Niẓamu'd-Dīn Bukhārī,
12. Sayyid Rājū (Ghawth-i-Ṣamdānī).
13. Sayyid Ḥājī Hamīd Niẓamu'd-Dīn,
14. Sayyid Shukrullāh Bukhārī,
15. Sayyid Dāūd Bukhārī, and
16. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī),

Out of the above sixteen persons, the man who first came from Bukhārā to the Pāk-Hind Sub-continent, was Sayyid Jalāl Bukhārī.

Part Two

Notice on the author of Jawāhirūl-Awliyā.

This part contains the following main points :

- (i) The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī,
- (ii) Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī, the author of Jawāhirūl-Awliyā,
- (iii) The Bukhārī families of Uch Bukhārī, and
- (iv) Sayyid Bāqir Bukhārī's family at Uch Bukhārī.

A brief discussion on the above points is given below :

(i) The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī.

1. The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī before their arrival in Pak-Hind Sub-continent.

As given in Jawāhirūl-Awliyā, they are divided into the following two groups :

Group I. From the Holy Prophet to Imām Sayyid Ḥasan 'Askarī bin Imām Sayyid 'Alī Naqī as is given in the following table spiritual succession.

1. The Holy Prophet,
2. Amīr 'Alī (bin Abī Ṭālib),
3. Imām Sayyid Ḥasan,
4. Imām Sayyid Ḥusayn,
5. Imām Sayyid 'Alī Zaynūl-'Ābidīn,
6. Imām Sayyid Muḥammad Bāqir,
7. Imām Sayyid Jāfar Sādiq,
8. Imām Sayyid Mūsā Kāẓim,
9. Imām Sayyid Abūl-Ḥasan 'Alī bin Mūsā Riḍā,
10. Imām Sayyid Muḥammad Taqī,
11. Imām Sayyid 'Alī Naqī, and
12. Imām Sayyid Ḥasan 'Askarī.

- (i) As a result of quarrels which broke out at Uch Bukhārī amongst the descendants of Sayyid Maḥammad Nāsir-u'd-Dīn bin Makhdum Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht bin Sayyid Aḥmad Kabīr bin Sayyid Jalāl Bukhārī for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the ancestors of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī kept themselves aloof from the family quarrels, and founded a separate order of spiritual guidance in the same town.
- (ii) Persons of the new Spiritual Order, who had received higher education and were interested in composing books, have left some works on Islam and Islamic mysticism.
- (iii) The private library which Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had inherited from his ancestors appears to be in the house of the present Head of the new Spiritual Order.
- (iv) At the time when I went to Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973, the descendants of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī were actually living in that town.

Had I not been misled about their residence at Uch Bukhārī, I would have met the present Head of the new Spiritual Order, and obtained information from him on the following points:

- (1) A brief account of the descendants of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī.
- (2) The original manuscript copies of Jawāhir-ūl-Awliyā in his private library, and
- (3) Manuscript copies of Jawāhir-ūl-Awliyā at other places.

I regret to state that none of my objects was fulfilled.

I believe that manuscript copies of Jawāhir-ūl-Awliyā are still preserved in some private libraries in the provinces of the Panjāb and Sind.

There was a manuscript copy of Jawāhir-ūl-Awliyā with Mīr 'Alī Shīr Qānī Tatawī; who, while writing short notes on the Sayyids of Uch Bukhārī, referred to it thrice in his Tufat-ūl-Kirām. (Tuḥfat-ūl-Kirām, Urdu translation, Karāchi, 1959, pp. 366, 375 and (377).

As has been stated before it was Muḥammad 'Alī who proposed to Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī to compose Jawāhirūl-Awliyā in three editions, and he completed the transcription the first two (i.e., the large and the medium) editions.

The last date mentioned in Jawāhirūl-Awliyā is 1098 A.H./ 1687 A.D., which shows that Muḥammad 'Alī was busy in transcribing Jawāhirūl-Awliyā during that year.

He was much devoted to his teacher and spiritual guide, and it appears that most of his life was spent at Uch Bukhārī.

Mīr 'Alī Shīr Qānī Tatawī gives a brief note in his Tuḥfatūl-Kirām on Moḥammad 'Alī, and says :

“He was a perfect ṣūfī, and he versified the genealogical table of the Bukhārī Sayyids”. (Tuḥfatūl-Kirām, Urdu Translation, Karāchī, 1959, P. 380).

Manuscript Copies of Jawāhirūl-Awliyā at other places :

I went to several places in search for other manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā; and in this connection I thrice went to Uch Bukhārī (once in 1972 and twice in 1973) in the hope of finding out the original manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā.

I was under the impression that the original manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā would have been preserved in the private library of the Bukhārī Sayyids, the custodians of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the founder of the spiritual order of the Bukhārī Sayyids at Uch Bukhārī.

Unfortunately I did not succeed in my efforts. I was told that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī did not belong to Uch Bukhārī, and that he might have lived elsewhere.

I was misled by these words and returned from there disheartened and disappointed.

Apart from the fact that internal evidence clearly showed that Sayyid Bāqir Bukhārī and his ancestors lived at Uch Bukhārī, my search for the truth revealed more facts, i.e.,

- (iii) The scribe versified the genealogical table of the Bukhārī saints, and clearly mentioned his name in one of the verses. He says:

The refuge of saints Mīrān Muḥammad Bāqir, May God give him long life in this world for several years!

The above said (person) has bestowed all the favours
On this lowest of the disciples,

Whose name is **Muḥammad 'Alī**,

Who offers innumerable thanks to God.

- (iv) At the end of the text (p.555) the scribe gives some of his own verses; in which he clearly states that he wrote down the articles (Maqālāt) which he had heard from the lips of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī.

Biographical note on Muḥammad 'Alī (the original scribe).

Muḥammad 'Alī bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfī was born at Thatta in the province of Sind. The members of his family were all devoted to religion and received spiritual guidance from the Bukhārī saints of Uch Bukhārī. His grand father Shaykh Abū Ṭālib was the disciple of Sayyid Jalāl bin Sayyid Dāūd Bukhārī, the uncle of Sayyid Bāqir Bukhārī.

Muḥammad 'Alī received his early education at Thatta; and, for higher education, he was sent by his father to Uch Bukhārī.

At Uch Bukhārī he studied Persian and Arabic, and, thereafter, he devoted himself to the study of books on religion and Islamic mysticism.

After the completion of his formal studies he was appointed by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī his private secretary.

Muḥammad 'Alī accepted Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī as his spiritual guide. The chief duty of Muḥammad 'Alī was to assist his teacher and spiritual guide in the composition and transcriptions of his books.

- (ii) Medium edition, and
- (iii) Short edition.

Muhammad 'Alī, the original scribe, says that he completed the transcription of two editions, i.e. of

- (i) The large edition, and
- (ii) the medium edition.

He adds that the third (i.e. the short) edition was not written.

It is clear from the above statement of Muhammad 'Alī, the original scribe, that the above two complete editions of Jawāhirūl-Awliyā were preserved in the private library of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī at Uch Bukhārī.

Although I thrice went to Uch Bukhārī (once in 1972 and twice in 1973) in search for the original manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā, but I could not trace them.

It could not, therefore, be ascertained whether the text of the three manuscripts in hand was copied from the large or from the medium edition of Jawāhirūl-Awliyā.

(iii) **The Original Scribe of Jawāhirūl-Awliyā at Uch Bukhārī.**

As has been stated above the original scribe of Jawāhirūl-Awliyā at Uch Bukhārī was Moḥammad 'Alī (bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfī).

To give further proof of the above statement the following references are given from Jawāhirūl-Awliyā.

- (i) It is stated (in the text of Jawāhirūl-Awliyā P-92) by Shaykh Ishāq bin Shaykh Mūsā, grand father of the scribe **Muhammad 'Alī** bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfī bin Shaykh Abū Ṭālib bin Shaykh Ishāq
- (ii) It is stated (in the text P-39) by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī that my pupil and disciple Miyān Muhammad 'Alī bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfī bin Shaykh 'Abū Ṭālib bin Shaykh Ishāq Sindī Tatawī.....

This copy contains 204 folios. It is written in minute hand, and is dated 1193 A.H. This is a complete copy of *Jawāhirūl-Awliyā*, and only one folio is missing.

- (2) A manuscript copy of *Jawāhirūl-Awliyā* preserved in the Panjāb University Library, Lahore, No. 6308. A photostat copy of this manuscript was obtained from the Panjāb University Library.

This copy contains 287 folios. It is written in good hand. Unfortunately several folios of this copy are missing. It is dated 1140 A.H.

- (3) A manuscript copy of *Jawāhirūl-Awliyā* now preserved in the Ganj Bakhsh Library, Rāwalpindī No. 290/274. It was procured from a village in the district of Jhelum (Panjāb).

This copy contains 297 folios. It is written in good hand. Unfortunately several folios of this copy are missing. It is undated.

For preparing a correct edition of the text of *Jawāhirūl-Awliyā* manuscript No. 1 has been used as the basic copy. The missing folio was copied from the other two manuscripts.

(ii) **Composition of *Jawāhirūl-Awliyā* at Uch Bukhārī.**

The internal evidence clearly shows that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī was born at Uch Bukhārī, and spent his whole life in his birth place. He composed the book *Jawāhirūl-Awliyā* in the same town.

Notes on the margins of folio 104b (Manuscript No. 1) and folio 151 b (manuscript No. 2) respectively show that the original scribe of *Jawāhirūl-Awliyā* was Muḥammad 'Alī (bin Shaykh 'Abdūl Wāsi Sūfī).

When Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī started writing *Jawāhirūl-Awliyā*, it was suggested to him by the scribe Muḥammad 'Alī that the book be composed in three editions, namely :

- (i) Large edition,

INTRODUCTION

The introduction to *Jawāhir-ūl-Awliyā* by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī of Uch Bukhārī is divided into the following five parts :

- Part One** : Description of the manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*,
- Part Two** : Notice on the author of *Jawāhirūl-Awliyā*,
- Part Three**: Notice on the book *Jawāhirūl-Awliyā*,
- Part Four** : Characteristics of the language of *Jawāhirūl-Awliyā*, and
- Part Five** : Importance of *Jawāhirūl-Awliyā* in the present time.

Part One

Description of the manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*.

This part contains the following main points :

- (i) Manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*,
- (ii) Composition of *Jawāhirūl-Awliyā* at Uch Bukhārī,
- (iii) The original scribe of *Jawāhirūl-Awliyā*, at Uch Bukhārī,

The above points are briefly discussed below :

(i) Description of manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*.

The following three manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā* have so far been found in Pākistān :

- (1) A manuscript copy of *Jawāhirūl-Awliyā* now preserved in the Ganj Bakhsh Library, Irān Pākistān Institute of Persian studies, Rāwalpindī, No 290/523 procured from a Village in the district of Gujrānwalā (Panjāb).

facility during my stay at the Institute. I have no hesitation in saying that the production of this work owes every thing to him and to his devotion to the service of Persian Language in Pakistan. It is due to his genuine efforts that this book has seen the light of the day.

- (ii) **Mrs. A.A. Jafarī**, a noble lady of a noble family, who always tried to solve my difficulties during my stay at the Institute, and provided an opportunity for me to continue my work peacefully.
- (iii) **Mr. Muḥammad Husayn Tasbiḥi**, the Librarian of the Ganj Bakhsh Library. He is a prolific writer and indefatigable worker. He always helped me in procuring every kind of material relating to the sources of the present work.

And lastly to my two pupils :

- (1) **Mr. Sājidullah Tafhimi**, now Chairman, Department of Persian, University of Karachi, and
- (2) **Mr. Sayyid Maṣṣūr 'Alī Suhrawardī**, now a research scholar in Persian, University of Karāchī,

And to my friend **Mawlānā 'Abduṣ Ṣamad Siddiqi**, a learned scholar of Arabic, for their help in comparing my text with the original texts.

968 P.I.B. Colony,
Karachi-5.
December 26, 1975.

GHULAM SARWAR
M.A., Ph.D. (Alig.),
Professor and Former Head,
Department of Persian,
University of Karachi,
KARACHI.

The purpose of preparing a complete edition of the text was, however, not served even by comparing the text of the above two manuscripts, and I was compelled to search for another complete manuscript copy of the book. A year's time passed in my fruitless search.

It was in May 1973 that I received information from Mr. Aḥmad Ḥusayn Qurayshī, Professor of Persian, Zamīndār Degree College, Gujrāt, that a complete manuscript copy of **Jawāhirūl-Awliyā** was available. This copy was procured through the courtesy and help of Sayyid Sharīf Aḥmad Sharāfat Nawshāhī, a learned descendant of the Nawshāhī saints of Sāhinpāl, a village near Gujrāt.

This manuscript copy comprised the whole of the book. Only one folio was missing, the contents of which, however, were available in the other two MSS already in my hand.

The actual work of preparing a correct edition of the text thus was started in June, 1973. **Jawāhirūl-Awliyā** is a voluminous work, and it took me several months to compare the texts of the three manuscripts and prepare a complete and correct edition of the text.

The work of studying the whole book carefully and finding out material for a critical introduction to the book also took sufficient time.

The facts contained in the Introduction about the book, the life and times of the author and his family, and salient linguistic characteristics of the book are based entirely on internal evidences.

As a humble scholar of Persian Language and Literature it is unnecessary for me to say anything about the amount of labour and perseverance required for preparing a correct edition of such an old Persian work, and to write a critical introduction to it. Howfar I have succeeded in my efforts can best be judged by scholars who study the edition.

It now remains my pleasant duty to express my sincere thanks to :

- (i) **Dr. 'Alī Akbar Jāfarī**, Director, Irān-Pākistan Institute of Persian Studies, Rāwalpindī, who gave me every

PREFACE

It was in April, 1972, that I was called upon by Dr. Ālī Akbar Jāfarī, Director of Irān Pākistan Institute of Persian Studies, Rāwalpindī, to undertake the work of preparing a correct edition of the book, **Jawāhirūl Awliyā** by **Sayyid Bāqir bin Sayyid Ūthmān Bukhārī** of **Uch Bukhārī** in the district of Bahāwalpūr (Panjāb) and to write a critical introduction to it. I accepted the offer and set myself to the work.

When I started my work only one manuscript copy of the book was available in the Ganj Bakhsh Library of the Institute. I read through it carefully, and prepared a detailed note on the value and importance of the book.

My note was approved by the Director, and I was advised to continue the work.

The manuscript in hand had a number of lacunas extending over several folios, and the text contained numerous mistakes. Even the verses of the Holy Quran had been copied incorrectly. Therefore, before I began the work of preparing a complete and correct copy of the text, it became absolutely necessary for me to search for other manuscript copies of the book.

I then undertook an extensive tour of Peshāwar, Gujrāt (Panjāb), Multān, Bahāwalpūr and lastly Uch Bukhārī, the centre of the Bukhārī saints. The last place I visited thrice but I did not succeed in my efforts to get from there a copy of **Jawāhirūl-Awliyā**.

Later, I was able to find out a manuscript copy of the book in the Panjāb University Library, Lahore. I went to Lahore twice and with the help of the Assistant Librarian, I succeeded in getting a photo-stat copy of the manuscript.

This manuscript was written in a good hand and its text contained only minor errors; but to my utter disappointment it contained more lacunas than those found in the manuscript of the Ganj Bakhsh Library. Moreover it was found that the illiterate book-binder had misplaced several folios of **Jawāhirs IV and V**.

Name : Jawāhiru'l Awliyā

Author : Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī

Foreword : Dr. Ali A. Jafarey, Director, Iran Pakistan Institute of Persian Studies.

Editor : Dr. Ghulam Sarwar

Publishers : Iran Pakistan Institute of Persian Studies,
34th house, 4th Street, F-6/3, Islamabad, Pakistan,
Telephone : 23340

Press : S. T. Printers, Rawalpindi.

Size : 24X17 Cms.

Paper : 70/gr.

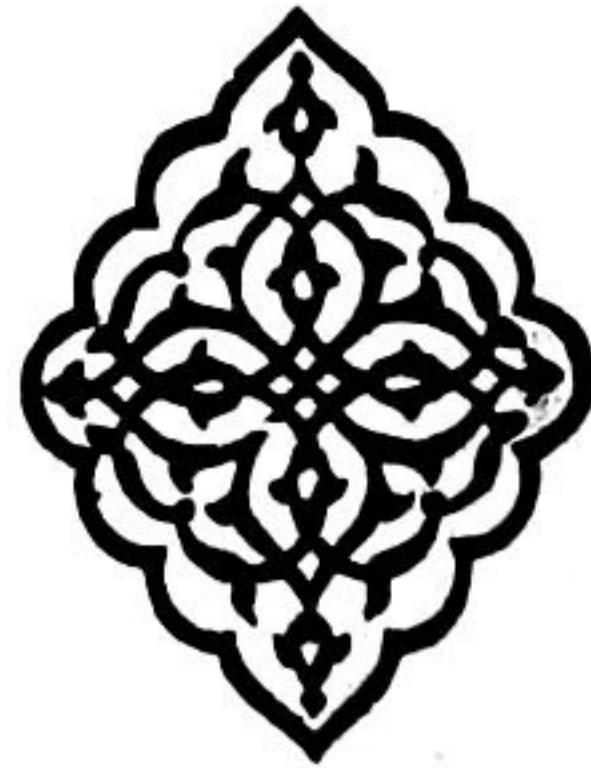
Calligrapher : Abdul Aziz

Date : 1976 A.D.

Price : 25 Pakistani Rupees.

Rights of Publication reserved by the Editor and
the Publishers

A Publication of Iran Pakistan Institute of Persian Studies



Serial No. 15

SUFISM

No. 3

PREFACE

JAWĀHIRU'L-AWLIYĀ

by

DR. GHULĀM SARWAR



طبعة دار الفکر
نور آباد - فتح گڑھ - سیالکوٹ

Iran Pakistan Institute of Persian Studies
Islamabad, Pakistan
1976 A. D.

in these fields, have decided to conclude this Agreement on co-operation in the fields of Culture and Education."

And the Constitution defines the objectives of the Institute: "Pakistan is the proud possessor of a cultural heritage which has been enriched through centuries by the Persian Language, Literature and Art. In order to preserve and develop this heritage further 'an Iran Pakistan Institute of Persian Studies' shall be established in Pakistan jointly by the Ministry of Education and Scientific Research, Government of Pakistan and Ministry of Culture and Art, Imperial Government of Iran for an indefinite period."

One of the steps taken towards achieving the above-mentioned objectives is the publication of Persian manuscripts authored in Pakistan. Here is an interesting text well edited and commented by Dr. Ghulam Sarwar, veteran scholar and Persian professor of Pakistan.

It is hoped that this humble contribution will illuminate a rather dim corner of the wealthy wide world of the Pakistani Culture and will present the identity of the Common Cultural Heritage of Iran and Pakistan.

Islamabad, Pakistan
6th July 1976.

Ali A. Jafarey
Director,
Iran Pakistan
Institute of Persian Studies.



In the name of God, the Beneficent, the Merciful

The conception of the establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies formalized with the will—will to patronize Learning and promote Culture—of His Imperial Majesty Shahanshah Aryamehr of Iran and His Excellency the President of Pakistan translated in the joint communique of 4th November, 1969.

The Ministry of Culture and Art of Iran and the Ministry of Education and Scientific Research of Pakistan were entrusted with the task of drawing and implementing the project. The good will and the zeal of co-operation displayed by the authorities responsible was to such an extent that as soon as the bare outlines of the project emerged clear, preliminary steps were taken to implement it. The nucleus of the Institute was formed in form of a central office at Rawalpindi and it began functioning with no loss of time.

On 23rd October 1971, the Government of Iran and Pakistan signed the Agreement 'regarding establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies in Pakistan, The Institute stood established.

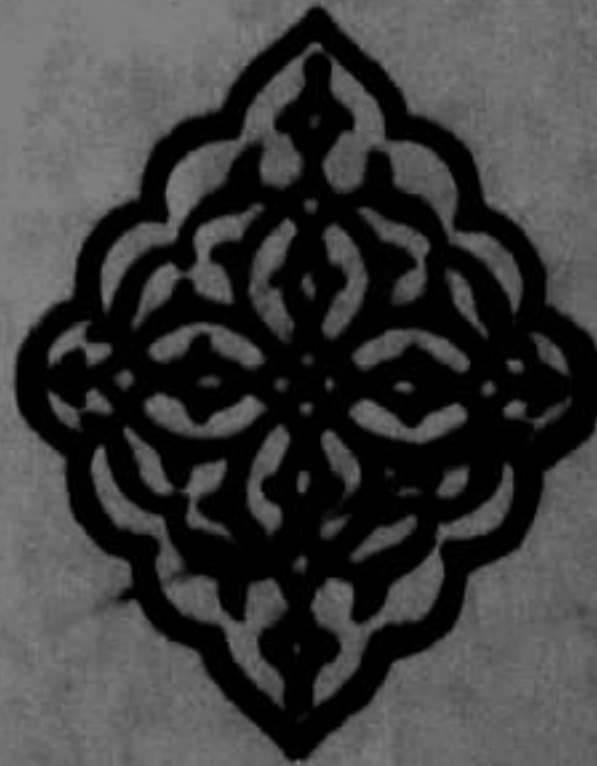
The Agreement begins: "The Imperial Government of Iran and the Government of the Islamic Republic of Pakistan being desirous of strengthening and perpetuating the bonds of cultural, educational and linguistic co-operation between the two countries and with the object of arriving at the greatest possible understanding between them through mutual friendly co-operation

PREFACE

JAWĀHIRŪL-AWLIYĀ

by

DR. GHULĀM SARWAR



Iran Pakistan Institute of Persian Studies
Islamabad, Pakistan
1976 A. D.